

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

پیکار

۹۰

۳۴ صفحه

سال دوم - دوشنبه ۲۹ دی ۱۳۵۹ بهار ۳۰۰ ریال

در صفحات دیگر این شماره:

- چگونه روزیونیستهای اکثریت با کارگران لهستان دشمنی میورزند؟ صفحه ۳
- توضیحی بر بیانیه رفقای پیکار خلق! صفحه ۱۱
- شهرک امام خمینی بدست دولت امام خمینی ویران شد! صفحه ۱۷
- پیروز باد جنگ خلق در السوادرا! صفحه ۲۱
- امضا بقلبم یا تسبیح؟! صفحه ۳۰

مصاحبه "پیکار" و "۱۳ آبان" با رفیق حسین روحانی، عضو کادر رهبری سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر در باره:

بازگشایی دانشگاه و راهپیمایی ۲۳ دی

۲۷ صفحه

سرمقاله

تظاهرات ۲۳ دی: تعرض انقلابی

اوچگیری جنبش انقلابی پایه‌های پوسیده تخت حکومتی را لزران ساخته است. لیکن مبارزات توده‌ای اگرچه با وسیع و عمیقی یافته است، اما از خصلت هدایت شده توسط عنصر آگاه، از خصلت سراسری بودن و... برخوردار نیست.

در متن چنین شرایطی، ارتقا مبارزات توده‌ها، خصلت تعرضی بخشیدن به آن و... از اهمیت بسیاری برخوردار است. این فعالیت‌ها از جانب نیروهای کمونیست در شکستن جوخفغان و اوچگیری با زهم بیشتر مبارزات نقش بسیار مهمی میتواند بازی کند. امروز جوخفغان و سرکوبی که از اردیبهشت ماه سال گذشته به قیمت خون آلود کردن سنگفرش دانشگاه‌ها لشکرکشی به کردستان و سرکوب سازمان یافته کلیه دستاوردهای قیام برقرار گذشته بود، پس از گذشت قریب به یکسال با ردیگر میروند تا درهم شکنند باید با فعالیت سازمان یافته و پیگیری این اوضاع را بسودرشد سریعتر انقلاب تغییر داد و بیانشیل جنبش توده‌ای را شکوفا نمود.

شرایطی که اکنون در آن بسر میبریم دارای ویژگیهای زیرین است:

بقیه در صفحه ۲



تظاهرات پرشکوه ۲۳ دیماه: هشت محکمی بر دهان ارتجاع و نوکرانش صفحه ۱۴

خائنی از حزب جمهوری اسلامی صفحه ۱۹

تجزیه طلبی در کردستان: سیاستی بر ضد خلق کرد صفحه ۶



۵۷ سال از خاموشی آموزگار کبیر و رهبر پروتاریای جهان گذشت

لنینیسم: یگانه پرچم رها ئی بخش طبقه کارگر صفحه ۹

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱ سرفصله ...

ان بحران اقتصادی ستم حاکم، روزبه روز بیشتر اوج میگیرد و دورنمای خرابی را بصورت جدی برای توده ها به ارمغان می آورد. نا توانی رژیم، بدخل بحران های اقتصادی - سیاسی، برنا رضایی توده ها بطور سراسر مآوری افزوده است و جنبش توده های پرسترا - ...

مجموعه شرایط فوق، سنا گریز و بصورتی جبری جنبش را روبه اعلا ی بیشتر برده، توهیم توده ها را فروریخته و بی اعتمادی آنها نسبت به رژیم را افزونتر خواهد نمود. مبارزات پراکنده لیکن گسترده کارگران، آوارگان جنگ، دانش - آموزان و سایر توده های مردم در سراسر ایران گواه فروریزی توهیم بخشهای وسیعی از توده ها است پس از گذشت سه ماه از جنگ، توهیمات شوینستی نیز بدشت فروریخته، جنگ در نزد توده ها به مسئله ای فرعی تبدیل گشته و تحت الشعاع مبارزه طبقاتی داخل کشور قرار گرفته است.

در جنبش شرایطی، برپا نمودن تظاهرات سراسری و گسترده از سوی نیروهای آگاه جامعه، نقش موثری در ارتقاء مبارزات توده ها، جذب آنان سوی خود، تشدید مبارزه طبقاتی و ایجاد نقطه اتکالی برای توده ها و ... ایفا میکند. می بایست با تکیه بر طبقه اطلی و محوری تاکتیک، کدهر مقطعی میتوانند عوض شود، بیخ جنبش را بدست آورده و حول آن به تبلیغ و ترویج برداخت و سپس توده را بسیج و سازماندهی نمود.

۲۲ دی، روز مبارزاتی دانشگاهها، دقیقاً دارای جنبش نقشی بود. چه توده های آگاه، بویژه دانشجویان انقلابی به تعطیلی دانشگاه نندید اعتراض داشته و خواستار بازگشایی دانشگاهها مینماید. خواست با زنگش دانشگاه خواستی توده گیر و همگانی بوده و ۲۴ دی نیز روزی خاطر انگیز در نزد توده ها به مثابه سبیل مبارزات دمکراتیک - در مقطعی از وابسیس روزهای حیات حکومت پهلوی بشمار میرفت، چه در این روز به همت توده ها، دانشجویان مبارز، سنگردان دانشگاهها را گنودند، بدین ترتیب با استفاده از جنبش روزی و با تکیه بر خواست بازگشایی دانشگاه که خواستی همگانی بود، می - بایست تظاهرات سراسری برای بازگشایی دانشگاه سراسر ایران، بدین ترتیب جنبش تظاهراتی می توانست:

۱- در ارتقاء سطح مبارزات دانش آموزی و دانشجویی و به عنوان فتح باب آغاز دوره جدیدی

تظاهرات ۲۳ دی، دانشجویان کمونیست بخون کشیده شد و دهها نفر دستگیر گردیدند

هم میهنان انقلابی، کارگران و زحمتکشان! دانشجویان کمونیست برای اعتراض به تعطیل کردن دانشگاهها این سنگر آزادی و انقلاب در روز ۲۳ دی دست به یک تظاهرات افشاگرانه زدند تا قریباً بحق طلبانه تا ن را بگوش زحمت کشان برسانند.

رژیم از یکطرف تظاهرات را شدیداً سرکوب کرد و از طرف دیگر ادعا کرد که گویا تظاهراتی صورت نگرفته و با بسیار کم اهمیت بوده است! اما واقعیت اینست که رژیم با بسیج حداقل ۲ هزار پارسا و بسیج و اوباش حزب الهی، مسلح به قمه، جاققو... با شلیک تیرهاوشی، گازاشک - آورشیدیداً به تظاهرات دانشجویان کمونیست حمله کرده عده زیادی را شدیداً مجروح و دهها نفر را نیز دستگیر کرد. حتی در یک مورد با شلیک سیاه پارسا دران با سرعت زیاد و اربدیا ده روشد، چندین تظاهرکننده را زیر گرفت مشخحات ماشین بقیه در صفحه ۲۵

از مبارزات دانشجویان برای احقاق حقوق حقه خود، نقش موثری ایفا کند.

۲- به مثابه عاملی مبارزات دانشجویی، دانش آموزی را از صورت پراکنده، به صورت منظم، گسترده و وسیع و همگانی سوق دهد.

۳- بعنوان یکی از طبقه های اصلی جنبش انقلابی خلق، در این مقطع در ارتقاء مبارزات توده ها، نقشی موثر داشته باشد.

۴- در برقراری بیوند بین عناصر آگاه و جنبش خلق و ایجاد تکیه گاه متقابل برای رشد و گسترش هر دو نقش قابل توجهی ایفا کند.

۵- با بسیج توده ای، رژیم را در روی یک نبرد عظیم توده ای قرار دهد و در شکستن جو موجود بس موثر افتد. ...

از اینرو با تکیه بر نقش اساسی که این حرکت می توانست در روند خلق ایفا کند، ما مبارزه برای بازگشایی دانشگاهها را به مسئله ای محوری در طول هفته گذشته بدل ساختیم و قابعی که در جریان برگزاری مراسم بیست و آمد، محت نظرات ما را به نیوت رساند، چه رژیم با درک از نقشی که این حرکت می توانست در روند جنبش خلق و در تضعیف حاکمیت اوبگذار، با تمام قدرت به مقابله برداخت. رژیم بسیج گسترده و همه جانبه خود را در طی دوران حیاتی برای مقابله با یک تظاهرات انقلابی صورت داد. تبلیغات مسموم کننده ای را در این زود زمینه

را برای سرکوب ما عدم بود، رژیم بدرستی درک کرده بود که سرگزاری موفقیت آمیز جنبش راه - بسعاشی، نقش سرنوشت ساز را در دور جدیدی از معادلات مبارزه طبقاتی درون جامعه ایفا خواهد کرد. کرسوا تداوم سرکوب کند، ما زحمت کشان - هر چند موقتی - خواهد توانست جنبش اختناتی موجود را حفظ نماید و به برکت جنبش سرکوبی، آرا تندیست نماید.

و اگر نتوانست آرا سرکوب کند و ... تظاهرات بیروزر کرده، جنبش دمکراتیک وارد عرصه جدیدی از کارزار خواهد شد. با زهم موج تظاهرات نیروهای سیاسی، با زهم اوج مبارزات جنبش توده ای، با زهم گشته شدن جوخقان و ... باری بسج گشتن ارتجاع از طرفی و استقبال بخش وسیعی از توده ها از جنبش حرکتی، علیرغم تمام تهدیدهای رژیم از طرف دیگر، نشان دهنده انتخاب بجا و درستی سو دکه عناصر آگاه به سراسر ارتقاء مبارزات توده ای بدان دست بازیده بود بی شک درک مقام تاریخی این روز و درک همه - جانبه از تظاهراتی که جنبش تظاهراتی می - توانست در جنبش دمکراتیک خلق بگذارد، می - توانست کیفیت کار ما را افزایش دهد.

این واقعیتی است که نیروهای مترزلسی چون راه کارگران مسئله را درک نکرده و با وحشت از "ایجاد تشنج و درگیری" کنار کشی خود را از برگزاری مراسم اعلام نمودند. لیکن اگر اینان نتوانستند نقش و اهمیت و تاثیر تاریکی این حرکت می توانست برجای گذارد، را درک کنند، روی بیوندیستها، لیبرالها و "حزبیها"، همگی با تمام قوه طبقاتی خود آرا درک کرده و در ضد سرکوب، خنثی کردن، تحریم و تعطیل آن بسر - آمدند.

برگزاری این تظاهرات علیرغم ضعفها و نارسائی های آن (که تحلیل آرا به جای دیگری موقوف میکنیم) به رژیم همزمان که نیروهای کمونیستی مصمم هستند با درک شرایط موجود، دست به تعرض زده و با همراهی با جنبش توده ای آرا به زیر هژمونی خود در آورند. از اینرو رژیم با درک جنبش واقعیتی، بی شک بیش از پیش خود را برای مقابله با جنبش انقلابی آماده خواهد ساخت. ما به کمونیستها هشدار میدهم که عدم درک جنبش شرایطی، با ردیگر ما را از رهبری جنبش خلق برکنار نکند و خواهد داشت و رهبری جنبش را بدست لیبرالها و نیروهای ناپیوسته خواهد سپرد.

رفقا! جمعیتدی همه جانبه از آنچه در جریان حرکت ۲۳ دی بیدآمد، نقش موثری در تضعیف و تحکیم گامهای بعدی برای دست زدن به جنبش تعرضی خواهد داشت. بس بکوشیم با من زدن به مبارزه ایدئولوژیک حول دستاوردهای این حرکت را در دست گرفتن رهبری جنبش را بساموزیم و خود را برای حرکت بعدی آماده سازیم.

به استقبال جنبش اوجگیرنده توده ها بنشاییم

جنبش کارگری



اخبار کوتاه کارگری

آصل: روز ۲۰/۱۰/۵۹ کارگران آجرنشاری هراز بدنبال تصمیم کارفرما مبنی بر اخراج سه نفر از کارگران و گرفتن مالیات از حقوق ناچیز کارگران، تصمیم میگیرند به عنوان اعتراض نماینده فرمانداری در این کوره پزخانه را به گروگان بگیرند، بعد از اجرای این تصمیم یکی از نمایندگان سازشکار کارگران هنگام اطلاع از این عمل سعی میکنند با تضعیف روحیه کارگران آنها را از تصمیم خودشان منصرف نمایند، و همراه با کارگران به محل نگهداری نماینده فرماندار رفته و از کارگران میخواهند که او را آزاد کنند، نماینده فرماندار در جواب یکی از کارگران اخراجی که علت اخراجش را پرسیده بود از آنجا نیکه هیچ بیانه ای نداشت، و قیحا نه میگوید: "تسو سرباز هستی و با ید بروی جبهه جنگی!" (اینهم یکی دیگر از خیرات "جنگ برای کارگران است که آنها را بخاطر جنگیدن برای سرمایه داران اخراج میکنند!) به حال کارگران بغلست نداشتن رهبری قاطع و انقلابی، تحت تاثیر نماینده سازشکارشان نماینده فرماندار را بعد از ۱۲ ساعت آزاد میکنند!

برای آزادی و تن از نمایندگان شورای کارگران جنگزده صنعت نفت بپا خیزیم!

با درگیر شدن جنگ ارتجاعی ایران و عراق رژیم با آزادی عمل بیشتری به وارد کردن فشار بر کارگران صنعت نفت و سرکوب مبارزات آنها پرداخت، نمونه‌هایی از این اعمال چنین است: - کم کردن حقوق کارکنان و بویژه کارکنان زیر پوشش و ندادن مسکن، سوخت و غیره غذایی، - صدور بخشنامه‌هایی مبنی بر اخراج دستجمعی کارکنان البته برای مبارزات کارکنان، رژیم موقتاً آنها را پس گرفته است - اقدام دولت جهت بازتفتیش اجباری کارکنان بدون رعایت حقوق و مقررات

بقیه در صفحه ۴

مردم قهرمان ایران: بخاطر درامی که چگونه کارگران مبارز صنعت نفت در مقابل رژیم شاه‌خاش به مبارزه ای قهرمانانه دست زدند و در مقابل مزدوران آن رژیم چه حمله‌هایی از مقاومت و دلالتی آفریدند تا اینکه سرانجام با اعتمادات یکپارچه و گسترده خود کمرا میریالیسم آمریکا و رژیم کارگزاران خم کردند، اما با روی کار آمدن رژیم چمهوری اسلامی که نه نتیجه قیام نموده‌ها بلکه حاصل سازش "رهبران" جنبش با امپریالیسم بود، فشارها و تفتیشات بر روی کارگران صنعت نفت ادامه یافت.

گرسنگار: حدود دو هفته قبل کارگران کارخانه کشت و صنعت "گرسو" (تولیدکننده رب گوجه - فرنگی و...) برای گرفتن سود ویژه خود به مدیریت خلی کارخانه مراجعه میکنند، مدیر طبق معمول قانون رابرخ کارگران کشیده و صحبت از بی پولی دولت میکند، کارگران بدرستی مطرح میگردند که اگر دولت بی پول است چرا آقای رفسنجانی ۲۰۰ میلیون تومان خارج می کند؟! کارگران ضمن محکوم کردن اعمال ضد کارگری رژیم، اعلام داشتند در صورتیکه حق آنها را ندهند دست به اعتصاب خواهند زد.

چگونه رویزیونیستهای اکثریت با کارگران لهستان دشمنی میورزند؟

آن که در سراسر جهان ظنین افکنند، رویزیونیستهای اکثریت را مجبور کرد تا به بررسی این رویداد بپردازند، چرا که سکوت در مقابل آن به معنای اعتراف به درامندگیان در توجیه "تفادیسین این جنبش و" اردوگا هوسیا لیستی "موردادعا - بیان تلخی میگردید، علاوه و طیف رویزیونیستهای چیزی جز آرایش بورژوازی و ظاهر آن نیست، بدین جهت رویزیونیستهای ما دست بکار شدند تا با توجیه رویدادهای لهستان به خیال خود جلوی آگاه شدن کارگران ایران نسبت به ماهیت سرمایه دارانه هوسیا لیسم شوروی واقفان را بگیرند، اما این تلاشهای مذبحا نه تنها نتوانستند (و نخواهد توانست) موثرواقع شوند، بلکه بیش از پیش ماهیت ضد کارگری رویزیونیستها را آشکار نمودند.

رویزیونیستهای اکثریت که تحلیل مشخصی وریشه‌ای مبارزات طبقه کارگر لهستان را به خود خد نمی بیند، طبق معمول با تکیه بر

بقیه در صفحه ۲۴

مبارزات گسترده و کم سابقه کارگران قهرمان لهستان که چند ماهی است آغاز شده، علیه رژیم فاشیستی (خود بخودی بودن و سوار شدن سازشکاران و لیبرالها به رهبری آن و...) چنان ضربات کوبنده‌ای بر پیگردنظ مفرط سرمایه داران جهانی و مخصوص سرمایه داران دولتی لهستان وارد کرده است که دولت بورژوازی رویزیونیست لهستان هنوز نتوانسته است و لواندگی، گمرا خود را راست کند ما در شمارهای قبلی پیکار کوشیدیم تا به بررسی این جنبش بزرگ کارگری بپردازیم (۱) اما آنچه اینک مورد نظر ما است نظرا فکندن به برخورد رویزیونیستها و بطور مشخص رویزیونیستهای اکثریت نسبت به این جنبش میباید شجره که مبارزات کارگران لهستان قبل از همه - هیچ رویزیونیستهای خروشی را در سراسر جهان با زتر کرده و در واقع آب سردی روی تمام عوام فریبیهای اینان در باره اردوگا هوسیا لیسم "شان ریخت!"

گسترش جنبش کارگران لهستان و اهمیت

از انتشارات جدید سازمان

زندگی یک کارگر قهرمان

ایوان بابوشکین

تالیف: بابوشکین

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر



گزارشی از تجمع کارکنان مبارز و جنگزده در ماهشهر

اراجب گفته شده توسط "شمسری" نماینده شرکت نفت در ماهشهر، کارکنان اجتماع کننده در ماهشهر در محل حضور و عیاب کارکنان در ماهشهر اجتماع کردند. یکی از نمایندگان کارکنان در سخنان خود به انضامی برخورد مسئولین وزارت نفت در ماهشهر پرداخت. او گفت که "شمسری" نماینده ما لایحه رورارت نفت در ماهشهر در جواب نمایندگان کارکنان که خواسته های آنان را مطالبه میکردند، چگونه بصر ما نهاد اظهار داشته است که: "من کسی را بعنوان نماینده کارکنان بر رسمیت نمی شناسم. کارگری که نماینده دارد و آنهم آقای رجائی است". این گفته شمسری موجب خشم کارکنان گردید. آنها بدستی می گفتند که "رجائی را که ما انتخاب نکرده ایم که نماینده ما نباشد!

روز ۱۰/۱۰/۵۹ بدعوت شورای هماهنگی کارکنان جنگزده، حدود ۱۰۰۰ نفر کارکنان جنگزده در محل حضور و عیاب کارکنان در ماهشهر اجتماع کردند. یکی از نمایندگان کارکنان در سخنان خود به انضامی برخورد مسئولین وزارت نفت در ماهشهر پرداخت. او گفت که "شمسری" نماینده ما لایحه رورارت نفت در ماهشهر در جواب نمایندگان کارکنان که خواسته های آنان را مطالبه میکردند، چگونه بصر ما نهاد اظهار داشته است که: "من کسی را بعنوان نماینده کارکنان بر رسمیت نمی شناسم. کارگری که نماینده دارد و آنهم آقای رجائی است". این گفته شمسری موجب خشم کارکنان گردید. آنها بدستی می گفتند که "رجائی را که ما انتخاب نکرده ایم که نماینده ما نباشد!

یکی از نمایندگان کارکنان موقعی خطی کارکنان جنگزده صنعت نفت را اینچنین تشریح کرد: "هم اکنون دو مسئله مهم یعنی باز نسیجی اجباری و تعهدنا مردود روی ما است بر مبنای فرمایشات استسجی اجباری که از طرف دولت بخش شده است. حدود ۷۰۰۰ کارگر و کارمند بدون پرداخت یاداش، سابقه خدمت و مستمری کامل، باز نسیج خواهند گردید. بنا بر این ما با این طرح مخالفت می کنیم" (کارکنان یکصد تا شصت کردند) وی سپس ادا مهاد دکر رژیم میخواد هتعداد زیادی ارکارکنان را نیز اخراج نماید. کما اینکه فعلا حدود ۲۰۰۰ بزرگ اخراج آماده کرده بودند که با اعتراض کارکنان لغو شد. اما اینک رورارت نفت از طرف دیگر وارد شده است آنها اساسی گروهی های از کارکنان را برای اعزام به آبادان اعلام میکنند و هر کس که از رفتن خودداری میکند اخراج میشود. تازه کسانی هم که به آبادان میروند، کاری برای انجام ندارند و فقط با بد هفته ای ۲ روز برای حضور و عیاب بیه سرکار میروند. (رژیم کارکنان را فقط برای گشت دم نوب کردن در مناطق جنگی میبرد!) بقیه در صفحه ۲۵

نمایند کارکنان در دادا مد سخنان گفت : "زمانیکه از مسئول وزارت نفت خواستند برای پاسخگویی به سئوالات کارکنان در این اجتماع شرکت کنند، او با کسختی (که شیوه تمام مبنی مردودان رژیم است) ، شده تنها از آمدن امتناع کرده بلکه به کارکنانی که در این اجتماع شرکت کردند توهین نمود. "کارکنان شرکت کننده در اجتماع از شنیدن چگونگی برخورد مسئولین به خواسته های ما بصر ما بصر خود را نسبت به آنها ابراز داشته و پیش از نسیج ما ما همت ضد کارگری رژیم میبردند. شمسری مزدور به نمایندگان کارکنان گفته بود که: "این ۴۰۰۰ شما میگیرید حقان نیست و حق با برهنه های ما دگانی است!" و اینکه فردا ممکن است کارکنان شهر داری هم از ما ۴۰۰۰ تومان بخوانند! ... در جواب این

اصفهان: اخراج کارکنان مبارز سیمان - ساها ن بدنیا ل دستگیری ۱۸ نفر از کارکنان کارخانه سیمان ساها ن، رژیم با گرفتن تعهد آنها را بتدریج آزاد میکند اما کارکنان انقلابی به باره گردن تعهدنا مهها مبادرت میورزند. فقط چند کارگرها دارو بیوزیونیستهای اکثریت که آنها ها "دستگیر شده بودند (۱۴) تعهدنا مهها را امضا کرده و سایرین را نیز به امضای آن شوق میگردند.

۱۸ نفر مذکور ۱۶ نفر را اخراج کرده اند و این عمل بدنیا ل اخراج ۳۰ تن از کارکنان این کارخانه نجام گرفته است کارکنان کارخانه احتمال اینرا میدهند که رژیم برای سرکوب مبارزانشان باز هم به اخراج بیشتر آنان مبادرت ورزد.

زنجان: روز ۱۹/۹/۵۹ حدود صد نفر از کارکنان بیکار این شهر در مقابل اداره کار جمع شده و با انتخاب نماینده ای خواسته های خود را مطرح میسازند. اما رئیس مرتجع اداره کار با برخورد تحقیر آمیز به نماینده زحمتکشان بیکار، بسا فحاشی و جسبان بد بر حسب رایج "فدا انقلاب" او را از طاقش بیرون میکند و زنجیری میخواد که او را دستگیر سازند. ما مورین شهریانی این کارگز زحمتکشان را به دادگستری برده و بعنوان "فدا انقلاب" او را ۲۴ ساعت بازداشت میکنند. کارکنان بیکار که خرید دستگیری نماینده شان را میشوند، در دادگستری تجمع کرده و یکبارجه واستوار خواها ن آزادی وی میشوند. ارتجاع بسوا سله و جشت از قاطعیت کارکنان را آزاد میکند

بی بردن هر چند بیشتر به ما هیت رژیم جمهوری اسلامی، روز افزون گردیده است، دلیل ناتوانی و عجز رژیم سرکوشی مبارزات توده ها و خفه کردن انقلاب است. کارگران و زحمتکشان! با تمام قوا از مبارزات کارکنان جنگزده صنعت نفت و شورای سراسری شان بشعبانسی کنیم و برای آزادی شان از نمایندگان این سورا تلان نمایم. به فضای توطئه های ضد مردمی رژیم بر علیه زحمتکشان جنگزده و مخصوصی نفتکاران قهرمان، سپرداریم. مبارزات خود را هر چه گسترده تر و مستلکتر به پیش ببریم!

نمایندگان زندانی شورای سراسری کارکنان جنگزده صنعت نفت آزاد دیا بدگردند! هر چه رسوا تر بسا د توطئه های رژیم بسر علیه کارکنان مبارز! برقرار با جمهوری دیکراتیک خلق! سازمان بیکار در روزه آزادی طبقه کارگر

است که در جریان مبارزات کونا کون آبدیده شده و با طرد هر گونه سازشکاری امتحان خود را نزد کارکنان صنعت نفت داده است. به همین دلیل هم رژیم قصد شرفرا ندازی در میان کارکنان و سرکوب سورا را دارد. و اخیرا مبادرت به دستگیری شان از نمایندگان سورا نموده است در این راه و بیوزیونیستهای نوده ای و اکثریت این خائنین به طبقه کارگر، همدا و همگام با رژیم در جهت بد نحرات کساندن مبارزات کارکنان صنعت نفت، به تلال مذبحا نه دست می زنند، بلندگوهای تبلیغاتی رژیم و رورارتا مه های جیره خوارتن نیز گوشیدندنا بسا سبانی بر علیه سورا و نمایندگان رژیم سرکوب آنرا فراموش نمید. اما رژیم تمنا می مرتجعین که کمتر خدمت به سرمایه داران و امپریالیسم استاتد، گورخواد نه اند! او جگیری نارمانی و مبارزات حق طلبانه توده های خلق که برانرفر و فلاکت شدیدا ن و

بقیه از صفحه ۳ برای ...

باز نسیجنا - اعزام اجباری ویی رویه کارکنان به مناطق جنگزده صرفا برای گشت دم نوب کردن آنها و در صورت امتناع، اخراج آنها - رفتارها انت با روتحقیر آمیز با کارکنان جنگ زده ("فدا انقلاب" و "فراری" خواندن آنان در شیراز، ماهشهر و اصفهان) - اعمال انواع واقسامنا رها بر کارکنان برای بیانه ای جهت اخراجنا ن فرا هم شود ...

بدین لحاظ کارکنان قهرمان صنعت نفت برای بدست آوردن حقوق خویش و خنثی کردن توطئه های رژیم بر ما به داری حاکم اقدام به تشکیل شورای سراسری کارکنان جنگزده صنعت نفت نمودند. این سورا که در واقع اقدام مشکلات سابق نفتکاران جنوب میباشد سورا نسی

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

**حماسه مقاومت مردم
روستای ایندرفاش و اهالی
روستاهای اطراف آن**



هم‌میهنان مبارز
همچنانکه اطلاع دارید، مدتی قبل در روز ۱۳
آبان ۵۹ با سداران و افراد بسیج مستضعفین
طی یورش وحشیانه‌ای که به روستای ایندرفاش
نمودند، ۳۶ نفر از اهالی بی دفاع ده را بشیوه
فجیعی قتل عام نموده و عده‌ای را با چوب و چماق
و تبر زخمی نمودند. در جلوجسمان مادی به
دخترش تجاوز کردند و بخاطر اعتراض مادرش وی
را نیز برگیبا بستند. نیروهای سرکوبگر رژیم در
آن روز حتی مقدار زیادی علوفه زمستانی و
سخت‌آهالی روستا را آتش زده و دست‌رنج یک
سال کار چندین خانواده را بگارت بردند. نیرو
های سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی برای
دومین بار در تاریخ ۵۹/۱۰/۱ حمله خود را به
روستای ایندرفاش آغاز کرده تا بار دیگر به
قتل عام این روستا بپردازند. ساعت ۵ صبح
۱۲ ماهین حامل سداران و جاشها در اطراف
ایندرفاش مستقر شده و سنگر بندی کردند
تانکهای مستقر در تپه‌های بین ۲ روستای "ده ریاز" و
"یوسف کنت" حدود ۱۰۰ نفر از افراد پیاده ارتش نیز
بطرف روستا پیش روی کردند.

اهالی ایندرفاش که یکبار روحشکوری
با سداران ارتجاع و مزدوران رژیم جمهوری
اسلامی را در روستای خویش دیده بودند و زنان
و کودکان و پیر مردان را از ده خارج نموده و دوش
به دوش پیشمرگان کومله که در داخل روستا
بودند آماده مقاومت شدند. زنان و پیر مردان
هنگام خارج شدن از روستا به پیشمرگان میگفتند
هر چه که در ریم در خدمت مقاومت شماست.

یکساعت بعد پیشمرگان کومله مستقر در
بارگاههای نزدیک به ایندرفاش یکک اهالی روستا و پیشمرگان
شنافتند تا آن هنگام سداران و جاشها و نیرو
های ارتش مشغول سنگر بندی و گاه و بیگاه تیر
اندازی بودند.

در این لحظات را دیومها با دپیا مستعد
مشترک سباه سداران و ارتش را چندین بار
خطاب به اهالی ایندرفاش پخش نمود که طی آن
از اهالی میخواست روستا را ترک نموده سلاح
های خود را تحویل دهند تا بتوانند از انقلابیون
مستفرد داخل روستا را سرکوب نمایند. غافل
از اینکه مردم کردستان کشتار و قتل عام دست
جمعی زحمتکشان روستای ایندرفاش را هرگز
از یاد نخواهند برد.

طی این مدت پیشمرگان سازمان پیکار و
بقیه در صفحه ۲۶

**تجزیه طلبی در کردستان:
سیاستی بر ضد خلق کرد**

اخیرا نغمه‌های شومی مبنی بر تجزیه طلبی
و ایجاد کردستان خودمختار آزاد توسط حزب
دمکرات در کردستان بگوش میرسد. تردیدی
نیست که هیچ نیروی کمونیستی از نظرا حوالی
نمی‌تواند مخالف حق تعیین سرنوشت و آزادی
خلق کرد باشد چه وقتی که میگوئیم حق تعیین
سرنوشت حق مسلم خلقهاست. بیانگر آن است که
خلقها از جمله خلق کرد باید سرنوشت خود را بدست
خود تعیین کنند، اما مسئله اینجاست که آیا
تجزیه طلبی کنونی در کردستان خواست و اراده
خلق کرد و یا در حقیقت تعیین سرنوشت بدست
بقیه در صفحه ۱۸

جنش مقاومت خلق کرد در روند خود برای
نیل به پیروزی نیازمند حمایت همه جانبه
کارگران و زحمتکشان و خلقهای آگاه سراسر
ایران بوده و پیوند دادن مبارزات خلق قهرمان
کرد با مبارزه زحمتکشان سراسر ایران از نیازهای
میرم جنبش مقاومت و از عوامل اصلی پیروزی
آن بشمار میرود. هر سیاست تجزیه طلبانه در قبال
وحدت مبارزاتی خلق کرد با خلقهای سراسر
ایران، توطئه‌ای بر علیه خلق کرد محسوب شده
و امتیازی برای رژیم فدا خلقی جمهوری اسلامی
در جهت سرکوب فشرده جنبش خلقها از جمله خلق
کرد در مجموع انقلاب بشمار میرود.



**سی و پنجمین سالگرد اعلام حکومت
خودمختار کردستان گرامی باد**

دومپنجمین مقارن است با برقراری جمهوری
دمکراتیک کردستان "درمها با ده که به جمهوری
مها باد" نیز معروف است. خلق قهرمان کرد
علاوه بر مستطیقاتی و فشاها نیکه از طرف رژیم
ارتجاعی پهلوی بر همه خلقهای ایران اعمال
میشد از ستم ملی نیز رنج میبرد. وجود فئودالها
و عشا بیری که اغلب سرکردگی زحمتکشان کرد را
بدست میگرداند با عت سرکوب جنبشهای آزادی
خواهان خلق کرد میگردید و نبودن یک سازمان
انقلابی سرتاسری در کردستان سبب میشد که
حکومت رضاخان قلدر بطور وحشیانه‌ای خلق
قهرمان را سرکوب نماید.

شرایط سالهای پس از شهریور و بیساری
دو باره خلقهای ایران که در مبارزات
دموکراتیک و انقلابی متبلور گردیدند نمیتوانستند
در جنبش خلق کردی تا شیرباید در سال ۱۳۲۴
حزب کومله به زیا نه و دیده کورد "که به کومله
زک" مشهور شد در کردستان بوجود آمد. از دل این
سازمان بود که در سال ۱۳۲۴ "حزب دموکرات

کردستان" اعلام موجودیت کرد و بر رهبری قاضی
محمدهدایت مبارزات خلق کرد را بعهده گرفت.
پس از قیام قهرمانان خلق آذربایجان
جنبش خلق کرد نیز آوج گرفت و در ۲ بهمن ۱۳۲۴
حزب دموکرات کردستان برقراری حکومت خود
مختار را در کردستان اعلام کرد.
در اولین اطلاعیه "حزب دموکرات کردستان"
از "آزادی و خودمختاری ملت کرد در داخل ایران
برای انجام کارهای محلی"، "رواج زبان کردی"
بقیه در صفحه ۶

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



"تجاوز به دختران قهرمان کرد، گوشه‌ای از جنایتهای سپاه پاسداران و ارتش ضد خلقی جمهوری اسلامی!"

"در عرض یک ساعت ۲۱ نفر از پرسنل شما به من تجاوز کرده‌اند" و گریه کنان آنجا را شرک میگوید، این حرکت فاشیستی بحدی جیانتکارانه بوده است که فرمانده واحد خود را مجبور به استعفا میبند. آری اینست ارتش اسلام، اینست آن ارتشی که آیت الله خمینی آنرا غسل تعمید میدهند و اسلامیش مینامند، این است ارتشی که بنی صدر خاشاک افتخار فرماندهیش را دارد.

اما با وجود چنین جنایاتی بدست مزدوران رژیم خلق قهرمان کرد، به همراه سایر خلقهای ایران با مقاومت دلیرانه و حماسه آفرین خود در مقابل رژیم ضد خلقی حاکم و ارگانهای سرکوبش، به مبارزه خود در راه هدایت آوردن خواستهای برحقشان ادامه میدهد، تنگ و نفرت بر رژیم ضد خلقی و ارتش و سپاه سدان مزدورشان

تجاوز به دختران قهرمان کردگوشه‌ای دیگر از رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی برای تسلیم کشیدن جنبش مقاومت خلق قهرمان کرد، سیاستهای خائسانه و جناپتکارانه اش را بوسیله ارگانهای سرکوبش در کردستان به پیش میبرد. ارتش شاهنشاهی که رژیم ضد خلقی هم اکنون آنرا ارتش اسلام مینامند از کوچکترین حرکات فاشیستی برای درهم شکستن روحیه مقاومت جویان خلق کردغافل نمیمانند. نمونه زیرگوشه‌ای از حرکات فاشیستی و جناپتکارانه ارتش در کردستان قهرمان میباشد. در شهر قهرمان "بانه" پس از ورود ارتش و کشتار خلق کرد و بمباران خانه‌ها، دختر قهرمان کردی با لباس باره‌باز به محل استقرار ارتش ضد خلقی آمده و فرمانده و احدا را میخواست، پس از دیدن او بصورتش تف کرده و میگوید:

حمله فانتومهای جمهوری اسلامی به روستای "ههلوی" سردشت و شهادت ۵ زحمتکش

نهنجا خلق مبارز کرد را در ادامه راهشان منصرف نکرده است بلکه ادامه مقاومت این خلق رزمنده را هر روز گسترده تر کرده است. اسامی شهدا:

۱ - محمد ملارحمان (آب بسته) ۲۳ ساله -
فاطمه رسول عابنه خول ۴۵ ساله -
خدیجه دختر فاطمه ۴ - زنی بنام مریم ۶۰ ساله -
اسامی زخمیها:

۱ - بک مریم عثمانی ۲ زهرا خضری ۳ - سالار خضری ۴ - شهین خضری ۵ - عایشه خضری ۶ - آمینه عبدالهی ۷ - فاطمه ملارحمان ۸ - گل محمدیان ۹ - زهرا عثمانی.

در همین روز شهرک ربط خمیاره باران شد و در نتیجه ما بت خمیاره چند ساعت غمناک غیر مسکونی آسیب دید و همین مزدوران رژیم روستا - های اطراف کانی کریزو "هورموزنا" (هرمز آباد) را خمیاره باران و توب باران کردند.

(خبرنامه ۱۰۲ کومله)

سردشت: ۵۹/۹/۲۸ - فانتومهای رژیم جمهوری اسلامی از ساعت ۱۰ صبح با ریدگر روستای "ههلوی" را بمباران کردند. در اثر اصابت یک راکت به یک خانه مسکونی، یک مادر همراه دختر ۲۰ ساله و عروسی دردم به شهادت رسیدند، و دست و پای ۳ کودک خردسالان قطع گردید. در این حملات کاک محمد ملارحمان (آب بسته) هوا - دار فعال کومله نیز شهید شد. جمعا ۵ نفر شهید و ۹ نفر زخمی گردیدند و ۳ خانه بکلی ویران و ۵ خانه دیگر آسیب دیدند. در روستای "وهره گیل" هم یک نفر را بمباران کردند و فانتوم شهیدند.

بیش از یک ماه است فانتومها و هلیکوپترهای رژیم جمهوری اسلامی روستاهای اطراف سردشت را بمباران کرده و کشته می‌کنند و تاکنون چندین نفر را بمباران کرده و زخمی کرده و دهها خانه را ویران کرده‌اند. این حملات خشم و نفرت زحمتکشان این منطقه را نسبت به رژیم جمهوری اسلامی افزایش داده و عزم آنها را در ادامه مقاومت را سخت کرده است. جنایات رژیم

بقیه از صفحه سی و پنجمین...
"وحدت و برادری با خلقهای دیگر" بخصوص ملت آذربایجان، "پیش بردن کشاورزی و بازرگانی کردستان و گسترش آموزش و بهداشتی، "دادن آزادی مبارزه به همه خلقهای ایران"، و... صحبت شده است.

جمهوری دموکراتیک کردستان "بعلت محتوای طبقاتی "حزب دموکرات" و وجود مالکان و تجار در رهبری آن و فقدان تشکیلات کمونیستی که بستواند مبارزه انقلابی خلق قهرمان کرد را بنیض ببرد، نتوانست دستاوردهای قیام خلق کرد را حفظ و تعمیق بخشد، وجود چنین رهبری موجب شد که "حزب" نتواند بر خسورد انقلابی به مسئله زمین که از مهمترین مسائل کردستان فتودالی بود پاسخ انقلابی بدهد و در برنامهای از "توافق" بین "دهقانان و مالکان" صحبت شده است، بی توجهی به نقش دهقانان و زحمتکشان در مبارزه روستایی بخش ملی و اختلاط طبقاتی حزب دموکرات نتوانست مقاومت و مبارزه خلق کرد را پیروزی مواجها زد و دلاوریهای قاضی محمد نیز نتوانست خلق کرد را در برابر یورش وحشیانه ارتش شاه به موفقیت نهائی برساند و در سالهای ۲۵ - ۲۶ جنبش ملی خلق کرد در اثر کشتار وحشیانه رژیم مزدور شاه زخمی با شیده شد. اما سنت های انقلابی "جمهوری کردستان" در دلای پیروز خلق کرد همچنان حفظ گردید و شعله خشم انقلابی خلق کرد هرگز خاموش نشد، امروز خلق قهرمان کرد با زنده داشتن سنت های انقلابی گذشته و با مرزبندی با اشتباهات آن دلاوران و کوه دلاان بردواران - های انقلاب میگوید، رشادگاهای خلق زحمتکش کرد و وجود سازمانهای انقلابی کمونیستی که بر دلای خلق کرد را هیا فتهاند، خلق کرد را در مقابل توصیهها و دسیسه های ارتجاع و نیبیز سازمانهای خیانتکارانه رهبران کنونی "حزب دموکرات کردستان" شکستنا پذیر کرده است.

خلق قهرمان کرد و پیشرنگه های دلاوران علی رغم سرکوب وحشیانه ارتش جمهوری اسلامی و پاسداران جهل و سرمایه، حماسه های بیروزمندانها را بی زحمتکشان را می آفرینند، امروزه جنبش انقلابی خلق کرد علاوه بر مقاومت خونین و قهرمانانه در برابر رژیم جمهوری اسلامی و قداره بنسندان مسلح، با هشاری انقلابی ضربات وارد از طرف رویزونیستهای خاشاک "توده ای" و "اکثریت" (قداشیان) را نیز دفع کرد، و توطئه های خیانتکارانه آنها را نیز با شکست روبرو ساخته اند.

خلق قهرمان کرد با مقاومت انقلابی و رزم دلاورانه خود از "جمهوری دموکراتیک کردستان" تجلیل مینماید.

یادش زنده باد!



گرامی باد یاد رفیق شهید "مختار"

رفیق پیشمرکه شهید از زمان جریگهای فدائی خلق (اقلیت) در ۱۸ آذر ماه در روستای بهرام آباد میوان در درگیری با سپاه مزدور زرکاری شهادت رسید.

رفیق مختار نیز چون دیگر شهیدان راه آزادی خلقهای ایران در قلب زحمتکشان مانده است.

مبارزه انقلابی دانش آموزان در شهرک ولی عصر

روزی که شنبه ۱۴ دی برابر با رهنمود شدن متنسی از پیکار زحمتکشان (نشریه رفقای هوا دارا زمان در شهرک ولیعصر) در دبیرستان توحید، دانش آموزان بدفتر مدرسه رفته و نسبت به این عمل اعتراض میکنند. مدیر مدرسه با توهین بیسره دانش آموزان، آنان را تهدید به اخراج مینماید و خبر اخراج ۴ تن از دانش آموزان انقلابی در مدرسه می پیچد، با سدا ران به حمایت از مسئولین مرتجع مدرسه در جلودر جمع میشوند و شامه ماه زندان برای تعدادی از دانش آموزان - و ترساندن آنها اعلام میشود، اما دانش آموزان انقلابی بدون توجه به این تهدیدات و حضور با سدا ران مزدور دست به افتخار میزنند یکی از دانش آموزان فریاد میزند: "اینها در راه آزادی اخراج میشوند، شما را ارتجاع اخراج میکند، افتخار بزم شما دانش آموزان انقلابی و...". سرود آوازها میخوانند که بیسره پای آزادی فضای مدرسه را پر میکنند و بدنبال شعارهای "مرگ بر آمریکا، مرگ بر ارتجاع"، "دانش آموز اخراجی حقایت میکنند"، "فعالیت سیاسی شعار انقلابی، تعطیلی مدارس شعار ارتجاعی"، "زندانی سیاسی به همت توده ها آزاد میسند گردد"، "اخراج دانش آموزان زحمتکشان است"، و فالانتهای انجمن اسلامی شعارهای "مرگ بر پیکاری"، "عزاست امروز، روز عزاست" امروز پیکاری بیچاره! ما حب عزاست امروز"، و "منافق، پیکاری، بیبوندتان مبارک را میدهند در روز شنبه ۱۶ دی بعد از ورزش مدیر شروع به صحبت کرده و به فحاشی به نیروهای انقلابی و بطور مشخص به پیکاری می پردازد. دانش آموزان نیز میخوانند که صحبت کنند اما مدیر مرتجع این اجازه را نمیدهد. دانش آموزان در مقابل این حرکت بداخل ساختمان رفته و حدود ۳۰۰ نفر از آنان جلوی دفتر مدرسه تحصن میکنند و شعارها میخوانند: "اخراج دانش آموز، توطئه ارتجاع، علیه زحمتکشان" و "اتحاد، مبارزه، پیروزی" را میدهند و سپس قطعاً مه خود را بدین شرح میخوانند:

- ۱- بازگشت اخراجیها
- ۲- ایجا دشوراها و واقعی از نماندگان دانش آموزان
- ۳- معرفی مسبین حمله به نماندگان و سرقت بوسترها و کتابها (نمایشگاه مذبور متعلق به انجمن اسلامی بوده و آنها ادعا کرده اند که پیکار را اینجا اینجا کرده اند).
- ۴- اخراج افراد غیر مسئول از مدرسه روز چهارشنبه همه تحصن دانش آموزان



میگذرد، در روز پنجشنبه با زهم با سدا ران جلوی مدرسه جمع شده و سعی میکنند درگیری بوجود آورند. دانش آموزان با هوشیاری از اینکار جلوگیری کرده و در مدرسه متفرق میشوند و به بحث می پردازند و دانش آموزان اخراجی را با خود به سرکلاس میبرند. اما وقتیکه مسئولین مدرسه خواستار اخراج دانش آموزان اخراجی از کلاسها میشوند، دانش آموزان مقاومت کرده و بنا شعار "یا همه یا هیچکس" بازار کلاسها بیسرون میبرند. در مورد دانش آموزان اخراجی از هوا دارا هدیه بر خود راست کرده و مطرح می کنند که اخراجیون برگ انقلابی بگیرند و بروند! و تحصن را بشکنیم. اما تحصن ادامه پیدا میکنند. در روز شنبه ۲۰ دی، از اولیا دانش آموزان خواسته میشود که برای رسیدگی به مسئله به مدرسه بیایند. در جمع اولیا مسئولین شروع به تبلیغات زهر آگین کرده و دانش آموزان را فاسد... میخوانند. اما عده ای از مسادران آگاه دانش آموزان به همراه خود دانش آموزان انقلابی دست به افتخار میزنند. مسئله دیگری که در این روز فاش میگردد، این بود که مدیر مدرسه خیال اخراج دوتن از معلمین مبارز را نیز در سر میبیرد و آنده که جرات اجرای آنرا پیدا نمی نماید. مقاومت دانش آموزان انقلابی در مقابل اخراج همچنان ادامه دارد و در جریان مبارزه عزمشان را سخ ترمیشود.

آگاهی نابودکننده ارتجاع است!

**حزب توده خائن و
روزیونیستهای اکثریت
بهمراه انجمن اسلامی
دانش آموزان مبارز را
شناسائی میکنند!**

درد دبیرستان ایران دخت اراک، حزب توده خائن و روزیونیستهای خائن اکثریت بهمراه

عوامل انجمن اسلامی دست در دست بکدیگر دسته های جاسوسی تشکیل داده و در مدرسه هرکس را که علیه حزب جمهوری اسلامی بحث کند و یا شعار نوشته و اعلامیه بخشد، بدفتر مدرسه معرفی میکنند. درسی خیانت این خائنین، دانش آموز مبارزی که جاسوسان گزارش داده بودند هوا دارا پیکار است و چند دانش آموز دیگر به جرم هوا دارا از مجاهدین بدفتر مدرسه حاضر میشوند.

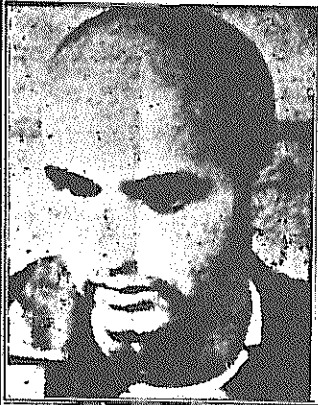
مدیر مدرسه رو به دانش آموز مبارز کرده و میگوید: "به ما اطلاع داده اند که تو کمونیست هستی! و بچه ها را علیه جمهوری اسلامی تحریک میکنی و بسیاری از دانش آموزان را جذب کرده ای، ما اعتراض داریم! این که چرا اینجا را انجام میدهی؟" دانش آموز مبارز در پاسخ میگوید: "اول شما بگوئید که چه کسانی این حرفها را به شما اطلاع داده اند و چه مدرکی دارید؟ هدفشان چیست؟" مدیر مدرسه میگوید: "ما خودمان ندیده ایم و میداند در ضمن نیروهای انقلابی! انجمن اسلامی حزب توده خائن و روزیونیستهای اکثریت!)" به ما خبر داده اند، "قاضی زاده رئیس آموزش و پرورش هم که در آنجا بیسوده در تکمیل حرف مدیر مدرسه میگوید: "هما نظور که اما شما ن گفته هدف ما با کسای ادا رات از افراد خدا انقلابی است. شما خدا انقلابی و بیه آمریکا کمک میکنید و با بد شما را از مدرسه اخراج کرد." دانش آموز مبارز در پاسخ میگوید: "این شما و همبالیکی هایتان هستید که به نفع آمریکا کار میکنید، نه ما! شما دست به تفتیش عقاید میزنید، و جلوی فعالیت سیاسی انقلابیون را میگیرید، شما کمیته چی ها را برای دستگیری دانش آموزان انقلابی و خدا میریالیست به مدرسه میفرستید، شما میخوانید و جوق خقان را به مدرسه حاکم کنید و تازه به ما اتهام خدا انقلابی میزنید، ولی بداند ما رزاه انقلابی با پیمان نمیگردیم. ما حتی از گلوله نیز باکی نداریم، نه شکنجه و نه زندان و نه فحش و کتک شما نمیتواند در مبارزه انقلابی ما تا شیری داشته باشد."

در همین موقع یکی از جاسوسان "اکثریت" که در دفتر بود رو به رئیس آموزش و پرورش کرده و میگوید: "من به شما گفتم که اینها جقدر شما را نویسی میکنند و بچه ها را علیه روحانیت مبارز تحریک میکنند." بعد از این توضیح جاسوس اکثریتی، رئیس آموزش و پرورش حکم اخراج دانش آموزان انقلابی را امضاء میکنند و دانش آموزان را از مدرسه اخراج کرده و هدیه به همین سادگی حکم اخراج ما را بدید و منافع دانش آموزان انقلابی را قربانی منافع خودتان بکنید" بدنبال برخورد های انقلابی دانش آموزان دیگر و مقاومت یکبارچه شان توطئه مسئولین نقش بر آب شده و حکم اخراج لغو میگردد.

پیروزی با مبارزات دانش آموزان انقلابی!

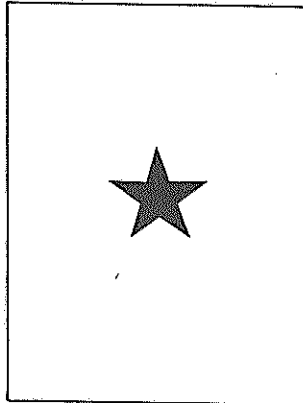
دانشجو، محصل، پیش بسوی پیوند با مردم زحمتکش!

گرامی باد یادرفقای شهید



محسن بطحائی

■ از اعضای علمی سازمان
■ پذیرفتن مارکسیسم-لنینیسم و پیوستن به بخش منشعب س.م.خ
■ ادا همه مبارزه انقلابی در شاخه نظامی سازمان
■ دستگیری و تحمل شکنجه‌های طاقت فرسای ساواک
■ تیرباران در ۲۳ بهمن ۵۴ به همراه دیگر همزمانان



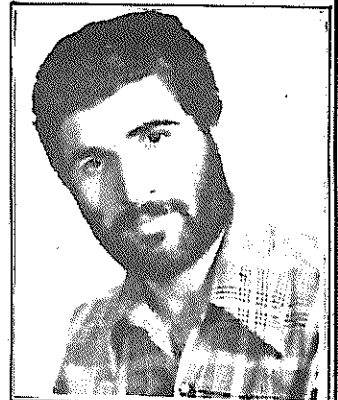
محمد طاهر رحیمی

■ فعالیت درس س.م.خ
■ با پذیرش مارکسیسم-لنینیسم به بخش منشعب سازمان مجاهدین خلق ایران پیوست
■ فعالیت انقلابی در شاخه نظامی سازمان
■ دستگیری در تابستان ۵۴ بر سر قواریک "سمیات"
■ تیرباران در ۳ بهمن ۵۴ پس از تحمل شکنجه‌های فراوان همراه با یاران همزمان



منیژه اشرف زاده کرمانی

■ اولین زن انقلابی ایرانی که به جوشه اعدام سپرده شد
■ در یک خانواده مرفه بدینیا آمد
■ در دوران دانشجویی در "مدرسه عالی بازرگانی" همیار پیوست
■ قرار دادن تمام مکاتبات و توان در خدمت مبارزه انقلابی و سازمان مجاهدین خلق ایران
■ پذیرش مارکسیسم-لنینیسم و پیوستن به بخش منشعب س.م.خ
■ دستگیری در تابستان ۵۴
■ بر تحمل شکنجه‌های وحشیانه مزدوران ساواک در ۳ بهمن ۱۳۵۴ بدست مزدوران امپریالیسم در ایران تیرباران شد



جواد چایچی عطری

■ فرزند انقلابی زحمتکشان
■ پیوستن به سازمان مجاهدین خلق ایران در سال ۵۲
■ پذیرش مارکسیسم-لنینیسم در جریان تغییر و تحول درونی سازمان
■ ادا همه مبارزه انقلابی در بخش منشعب "س.م.خ" و فعالیت خستگی ناپذیر در بخش ارتباطات سازمان
■ دستگیری در اول بهمن ۵۶ پس از گذشتن از مرز ترکیه، بدست مزدوران رژیم شاه
■ حفظ کلیه اطلاعات تشکیلاتی در زیر شکنجه‌های وحشیانه ساواک
■ شهادت زیر شکنجه

یادشان گرامی

و رزمشان یاداریاد!

دانش آموزان با شعار "اتحاد، مبارزه، پیروزی" صفوف خود را فشرده تر کرده و مجدداً شعار میدهند: "زحمتکشان ایران، سر میکشند فریاد، دیگر بس است گران، دیگر بس است بیکاری"، "کمکهای ارسالی برای آوارگان نپرداخت باید گردد"، "مسکن آوارگان تامین باید گردد"، پس به خواندن قطعه‌ای مشغول میشوند که با ردیگر چماقداران رژیم به صفوف آنها حمله میزنند در این حمله یکی از دانش آموزان دستگیر میگردد که بعداً او آزاد میکنند.

پس از راهپیمایی دانش آموزان، عده‌ای حدود ۲۰ نفر با سدا و روجا قدار در همان مسیر بر راه افتاد و شعار میدهند "مرگ بر بیکاری" و پس از لجن پراکنی و فحاشی نسبت به نیروهای انقلابی و کمونیست و بیوزنه سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر، که با ابراز انزجار مردم روبرو میشوند محل را ترک میکنند و به این ترتیب راهپیمایی دانش آموزان با حمایت زحمتکشان مسجد سلیمان با موفقیت به پایان میرسد. به نقل از "خبرنامه جنگ" ۱۳ کمیته خوزستان

گردد" و به حمایت از معلمین انقلابی که اخراج شده‌اند، شعارهای زیر داده میشد: "دانش آموز انقلابی، معلم انقلابی، پیوندتان محکم بساد" "معلم خراجی انقلابی، بر سر کار سابق ابقا با یگردد".

در مسیر راهپیمایی عده‌ای از زحمتکشان جنگزده مستقر در مسجد سلیمان به صف دانش آموزان پیوستند، راهپیمایان با خود پلاکاردهای حمل میکردند که بر روی آنها نوشته شده بود: "جنگ غیر عادلانه ایران و عراق جنگی است بر علیه خلقهای دو کشور"، "جنگ برای زحمتکشان دو کشور فقر و بدبختی همراه میاورد"، "رژیمی که خلقهای خود را سرکوب میکنند نمیتوانند در جنگی به نفع زحمتکشان خسود. شرکت کنند"، "گشتا و سرکوب دانش آموزان و معلمان انقلابی را در شهرهای تهران، آمل و مسنی محکوم میکنیم" و...

راهپیمایان پس از طی مسافتی مورد هجوم چندان از مزدوران رژیم قرار میگيرند که با چاقو و قمه به صفوف دانش آموزان حمله نمودند

راهپیمایی دانش آموزان انقلابی مسجد سلیمان

رژیم زورس مبارزات دانش آموزان علیرغم اینکه مسجد سلیمان جزو مناطق جنگزده محسوب نمیکرد، اما از هتلهای استمدادس این شهرکار خود را شروع کنند. بدینال اعتراضات چند هفته‌ای دانش آموزان انقلابی مسجد سلیمان نسبت به این مسئله و اجتماع آنان در روز چهارشنبه ۵۹/۱۰/۳ که با حمله گروهی از جماعت بدستان رژیم مواج گردید، در روز چهارشنبه ۵۹/۱۰/۱۰ حدود ۳۰۰ نفر از دانش آموزان دختر و پسر این شهر دست به راهپیمایی زدند.

"دانش آموزان انقلابی در طول راهپیمایی شعار میدادند: دانش آموزان مبارز، ارتجاع، امپریالیسم میلرزد"، "بازگشایی مدارس حق مسلم ما است"، "فرهنگ استعماری نابود بسد

زنده و جاوید باد یاد شهیدان خلق

۵۷ سال از خاموشی آموزگار کبیر و رهبر پرولتاریای جهان گذشت

لنینیسم: یگانه پرچم رهائی بخش طبقه کارگر



"وراهت را می آموزیم
را رهائی کارگران
ستمگشان
و تمام انسانها را
آزادگی ات را می آموزیم
آزادگی ات را
ای انسان آینده
که در گوری از آزادیها خفته ای
آزادگی ات را
که متقی انت برای
انسان آزاده فرداها
تا بیا موزد ترا
و در آغوش تو لودی نویابد
آن آینده ای که هر انسانی
خود ولادیمیری است"
"سرتوگ"

دراول بهمن ۱۹۲۴
خبری دردناک است
شوری و سین سراجیان
را در نورید، آموزگار
زحمتگان جم سراجیان
فرویت، داغی که مرگ
زودش بر دل کارگران
جهان نهاد، وصف نماندی
است، میلیونها تن از
کارگران به خیانتها

سخنات و مختصات عمرا میریا لیسوا انقلابات
پرولتری به نکارش در می آورد، از این دوران
را عصر کندیدکی و اضطلال سرما به داری نامید،
تا نومندیهای سفاقت آرا با عصر پیشین
(سرما به داری کلاسیک) نشان داد و آنگاه بیان
کرد که در بین امیریا لیسو و سوسیا لیسو دیگر
هیچ دوران دیگری نمی تواند وجود داشته باشد
و به عبار دیگر، عمرا میریا لیسو و انقلابات
پرولتری بیگدیگر چون خورده است، در زمین
جز سوم، ما رکسیسم یعنی سوسیا لیسو علمی،
لیسی، دستاوردهای عظیمی را برای زحمتگان
جهان بیادگار گذاشته است و در کمارکسیستی
ار دول را غنا بخشید و بخصوص اندیشه
دیگنا نوری پرولتاریا را به مناسبتها
الطوب سادت پرولتاریا و نا بودی سرما به
فرموله کرد، او انقلاب تهر را میرا به مناسبت
با لوده و اسای ما رکسیسم در زمین بر خورد به
دولتیهای ارجحی به اثبات رساند، لنین
کسیر، مکان ساسمان سوسیا لیسو در کسور
و سیرا مکان احیای سرما به داری در کتوهای
سرما لیسو را بیان نمود و اولر و سلطه
پرولتاریا بر انقلاب دمکراتیک را معنی
یگانه شرط بیرونی قطعی انقلاب دموکراتیک
عنوان نمود و در زمینه مبارزات خلقی تحت
سم جهان، راههای را همایش را در زمین
مبارزات ملی و سیمبرانی بیان نمود، در
زمینه حزب پرولتاریا، آلمان ما رکسیسم را غنا
بخشد، در فرمول اولر و مناسبتها در حزب طبقه
کارگر، یگانها را در همایش برای بیرونی طبقه
کارگر و تحقیق کمونیسم است، لنین اندیشه ای
لیسم در ساسمی عرصه های نبرد طبقه ای از خود
بیادگار گذاشت او ما رکسیسم را بطور همه جانبه
- ای در عمرا میریا لیسو و انقلابات پرولتری
بسط داده، بیس از بیس حکیم بخشید، بسدو
لیسیم، این مکمل و فزونی بخش ما رکسیسم،
هر کسیمی توان طبقه کارگر را از سوسیا لیسو
رهائی بخشید.

لنینیسم در مبارزه قاطع علیه اپورتونیسم

قوام گرفته است

"لنینیسم در مبارزه با همه دشمنان داخلی
حسین کارگری رسد یافت، حکیم پذیرفت
و آندیده شد؟ ولا و بطور عمده در مبارزه
مدا بیرونیسم که در سال ۱۹۱۴ تا لمره به
پرسنال سوسیا لیسو بدل کردید و با لخط
غلبه پرولتاریا به بیورز و آری سوسیت، این
چوبان با قطع دشمن عمده لیسویم در
داخل چنین کارگری بود، این دشمن در
میان بین الملتی هم، همچنان دشمن
عمده ای می مانده است، لنینیسم نسبت به
این دشمن بین الملتی درجه معطوف میداشت
و میدارد، "تا کیدار ما است"

لنین و با طبع نه بیان داشت ما زره علیه
امیریا لیسو بسدو مبارزه با فرزند خرابه ادش

جرا جدا هم از کمونیست در سراجیان هنگام
سرما را ن فریاد سرسند، رسد ما دانقلاب، رسد
با دل سوسیا لیسو؟ حواس را ن راهی را حتی بسد
حاضر ملاحظه ما را در سراسری آرکسورهای
جهان بسکند، و چرا عظیم سوسیا لیسو انقلابات جهان
پرولتری برای ما بودی سرما به داری و رهائی
زحمتگان ما نام او کتره خورده است!

لنینیسم، ما رکسیسم منحصر امپریالیسم

و انقلابات پرولتری است

لنین در درجه اول یکی از بزرگان کسیر
پرولتاریای جهان است و او اندیشه را رسد
طبقه کارگر را در همه عرصه ها بسکامل بخشید،
است در زمینه فلسفه و آسجدرا که ما رکسیس و
انگلس در رسد ما سوسیا لیسو را لکنیک فرموله
کردید بودید، غنا بخشید، ا سیرجسه و "ما سوسیا
لیسم و امپریالیسم" رهبری کارگری سوسیا
ایده ای لیمی که کوسس بود وجود را با جبهه های
"علمی" بسا را رسد، رسد است، در زمینه اقتصاد،
لنین کتا با رسد "امیریا لیسو به مناسبت
با لاسرین مرحله سرما به داری" را جهت بسوسیا

ریختند و با پرچم های سرج، جماسی
گریان در حالیکه سوکند می خوردند، ما گردان جان
برکف لنینیسم با شد، با رهبرها و دانکارگران
و داغ کردند، اما لنین و لنینیسم هرگز نرسد
است، لنین و لنینیسم در نبرد بی امان طبقه ای
زحمتگان جهان برای ما بودی امیریا لیسو و
ارتجاع و بنای استوار سوسیا لیسو، جا و دانسد
شده است، در ساسمی عرصه های مبارزه طبقه ای،
قیامها و انقلابات بزرگ تاریخ او را میسوسیا
که راه سوسیا لیسو نشان میدهد آری:

"لنین زنده شر انسانی نیست
لنینیستی که خود قدرت ما بود و
دانش ما"

و سلاح بی تردید سیردما"

("لنین" سرما یا کوفسکی)

اما چرا؟ راز جان و دانگی لنین و عسی بسی
با بیان زحمتگان جهان به او در چیست؟ چرا حتی
تا مش لره براندا ما سرما به داری جهانی می -
افکند؟ چرا آنقدر عظیم است که دشمنان سوسیا
رویزبونیستهای خائن سیر برای فریب زدن به
انقلاب و به لنینیسم، خود را شاگردا و مینا مند؟

روبرویونیمگان نا بدراسد، اوسان داشت که روبرویونیم "دشمن طبعانی کارگران" و نفوذ بورژوازی در صفوف پرولتاریاست، اوقافا لغاتنه گفت که بورژوازی ارجاعی، این دشمن خونگی ما رگسیم که سوا نشنونی توانندا کسار و سرکوب بر ما رگسیم جیره سودا لیا ما رگسیم ظاهر میسودنا بدستکونه اردرون به آن ضربه برتندیردلتین با برتنش و برتنشایونیم و سا کا نویسی و کا نویسیم، با منویکها و دارو - دسته؛ رنجاعی و خاشن اشترنا سونال دوم (ار ۱۹۱۴ بعد)، که خود را ما رگسیم می نامیدند، در حالیکه دشمن ما رگسیم و طیفه کارکوبوند، بروری درختان و عظیمی برای طیفه کارکسر جهان است به کارگران جهان آموخت که چگونه روبرویونینها را بسنند، آنها را رسوا سازند و به آنها بعنوان حوژی ارا عمل امیریا لیمو و بر ما بهداری جهانی کینه بورژوا و ضربانسی کاری برابورونیم راست و جب، بر روبرویونیم و آنا رشم بر آرد، لنین هم چنین ضربانسی بررک بر ما نترسم، بر ما ناططنی و آنتنی - حوژی با روبرویونیم و آرد، اوسان داد که مبارزه علیه روبرویونیم، نمی تواند بدون مبارزه علیه نترسیم که میگوید ما شغ اردر هم کوبیدند روبرویونیم کردد نسب، اوبرنسی رادرسالهای (۱۱-۱۹۰۸) که میگویند ما ناع از رسوانی ابورونیم منویکها کردد و درجهت وحدت منویکها، بلشویکها تلاتن میورزیست شدیدا مورد حمله قرار داد، اوسا نترستی را که در اشترنا سونال دوم میگویند کمونیستها را با چرک (روبیونیم) وحدت بخشد رسوا ساخت لنین هرگز به روبرویونینها و نیز هیسج گرابین روبرویونینی رحم نکرد، هیچکس نمی تواندا دعا کند، لنینیست تا به آخر است، مگر آنکه فاطما نه با روبرویونیم و همه جلوه های ابورونیم مزبندی نما بدوان دشمنان پرولتاریا را افشا سازد.

لنین: انسان کمونیست

لنین، این تئورسین کبیر و آوزکار کارگران جهان و این سازمانده و رهبر انقلابات پرولتری، نمونه کاملی از یک انسان کمونیست بود بیروان راستین راه لنین نه تنها با یستی آموزشهای درختان رادرمینسکه پیشبرد مبارزه طبقاتی بیاموزند و بکار برند، بلکه با یستی کمونیست بودن را نیز از اوسا میوزند، لنین عاشق رحمتگان بود و این عشق بی پایان رادرمبارزه اش با دشمنان رنگارنگ طبقه کارگرتان میداد، اوبه انقلاب عشق میورزید، اوبه تشکیلات کمونیستی عشق میورزید و از نخلال طلبان را که میخواستند بسن سلاح کبیر پرولتاریا را سی انتر سازند، بسن حلات ندیدی می گرفت، اما برای ایدئولوژی همواره بر تشکیلات مقدم بود و هرگاه که تشکیلاتی را برخلاف منافع پرولتاریا میدید،

من مناره فاطما نه آن، را انصاع بهم رویکردن بود عشق اوبه سکیلات، برای این بود که میداست بدون یک حزب آهنین و سنا انطباط پرولتری بروری دلفه کارکومحسالت است، اما آنگاه که میدید حتی ارجح را دخلا میسما بدوسا، رسا رده ایدئولوژیک خود را صحیح نمی کند، در طرف آن لحظه ای در یک نمی - بُرد، اوبه سوده ها ایمان داشت پس از نکست انقلاب ۱۹۰۵ و سنا حم رنجاع استولینینی، در زمانیکه بسیاری از اخلال طلبان حپ و راست که به ما س میخواستند و با جا زده بودند، لنین سرزلر روبرویونینی و بی اساعی آنان را نسبت به سوده ها و انقلاب زیر شاقی گرفت، او در پس گرا و سهای استولینینی (امطلاحی که در مورد جوده های دار کمونیستها بکار میرفت) و در پس رکود رجموسی و اختناق کاکم سرجا معسه، تا کزیری انقلاب و خروش نه چندان دور طبقه

- **لنین انتقاد و انتقاد از خود را بعنوان یک پرنسیپ اساسی و ضروری برای جنبش کمونیستی در آرد.** - لنین در مبارزه ایدئولوژیک قاطع بود.
- **تاریخ قرن بیستم نشان داد که استی پرافتخارترین انسانها لنینیست بودند.** - شوروی لنین و استالین، چین ماو، ویتنام هوشی مین، آلبانی گدشته و حال و مبارزات کمونیستها در سرت جهان آنچنان جلوه درخشان و پرافتخار را نشان میدهد، که هرگز خواهد گفت شاگرد لنین بودن، لنینیست بودن چه افتخاری بزرگی است.

ار منویکها سنیانی نمود، کا نویسی اجازه جاب به توضیحات لنین در مورد اشعات را نداد رورا لوزکا مورک بر علیه اوقافا لغاتنه و بیبل و کلارا زانکن ار منویکها دفاع کردند سدر کمرین کمونیستی آن زمان در مقابل او جبهه گرفتند، اما حق با لنین بود، ولی در مقابل رمانی کلتین در میسافت، امری استیبا ه اسپ بیدرتک آن اشفا دمیکرد، لنین انتقاد و انتقاد را خود را بعنوان یک پرنسیپ اساسی و ضروری برای جنبش کمونیستی در آرد، لنین در مبارزه ایدئولوژیک فاطع بودا و در مقابل دشمنان سرخت و آنتنی تا پذیر بود اما در مقابل رفقای بی، کارگران و کمونیستها، فروتن و مهربان بود، اوسورا نه و مهربان در ارتقا بلشویکها میگویند و رفقا نه اشرا فاطما نه را رفع میکرد، اوبه رفقای بین عشق میورزید، رفیق سیلیلیا در خاشتن تعریف میکند که لنین

- **لنین انتقاد و انتقاد از خود را بعنوان یک پرنسیپ اساسی و ضروری برای جنبش کمونیستی در آرد.** - لنین در مبارزه ایدئولوژیک قاطع بود.
- **تاریخ قرن بیستم نشان داد که استی پرافتخارترین انسانها لنینیست بودند.** - شوروی لنین و استالین، چین ماو، ویتنام هوشی مین، آلبانی گدشته و حال و مبارزات کمونیستها در سرت جهان آنچنان جلوه درخشان و پرافتخار را نشان میدهد، که هرگز خواهد گفت شاگرد لنین بودن، لنینیست بودن چه افتخاری بزرگی است.

کارگران نوید میداد و حزب را برای آن هنگام آبدیده و مستحکم میساخت اما اهرگز دنیا لهروی نوده ها نبود، آنگاه که توده ها اشیا میگردند، قاطعانه می ایستاد و در سرت را نشان میداد. در هنگام جنگ ارجاعی، امیریا لیستها در ۱۹۱۴ علیه نیم کشیده شدن اکثریت طبقه کارگر روسیه و اروپا بدنیا ل شوینیستها و دفاع طلبان، لنین حتی یک لحظه هم درنگ نکرد، که برخلاف جریان آب شنا کند و با طرمنافع تاریخی رحمتگان در مقابل توده ها، شعارهای کمونیستی را فرساید بزند، اوبه توده ها ایمان داشت و میداست که با لخره راه صحیح را خواهند پذیرفت لنین مطهر کامل یک کمونیست بود، که همواره به منافع تاریخی پرولتاریا می افزود، چه بسا که راه در ستن پذیرفته نشد و در اقلیت قرار میگرفت، اما لحظه ای از مبارزه برای اشیا تارا به صحیح دست نمی کشید، در ۱۹۱۴، اوشنها اقلیت کوچکی را در جنبش جهانی کمونیستی تشکیل میداد، روبرویونینهای خاشن، سرخس اعظم جنبش کارگری حکم فرما می میکردند و ارا نه تنها منفرد سخته بودند، بلکه موردنا جوانمردانه ترین آنها مات قرار داده بودند، اما لنین هرگز در درستی نظراتش و در مبارزه بیگبر علیه ابورونیم و روبرویونیم تردید نکرد، اودر هیکت تحریزیه با سگرا در یک اقلیت فاطحی یک به پنج قرار داشت اما تنها بودن او مانع از عدم مبارزه او نبود، هنگامیکه اوبه نبرد با منویکها بر داشت (۱۹۰۳) و ارا خودخواه و جاه طلب نامیدت اشترنا سونال کمونیستی ارا تقسح کرد و

چگونه برای رساندن او (که یک کمونیست معمولی بود و در حالیکه لنین رهبر حزب بود) به خاشته اش با عشق وقت تلف میکند در حالیکه خودش - توانست به خاشته برود اما لنین بخاطر احترام او را همراهی میکرد (تاریخ بیست سال کار مخفی در روسیه) لنین فعال بود و دستکارا شوری سراری داشت، اوبا تمام توان در خدمت پرولتاریا قرار داشت، گاه میبند که روزهای بیابانی، حداکثر ۴ ساعت میخواست بیدگهای اوقات، از سدت کار، بسما میشد حتی پس از سوده اوسعی کردد فوراً از بسما رستان خارج شود و بسه کار بریدارد، در حالیکه خاشتن هنوز خوب نشده بود، شرای کارگران بنور و گراد، در این هنگام نامه ای برای لنین نوشتند و در آن گفتند، حکومت شوروی، دیکتاتوری پرولتاریاست و ما بسا مدیکتاتوری پرولتاریا به رهبر و آموزکار خود دستور میدهم بخاطر حفظ سلامتت که برای طبقه کارگرتان بسیار حائز اهمیت است بکما در مرمضی و استراحت بردا خته و بسه حوجه مجاربه شروع کار نیست.

هیچ افتخاری بالاتر از لنینیست بودن نیست

راه لنین، یکا نه راهی است که به نا بسودی بر ما بهداری و تحقق جاسعه بی طبقه می انجامد لنینیسم بر جم پرافتخا ر طبقه کارگراست، از زمان بیدایش ما رگسیم و بخصوص پس از اشبات حفا نیت ما رگسیم در انقلاب کبیرا کتیر، که بقیه در صفحه ۱۳

توضیحی بر بیانیه رفقای پیکار خلق!

در کنفرانس‌های رفقا پیش بریم.

این مبارزه ایدئولوژیک، در کنار مبارزه ایدئولوژیک درونی گروه منجر به نتایج دست - آوردهای مثبتی شد که در بیانیه خود رفقا نیز منعکس شده است.

علیرغم اینکه ما موفق به حل اختلافات فی-ما بین مشخصی شدیم ولی در برخی مسائل جزئی اختلافاتی باقی ماند، اما اختلافات با قسسی مانده دیگر نمیتوانست مانع وحدت باشد و در رابطه با مقتضیات و منافعی همگانه و آتی بی که وحدت جنبش کمونیستی را ضروری مینماید نمیتوانست مسئله‌ای بشمار آید. این اختلافات از طریق مبارزه ایدئولوژیک درونی نیز قابل بر خورد بودند.

اختلافات ما با رفقا در سه نکته خلاصه میشود

نکته اول: رفقا در عین حال که مطرح میکنند، خرد بورژوازی مرفه در شرایط فعلی در صف ضد انقلاب قرار دارد، اعتقادشان بر اینست که در آینده مکان با زگشت این فشرده‌صاف انقلاب، علیرغم تمام تزلزلات و ناپایداریها پیش وجود دارد. متقابلاً نظریاتمان هم‌انطور که در قلمنماهای کنگره دوم مطرح گردیده، بر اینست که این قشر از قیامها بی‌طرف، بطور استراتژیک در صف ضد انقلاب قرار دارد.

نکته دوم: در مورد مسئله مورد مناقشه "سکتاریسم" یا "انحلال طلبی"، اختلافاتی در مورد ارزیابی از چگونگی این پدیده‌ها در باقی مانده که استنباط ما انعکاس بقایای دیدگاه اگونیستی و انحلال طلبانه در خود رفقا میباید شد. ما بدقیلاً برای بسیاری این مسئله که ما چرا بی‌روزی مبارزه علیه دیدگاههای اشتلاقی و انحلال طلبی یا فشاری و تاکیدی مینمودیم، سؤال انگیز بوده لیکن اکنون حداقل تجربه جنبش کمونیستی این امر را ثابت نمود که با فشاری ما بی‌روزی این مسئله مشخصاً از یک حقانیت ایدئولوژیک بی‌خوردار بوده است. ما همچنان در شرایطی کسبه جنبش کمونیستی ما دوره‌های ریزی حزب طبقه کارگر را بنا مینهد، در دوره‌ای که فقط یا کیزگی ایدئولوژیک جنبش کمونیستی و قوا میبخشدن به مبنای ایدئولوژیک برای ایجاد حزب طبقه کارگر، از اهمیت عظیمی برخوردار است، برای این مسئله تا کیددا شده و عمیقاً معتقدیم که جریاناتی که بر این یا فشاری ما مانع مکتا ریسیم میگذاشتند، دچار اگونیسم، انحلال طلبی و دیدگاههای اشتلاقی بوده و هستند.

متأسفانه گرایش راست و اشتلاقی در جنبش

ما در شماره قبل اطلاعیه وحدت گروه انقلابیون مارکسیست - لنینیست (پیکار خلق) با سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر را درج نمودیم. در ادامه مطلب قبل در اینجا توضیحی بر بیانیه رفقای پیکار خلق و نیز "بیانیه گروه انقلابیون مارکسیست لنینیست" (پیکار خلق) را منتشر می‌نمایم:

از آنجا که وحدت رفقای پیکار خلق روند نسبتاً طولانی و پیچیده‌ای را طی نمود که آنرا از بسیاری دیگر از وحدت‌هایی که تا کنون از سر - گذرانده ایم، متمایز مینماید، لازم است در اینجا اشاراتی به نکات برجسته این وحدت بنماییم تا بعداً در جمع‌بندی کل وحدت‌هایی که تا کنون از سر گذرانده ایم، این تجربه را نیز بصورت همه جانبه‌تری مورد بررسی قرار دهیم. در طی پروسه وحدت از یکطرف ما موظف بودیم که برای حفظ پتانسیل ایدئولوژیک سازمان از گرایش‌های راست روانه‌ها تا کید بردستاردهای کنگره دوم و پرهیز از هرگونه برخورد اشتلاقی بر مواضع خود تا کید نموده و نتایج مثبتی حاصل آید از آن زمان افرادی مصلحت‌جویی‌های مقطعی و ملاحظه‌کاری‌ها را کنار گذاشتیم و اصول اعتقادی - مانعاً نه‌فشاری کنیم و از طرف دیگر علیرغم اینکه ما در برخورد با رفقای پیکار خلق در بسیاری از مسائل پایه‌ای وحدت داشتیم ولی اختلاف نظراتی نیز بین ما و رفقا وجود داشت که اتفاقاً به مسایل مورد تاکید ما برمی‌گشت توضیح اینکه طبیعتاً در دوران فعلی جنبش کمونیستی که دوران گذار از فعالیت‌های گروهی به فعالیتهای حزبی، دوران پایه‌ریزی و بنا نهادن تشکیلات حزب کمونیست واقعی است، هرگونه دید و نظر اشتلاقی نمیتواند به استحکام و آبدیگی بیرونی حزب آینده‌واستواری ایدئولوژیک آن لطمه بزند، و از این نظر شاید اهمیت ویژه‌ای است دلیل اصلی طولانی شدن امر وحدت را نیز در نکته فوق باید جستجو نمود.

یکی از مهمترین مسایل مورد اختلاف تحلیل از پراکتیک گذشته رفقای پیکار خلق چه در خارج چه در داخل و تحلیل از بحران درونی گروه بود از آنجا که به استنباط ما ریشه این بحران اساساً به یک گرایش راست و اگونیستی در رفقای پیکار خلق مربوط میشود، از آنجا که این اختلاف مشخصاً به یک مقوله ایدئولوژیک که ویژگی‌اش در کم‌بها دادن و کم‌رنگ کردن عناصر ایدئولوژیک در تحلیل قضاای سیاسی و زمانی بود، بر - میگشت این انحراف که عملکردهای مشخص و معینی در مسایل گروهی داشته است، ما را موظف مینمود که از بسادگی نگذشته و یک مبارزه ایدئولوژیک رقیقانه‌ای را، با خواست طرفین چه از طریق کتبی و چه مذاکرات حضوری و چه شرکت

کمونیستی بویژه در گذشته چنان قوی بود که در حالی که خود ما هم‌اندازه‌ای به این انحراف در غلطیدیم و در یک مقطع با قبول کنفرانس وحدت به حرکت اشتلاقی تن دادیم و با "دانش - جویان مبارز" تا دوره‌ای دما ز بودیم، وقتی خواستیم با این انحراف مقابله جوییم و مبارزه کنیم، بسیاری از گروه‌ها ما را سکتا ریسیم گذاشتند!، و این البته با توجه به وجود دیدگاه‌های راست و انحلال طلبانه در جنبش کمونیستی امری طبیعی بود.

به این ترتیب به استنباط ما طلاق سکتا ریسیم، در عین اینکه بیان انحراف اگونیستی، راست و انحلال طلبانه یک جریان موجود در جنبش کمونیستی را نشان میداد، درک نام درست و راستی را نیز از مقوله سکتا ریسیم را شمه می‌داد. این جریان هیچگاه به مضمون ایدئو - لوژیک این سکتا ریسیم که آیا ناشی از گرایش راست یا "چپ" است نزدیک نمیشد و در حالیکه ما دچار انحرافات راستروانه‌ها و جمله‌های این زمینه‌ها را گرایش انحلال طلبی بودیم، این جریان "سکتا ریسیم" را که گرایش چپ روانه‌ها است به ما نسبت میداد.

از آنجا که سکتا ریسیم خود عارضه نمودی است که عمدتاً از انحرافات ایدئولوژیک "چپ" نظیر شروتسکیسم، آنارشیسم، آنارکو سندیکیالیسم نشأت میگیرد، ظاهراً ما "چپ" بوده ایم، ولی واقعیت امر این بود که حتی خود ما هم علیرغم مرزبندی با دیدگاههای اشتلاقی و راست و مبارزه علیه آن دچار همین انحراف راست بودیم و در نظرات و برخوردهایمان رگه‌های انحراف با لا موجود بود، انحراف ما آنجا بود که قاطع‌ترویی - گیرترو و هم‌گانه‌تر با انحرافی که به ایدئولوژی کم‌بها میداد برخورد نمودیم، انحراف ما در اینجا نه از مقوله سکتا ریسیم بلکه از مقوله انحلال طلبانه بصورت گرایش ضعیف بود، در حالیکه به اعتبار وجود یک گرایش راست قوی در جنبش کمونیستی، این انحراف راست ما یک انحراف "چپ" بصورت سکتا ریسیم قلمداد میگردید!

با این توضیح روشن میشود که چرا ما تا آن اندازه بر این مسئله تا کید داشته‌و در سکتا ریسیم معتقدیم برای یالایش ایدئولوژیک جنبش کمونیستی و قوا گرفتن با بهای ایدئولوژیک سیاسی حزب یا بدتر آن پای فشرده‌های عقب - نشینی و سازش‌درا این مورد روا نداشت.

نکته سوم: مسئله بحران گروه یکی دیگر از مسایل مورد اختلاف ما بود. ما در تحلیل بحران درونی گروه‌ها دو نظریه موجود در گروه مرزبندی داشتیم اول: نظریه‌ای که در یک مقطع، شما مبحران گروه را معلول انحراف فاحش کم‌بها می‌پنداشت و نقش وضعیت عینی و پوسته‌تنگ گروهی را، در ایجاد بحران در گروه نمیدید و بر این اساس مبارزه

پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی

ایدئولوژیکی واحد از جسم انداز حرکت نکا ملیسی و درست حرکت مستقل گروهی به بیس مبردا بین نظر طبیعتا از آنجا که نظارت بر عمل همه جا نیسه مسایل گروه نداشت، در نهایت به انحلال طلبی وین بست می رسید. بعضی از حامیان این نظر بعدا با نظرفوق مرز بندی نمودند.

نظریه دوم: تزسیا یا رسیدن دوران فعالیت گروهی را مطرح مینمود و این عامل را سبب بحران گروه بشمار می آورد، این نظریه تریسه نظرا نظریه ای اکونومیستی و توجه گرایانه بود و نقش انحراف را کم بر گروه را در ایجاد بحران در نظر نمی گرفت. ما در عین حال که

اگر چه که بهر حال این دو کرایش انحرافی درون گروه بر مواضع و عمل ما تا شمر نهاده و مهوروشان خود را بر آن میگویند، اما گروه ما نوانست علیه رژیم ممبروی تا حیرت در بسیاری موارد نقش منبسی ایفا نماید "بیکار خلیسی" ارگان گروه نوانست چه در رابطه با انحرافات درون جنبش و چه در رابطه با تدوین و توضیح مواضع گروه و مسائل جنبش نقش منبسی ایفا نماید و در مجموع به ارتسلیغ و ترویج مارکسیسم لنینیسم در عرصه مبارزه طبقاتی سیاسی باری رسانند.

اکونومیسم در رابطه با دندنا لدروی، خرده کاری و کمبها دادن به مبارزه ایدئولوژیک درونسی یکی از مهذترین غرضهای ما تا لمدرون گروه بود که خودناتی از دوعامل میباشند: الف -

کرایشات ایدئولوژیک غیر پرولتری (حسی در برخی موارد غیر انقلابی) موجود در گروه که اساسا ناشی از مناسبات طبقاتی افراد تشکیل دهنده میباشند که البته در پراستیک گروه هم میقل نمیخورند. ب - پوسته تنگ فعالیت گروهی که ما را عملا از جنبش توده ها برکنار نگه میداشت و در مقابل وظایف گسترده ای که جنبش بطور واقعی مطرح میساخت، عملا دچار خرده کاری و بی برنامگی میشدیم بی برنامگی درون گروه در زمینه جلب و سازماندهی کارگران و کم اهمیت دادن به مبارزه ایدئولوژیک درونی در طی مدتی از حیات گروه در داخل کشور (بیمورت عدم نظارت بر چگونگی بیسرفت مسائل مورد بحث درون گروهی و قناتت به ارسال این با آن نوشته و نظر)، موضع اشتلافی به مسئله دا نشجویان بسیار زود ترهسته های مختلط کمونیستی از هواداران و اعضاء نیروهای مختلف کمونیستی در درون کارخانه ها، از دیگر جلوه های انحراف اکونومیستی در درون گروه میباشند که بصورت مانعی جدی در جهت تحقق وظایف گروهی در قبال جنبش کارگری و توده ای در جتوان لازمه گروه در آمدند.

یکی از بارزترین جلوه های اکونومیسم در گروه ما، دیدگاهی بود که کماکان براداشته فعالیت مستقل گروهی با فشاری می نمود و حتی با کین آوردن این فعالیت تا سطح محفل و تا حد تعطیل فعالیتها یا خراجی گروه و جمله ارگان و غیره مطالبه مینمود و به ناه مختلف با برنامگی میبستی بر متمرکز کردن تمام فعالیتها جهت تحقق وحدت مخالفت مینمود. ایس نظرگاه اگر چه هیچگاه نتوانست بر گروه ما کم کرد، اما توانست پیرو صحت را تا اندازه ای بتعمیق بیندازد.

بدینصورت از یکسوا انحرافات ایدئولوژیک بر عمل و فعالیت ما سبب افکنده بود و از سوی دیگر اشکالات وضعیهای ناشی از چپا رجوب تنگ فعالیت گروهی که عدم کفایت خود را در مقابل وظایف گسترش جنبش پیش ازین نشان میداد، بطور همه جانبه ای ما را دچار خرده کاری و دنباله روی مینمود.

وضعیت کل جنبش کمونیستی را مینمایند به وضعیت عینی و بعنوان یک عامل عمده در مسایل بحران گروه دیدخل مینمایند، مسجما بر انحرافات ایدئولوژیک که کم بر گروه ما کیداد شده و برای آن نقش تشدید کننده بحران قائل بودیم و معتقد بودیم که این دوعامل در نهایت منقایل خویش توضیح دهنده عوارض و بحران گروه بوده است در پایان تا کمدر این نکته را در اینجا لازم میدانیم که به ترم رسیدن این وحدت با آنکه به آن پایه های اساسی وحدت بوده است که در طی براسیک مجموعا انطباق خویش را نشان داده و نزدیک شدن دیدگاهها نیز به آنجا آن بوده است. سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر ۵۹/۱۰/۱۶



هنوز چند ما می از فعالیت گروه نگذشته بود که اختلاف نظر بیرونی مسئله شوروی ارتجاعی سه جهان به مسئله اساسی درون گروه تبدیل گردید. این مبارزه درونی چندین ماه طول انجامید و در این مدت دو نظرگاه و دو بینش انقلابی و ضد انقلابی در برابر یکدیگر ایستاده بودند اگر چه نخست بصورت اختلاف نظر در برخی مواضع متظاهر میگرددند، اما بزودی بصورت دو نظریه در آمده دو نظریه ای که نمی توانستند در کنار هم همزیستی نمایند و حیات گروه در گرویک تصفیه سیاسی بود. تمام رهبری گروه با اتفاق اکثریت نگننده اعضاء و هواداران گروه نتوانستند با موضعی قاطع و مجموع به طرفداری از نظریه ارتجاعی برداشته و با تصفیه و خراج چند عنصر انکشت شمار با کیرکی ایدئولوژیک گروه در این زمینه را حفظ نمایند (یکی از مهمترین و منبست ترین عمل گروه که دا منته تا شرت آن فقط بخود گروه محدود نمیشد همین مبارزه و تصفیه سیاسی بود) با انتقال گروه داخل کشور دوره جدیدی از فعالیت گروه آغاز میگردد، دوره ای که بر اساس قرار گرفتن در متن مبارزات طبقاتی میتوانستیم به زدودن برخی از انحرافات و استیها تا ایدئولوژیک سیاسی درون گروه تا نائل آسیم، اما گروه در مجموع و بیوژه رهبری آن نتوانست با مصلح نمودن خود به منی و بینش پرولتری انحرافات عقیدتی و نظری خود را به انتقاد کشیده و بطور اساسی اصلاح نماید. یورتونیمم راست این بار در قالب دو انحراف لیبرالیسم و اکونومیسم بر پای گروه را فرا گرفته بود.

حیات مشکل گروه ما از اوائل ۱۳۵۶ بر زمینه مبارزات دانشجویی خارج از کشور آغاز گردید. گروه ما از همان بدو پیدایش با دو ضعف اساسی روبرو بود: الف - عناصر تشکیل دهنده آن روشنفکرانی بودند که مارکسیسم لنینیسم را پذیرفته و ولی برانستیک آنها به عرصه جنبش دانشجویی محدود میگردد. بر این اساس بود که سخنان بنیادی گروه آغشته با یکسری کرایشات ایدئولوژیک سیاسی غیر پرولتری شکل گرفت.

ب - از آنجا که گروه همان بدون شکل گیری در جهت قرار گرفتن در متن یک پارتیک انقلابی یعنی کار سازماندهی در میان طبقات زحمتکش بطور عموم و طبقه کارگر بطور خاص حرکت نمی کرد، لذا ضعفها و انحرافات ایدئولوژیک حاصل از نکته اول با لایش منی یافت و بر زمینه مبارزات دمکراتیک دانشجویی محیط زیست مسا عدی میافت.

در ارتباط با دوعامل فوق گروه ما از همان بدو پیدایش در زیر سیطره یکسری ضعفها و انحرافات ایدئولوژیک قرار گرفت که بصورت انحرافات عمیق راست روانه هم در برابر تنگ گروه و هم در استنباطات شورویک و منی سیاسی گروه خود را به بارزترین نحوی نشان میداد. انعکاس این ایورتونیمم راست در عمل عبارت بود از استنکاف از انتقال سریع گروه به ایران و رفتن در میان طبقه کارگر که اساسی ترین وظیفه کمونیستها و تشکیل میدهند و غرق شدن در مبارزات دانشجویی خارج از کشور و انعکاس آن در عرصه منی و سیاست عبارت بود از تبلیغ الگو - و ارتشوری نیمه فئودال - نیمه مستعمره؛ تحلیل نادرست از ترکیب طبقاتی رژیم و ساخت جامعه و در این ارتباط مناسبات بین طبقات (مسئله بورژوازی لیبرال)

گروه از همان اوان تشکیل برضسرسورت مبارزه ایدئولوژیک بعنوان حلقه مرکزی برای رسیدن به وحدت جنبش کمونیستی تکیه نموده و بمبارزه با انحرافات موجود در جنبش خا رجه و از جمله شوروی اشتلاف که "تحدیه کمونیستهای ایران" مبلغ و حامی اصلی آن بود، پرداخت

بقیه از صفحه ۱۵ **لنینیسم...**

سازماندهی و رهبری آن را لنین کبیر برعهده داشت، هیچ ایدئولوژی در جهان تا بلیست مفاصله با آن را ندارد. انقلاب کبیرا کتسر، صحت اندیشه دورا نشان، مارکس و لنین را بیان نشان داد. از آن پس هر چند که میریا لنینیسم حملاتش را به لنینیسم فزاینده داد. اما هرگز نتوانست، لنینیسم را بی اعتبار سازد. اکنون رویزیونیستهای خروسخفی، سوسیال امپریالیسم روس - بورژوا رویزیونیستهای افسار نوری، اروتکونیستها و دارودسته های ارتجاعی چون حزب توده و فدائیان (اکثریت) که در اکثر کشورهای جهان به مسیاشی علیه مارکسیسم - بردارند، همراه رویزیونیستهای مرتد سه جانی که دولت فدا خلقی چین و دارودسته های ارتجاعی چون رنجبران که در کشورهای دیگر نیز هستند بزرگترین حملات را برای بی اعتبار ساختن لنینیسم آغاز کرده اند. آنها تحت پوشش مارکسیسم از عشقی که توده های آگاه جهان به لنینیسم دارند، میخوابانند و در فدا خلقی که در لنینیسم استفاده کنند همچنان که خود لنین نیز این امر را در زمان زندگی در بر خور رویزیونیستها به مارکس شاهده بود، میگویند: "در مورد آمویش مارکس اکنون همان رخ میده که در تاریخ راها در مورد آمویش می تفکر کین انقلابی و پیشوایان طبقات ستمش بهنگام مبارزه آنها در راه آزادی رخ داده است. طبقات ستمگر، انقلابیون بزرگ را در زمان حیاتشان همواره در معرض بیکردن قرار میدادند و آموزش آنها را با خنثی سیعانه، کینه ای بس دیوانه و روسیلی از اکاذیب و افتراات تا کما ملامتخانه، استقبال مینمودند پس از مرگ آنها، کوششهای بعمل می آمد تا بنشانی بی زبانی از آنان بسازند و آنها را به اصطلاح تقدیس کنند، شهرت معینی برای نام

آنها، بمنظور "سلسی" طبقات ستمش و تحمیل آنان فاضل شوند و در عین حال این آمویش انقلابی را از بیخون نهی سازند. برنده کسی آرا را فاضل نماید خود آرا را مستدل کنند. در مورد یک چنین "عمل آوردن" مارکسیسم، اکنون بورژوازی و رویزیونیستهای داخل جنبش کارگری یا یکدیگر همداستانند. جنبه انقلابی این آمویش و روح انقلابی آنرا فراموش میکنند و محسوس تحریف می نمایند، به آن چیزی که برای بورژوازی بذبارا بوده و یا بذبارا بنظر میرسد، اهمیت درجه اول میدهند و آنرا تجلیل میکنند" (دولت و انقلاب)

آری رویزیونیستهای خائن خروسخفی و سه جانی لنینیسم، لنینیسم کبیر را با لنینیسم چین میکنند، اما لنینیسم کبیر تا بذباراست. تاریخ نشان داد که است هیچ راهی صحیح را لنینیسم نیست تا رخ نشان داده است بر افشا رترین انانها لنینیسم بوده اند. شوروی لنین و اسلین چین ما شو، و بینام هوشی مین، آلبانی گذشته و حال و مبارزات کمونیستها در سرا سر جهان آنچنان جلوه در رخسان و بر افشاری را نشان میدهد که هر کسی خواه گفت تا کرد لنین بودن لنینیست بودن جدا افتخار ریزگی است هر جا که نبرد علیه مارکسیسم و ارتجاع است هر جا که هدف در کشور کردن سرما بداری است فریاد دهنده بسازد لنینیسم بگانه بر جها نشی بخش طبقه کارگر بگوش میرسد، بزرگداشت لنین، این انانسی از تبار جا معینه آینده فردای کمونیست با سوگند هر کمونیستی همراه است که رفیق لنین، سی - کوسیم ساگرد و فادرا راه سرخ و خونین طبقه کارگریسیم، همان راهی که نولین بزرگ به زحمکش نشان داده ای، افشا بر لنین فرزند کبیر ما رکن وانگلس! افشا بر لنینیسم! افشا بر برتخا می لنینیسمهای تاریخ!

بودند برخی از رفقا نیکه سا با غا در به درک تا غیر متقابل این عوامل نبوده و می - بندها نتند که گویا با فلان یا بهمان برنا مریزی جزئی و یا فلان و بهمان تغییرات تشکیلانی، قادر به رفع این انحراف و زوددن تمامی یا اقلا اکثریت نتکننده این کمبودها خواهیم بود. گروه در مجموع بدین نتیجه رسید که چنین پنداری بیپوده است و چیزی جز خرابی لبردا زبهنشانی روشنگران نیست. زیرا آن در داساسی که ما را رنج میدهد و مانع تحقق وظایفمان میباشند، پوسته تنگ گروهی است، پوسته ای که در رفتارها و وظایفی که در پیش پای خودنها دهر قرار دارد، ما با برنا مریزی در جهت وضع درونی گسروه زدودن این با آن کمبود و کوشش در جهت خلاصی از انحراف اکتونومیستی بعنوان انحراف غالب در گروه، هیچگاه در نخواهیم کرد دید به چنان برنا مهای دست یا بیم که بتوا نیم وظایف خود را در قبال جنبش طبقه کارگر تحقق بخشیم زیرا پوسته تنگ گروهی مانع تحقق این وظایفمان میباشند، ما بدین نتیجه مشخص رسیدیم که با بدبا شما توان در جهت زدودن انحرافات و کمبودهای درون گروهی کونا با شمولیکن ضروری است بین دونوع انحراف تفاوت بگذاریم، انحرافیکه خاص گروه ما است، یعنی از اجزاء تشکیل دهنده آن بر میخیزد و وظیفه در زدودنش داریم و وضعیها و کمبودها نشی که ناشی از تضاد عینی بین وظایف گسترده جنبش و پوسته تنگ فعلی است گروهی که دیگر مختص گروه ما نیست بلکه بیان به پایمان رسیدن یک دوره از حیات تگاملی جنبش کمونیستی میهنمان میباشند و برای ما برداری در راه بر طرف ساختن این انحراف نیز میباشند با بست مبارزه ایدئولوژیک را برای تحقق امر وحدت تشدید نموده و پوسته تنگ گروهی خود را دریده و وحدت کنیم. پس وحدت بعنوان عاجلترین وظیفه نه تنها در سطح تئوریک بلکه بعنوان عملی بلا - واسطه در برابر ما قرار میگیرد و میبایستی به آن پاسخ فوری و درخور میدادیم.

جنبش کمونیستی میهن ما کماکان در برابر کندیگی تشکیلاتی که ناشی از تشتت ایدئولوژیک سیاسی میباشند سر میبرد.

جنبش کمونیستی میهن ما اساسا با هنوز دارای بافت روشنگری بوده و هنوز نتوانسته بیونند فشرده ای با مبارزات توده های زحمتکش برقرار سازد. جنبش کمونیستی میهن ما اساسا هنوز نتوانسته تئوری انقلاب ایران که حاصل بیونند حقیقت عام مارکسیسم - لنینیسم با شرایط خاص ایران میباشند را تدوین کند.

جنبش کمونیستی میهن ما با بدبایستی ضعیفها فاش آمده و جزئی بلشویکی برپا یسه کار آئی تئوریک، آیدیدکی در برابر نیک و بیونند فشرده های توده های وسیع مردم موجود آورد، حزبی که هم پیشقراول مبارزات سوسیالیستی پرولتاریا بوده و هم نیروی رهبری کننده در مبارزات دمکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای ایران

با شد. در غیر این صورت راه برای هرگونه خطر تهدید آید میزدی که جنبش اعتلا یا بنسند ه میهنمان را بیکراه گسارنده و آنرا به سازش و شکست دوباره متجر سازد، با ریماند، نبود سناد رهبری کننده پرولتاریا، گسارنده شدن جنبش بر نفوذ رویزیونیستها و همچنین خطر فریب طبقه کارگر، زحمتکشان و نیروهای انقلابی غیر - پرولتاریایی و سوسیال نازیستها را در روزها هتشدید موج ناراضی میباشیم جنگ تا ما دلانگونی اگر چه توانست در ابتدا موج اعتراضات توده ها و شور انقلابی مردم را منحرف نموده و برخی از نیروهای نا پیگیر جنبش را بسوی مواضع انحرافی سوق دهد، اما ادامه جنگ و لطعات مصیبت بار ناشی از آن که پیش از هم بر کرده زحمتکشان سنگینی میکند، کم کم این توهمر را از زمین برده و میبرد. عوام فریبیهای بورژوازی حاکم تحت لوای "دفاع از میهن" دیگر رنگ باخته و نمیتوانند تا تندر روزهای اول شروع جنگ توده مردم را تحمیل کنند، اعتراضات و موج انقلابی، روبه رخنه و اعتلا میبندند، تضاد

های درون جناحهای حاکم نه تنها فروکش نکرده بلکه در زمان جنگ با زهدت یافته است، مسئله کروکاتی و آزادی آنها در جهت تشدید و بستگی به امپریالیسم نیز برده ظاهر "فدا میرالیست" بودن رژیم مرتجع را با این کشیده و توهم نمود مردم را نسبت به این مسئله تیرکارها نشان داد است در مجموع فاکتورهای زیادی دلالت بر اوج گیری جنبش روبه رشد توده ها که موقتا تا حدودی فروکنی کرده بود، میکنند، اما از سوی دیگر ما شاهد اوضاع نا مطلوب نیروهای کمونیستی میهن که با ایجاد حزب کمونیست با یستی گمان رهبری کننده انقلاب آتی را در دست داشته باشند، میانیم واضح است که نیروهای کمونیستی با این وضعیت کنونی نه تنها با سخگوی رهبری و هدایت انقلاب آتی نخواهند بود، بلکه حتی کار آئی هدایت و رهبری یک اعتصاب سراسری را نداشتند و با طر همین بر اکندهی قادر به پاسخگوی نیازهای کنونی جنبش توده ها نمیباشند - اکنون تیرکارها در جوار خرد کاری، هر روز در نیرو... میباشند.

ادامه دارد

تظاهرات پرشکوه ۲۳ دیماه : مشت محکمی بردهان ارتجاع و نوکرانش

برپایی تظاهرات جلوه‌گیری نمایند. لیکن علی‌رغم کلیه اقدامات ضد انقلابی و تحریکات مرتجعانه، دهها هزار نفر از هواداران نیروهای کمونیست و انقلابی و مردم مبارزان در تظاهرات سرخپایان انقلاب به حمایت از بازرگانی‌ها و دانشکاه جمع شدند. این تجمع مشت محکم دیگری بود بردهان رژیم مرتجع جمهوری اسلامی و نوکران پاسداران و ریزوئیستش.

در این هنگامها توجه به تمرکز نیروهای دشمن، راهکار گردید که کمیته‌ها هنگی اعلام داشت که باید لغو و هیپماشی را اعلام نمود، اما رفقای ما و دیگر نیروهای کمیته‌ها هنگی، این موضع تسلیم طلبانه را رد کرده و بر ضرورت برگزاری تظاهرات موضعی با فشاری نمودند. آنان در مقابل عقب نشینی و حرکت عمیقاً راستروانسه راهکار گریستادگی کرده و سپس با خروج راهکار گریز کمیته‌ها هنگی بر مقام و مت‌در برانبر ارتجاع و افشای آن از طریق تظاهرات موضعی تاکید کردند. بدینال این تصمیم‌گیری راه - پیماشی در دو نقطه صورت گرفت

شروع تظاهرات، حمایت مردم و وحشیگری پاسداران

هواداران سازمان ما و رزمندگان در ساعت ۴ و ۵ دقیقه در خیابان جمهوری - کارگرو رفقای اقلیت از جلوی پارک دانشجو تظاهرات را شروع نمودند، لیکن بدلیل جو موجود و عدم اعلام علنی تغییر مکان تظاهرات، تنها بخشی از تظاهرات کنندگان (در حدود ۵۰۰ نفر) تظاهرات را محل برگزاری خیرات رشوند، و بدین ترتیب بخش وسیعی از مردم مبارزان تهران و هواداران نیروهای کمونیست که به محل آمده بودند تا بمقوف تظاهرات پیوسته و چهره ارتجاع را افشا کنند نتوانستند به مقوف تظاهرات بپیوندند. بهرحال علی‌رغم کلیه تشبیهات رژیم مزدوران جیره‌خوار و نوکران ریزوئیستش و علی‌رغم برخورد گاملاً غیر مسئولانه و تظاهرات شکننا نه راهکار گریزها گرفتار مقوا و با بطور شفا هی راهپیمایی را لغو شده اعلام می نمودند، راهپیمایی موضعی اصلی در خیابان جمهوری صورت گرفت راهپیمایان با در دست گرفتن پلاکاردها، بیانی برخواست بازرگانی دانشکاه و با شعارهایی مانند "زندانی سیاسی، به همت توده‌ها آزاد باید گسترده"، "دانشکاه این سنگرا انقلاب، به همت توده‌ها گشوده باید گردد"، "اتحاد، میسارزه، بیسروزنی تعطیلی دانشکاه و توطئه ارتجاع، بنفع امپریالیسم علیه زحمتکشان"، "سرکوب درودانشکاه، کشتار در کردستان، بنفع امپریالیسم، علیه زحمتکشان" و با مشت‌های گره کرده به تظاهرات پرداختند. بلافاصله ساعت ۴ بعد از ظهر حمله و با ششان کشیف جمهوری اسلامی به صف تظاهرات کنندگان



در برابر این تعرض انقلابی بود که همه جناح‌های ارتجاع، ارگانیهای وابسته به آن و ریزوئیستهای رنگارنگ نوکر صفت به لجن - پراکنی وسیعی علیه کمونیستها و ریزوئیستها زمان ما دست زدند. آنان کوشیدند تا با تبلیغات موزورانه مانند: "دعوت گروه‌های مسلح مارکسیست برای اشغال دانشکاه"، "این تظاهرات بنفع آمریکا است" و غیره، اهداف کمونیستها را وارونه جلوه داده، و خواست بازرگانی دانشکاه - خواست تمامی توده‌های آگاه کشور است را لوث نمایند. لیکن علی‌رغم کلیه لجن پراکنیها و خط - و نیاشها، توده‌های وسیعی از مردم تهران به ندای کمونیستها پاسخ مثبت داده و در جلوسوی دانشکاه گرد آمدند.

رژیم جمهوری اسلامی که بشدت به سراسر افتاده بود، از موضع استقبال کوشید تا با بسیج نیروهای پاسدار، بسیج و فالانتر که همگی مسلح به زنجیر، چاقو، پنجه‌یو کس و چماق بودند به مقابله با تظاهرات بپردازد. زود در این ارتباط حزب توده‌خائن، فدائیان اکثریت خائن، سه - جبهه‌نیهای خائن و اتحادیه ریزوئیستها در حمایت از دولت سرما به داران به تبلیغات وسیعی علیه سازمان ما و سایر نیروهای کمونیست دست زده و به همکاری فعال با پاسداران مزدور پرداختند. نیروهای پاسدار و فالانتر، که تعداد آنها به حدود ۲۰۰۰ نفر میرسد، محوطه جلوسوی دانشکاه را به اشغال خود درآوردند و با رژه رفتن شما خواندن و شعارهای ضد انقلابی کوشیدند از

بین ۹ ماه است که رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی درهای دانشکاه این سنگرا زادی وابسته است. رژیم، با بستن دانشکاه در پی آن بود تا یکی از سنگرهای مبارزات انقلابی را در هم کوبیده و کمونیستها و انقلابیون را از این سنگر انقلاب محروم نماید. اما ارتجاع کوراست، و هرگز نمی‌تواند به همدکه مبارزه طبقاتی خاموش شدنی نیست. امروز، سراسر جامعه ما را اعتراضات و مبارزات مردم فرا گرفته و دانشجویان کمونیست در پیوند نزدیک با توده‌های متحدیده همچنان به مبارزات قهرمانانه خود ادامه میدهند.

لجن پراکنی ارتجاع و ریزوئیستها علیه راهپیمایی کمونیستها

سازمان ما معتقد است در شرایطی که ارتجاع مذبح‌خانه میکوشد تا معرکه در سکون نگاهدارد، وظیفه کمونیستهاست تا بیش از هر زمان دیگر در منته‌جانب توده‌های رابط داده و بپیوندند دانشجویان کمونیست و انقلابی را با زحمتکشان مستحکم‌تر نمایند. در همین ارتباط از جنبه‌ی پیش سازمان ما اقدام به تاختنک انقلابی تظاهرات موضعی نمود. هواداران سازمان ما هماهنگ با سیاست سایر نیروهای کمونیست برای گشودن سنگر دانشکاه و افشای چهره ارتجاع و فساد انقلاب فرهنگی او، در چهارشنبه ۱۷/۱۰/۵۹، تظاهرات با تکیه‌های راهبردی با نهی افسراف دانشکاه برپا نمودند. این تظاهرات که با قریاد "اتحاد، مبارزه، بیسروزنی"، "علیه حزب جمهوری، علیه لیبرال‌سها، زندیده بسا دیبیکار توده‌ها" و "آغاز زبیر دیده بود، چکمه‌پوشان مزدور رژیم جمهوری اسلامی را به لوزه درآورد، در چارچوب همین سیاست هواداران سازمان بنیای برگزاری یک تظاهرات مشترک با سایر نیروهای کمونیست رفتند. در این رابطه سازمان دانشجویان و دانش‌آموزان بیکار به همراه دانشجویان و دانش‌آموزان هسوادار رزمندگان، دانشجویان پیشگامان و دانشجویان هواداران راهکار گریز اقدام به برگزاری بزرگداشت روز ۲۳ دی، "روز بازرگانی دانشکاه" نمودند. میبایست با تظاهرات در این روزها شکوه به ارتجاع نشان داده میشد که کمونیستها در راه اهداف جنبش خلق و جنبش انقلابی دانشجویان، هرگز از مبارزه دست نخواهند کشید. میبایست به ارتجاع نشان داده میشد که کمونیستها وفا دار به آرمان انقلاب میباشند.

دانشجوی مبارز، به یاری توده‌ها، سنگر خود را بگشا!

شروع شد. چندین بار حمله آنان توسط نظامیان کنتراک دفع شد. در ساعت ۴ و ربع پاسداران کمیته منطقه ۹ در خیابان جمهوری متمرکز شده و عده زیادی از آنان در لباس شخصی شروع به حمله نمودند. در این هنگام پاسداران مردوربا ماشین های خود به صف نظامی حمله کرده و به پرتاب گاز اشک آور اقدام کردند. و در همان حال اوپا شان جمهوری اسلامی با باره آجر، زنجیر، چاقو، پنجه بوکس به رفقای انقلابی حمله کرده و عده زیادی از آنان را زخمی نمودند. در برابر این وحشیگریها مردم به حمایت از نظامیها حرکت کردند و برای خنثی کردن گاز اشک آور، گاز غمی آوردند آنها بدین ترتیب حمایت خود را از کمونیستها خواست بحق آنان و نفرت خود را نسبت به رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی و مزدورانش به نمایش می گذاشتند.

جنایت دد منشا پاسداران پوشیده نمیماند

پاسداران در ادا مداخلات دد منشا نه خود در تقاطع جمهوری - فلسطین به پرتاب گاز اشک آور و شلیک تیر هوایی پرداخته و در همین هنگام میک ماشین سپاه پاسداران در تعقیب نظامیها حرکت میکنند. این ماشین آنچنان سرعت داشت که از خیابان گذشته و به بیابان ده و کوشیده شده و در جلو با زار کاخ چند نفر را مورد ضربت خود قرار داده و حتی یکی از آنان را زیر میگیرد. این فرد جوان ۲۵ ساله ای بود که پای چپش در زیر چرخهای ماشین پاسداران له شده بود و از آن شدت خون میرفت. در همین موقع مردم ماشین را بعقب هل داده و او را از زیر چرخ ماشین بیرون کشیدند. بلافاصله افراد کمیته و پاسداران سر رسیده و اعلام کردند "در ماشین بمب است، کسی نزدیک نشود." آنها که میکوشیدند تا مردم را از این جنایت هولناک پاسداران با خبر نشوند، مردم را بعقب رانده و در همین هنگام راننده ماشین که از پاسداران بود، نادیده شده و پاسداران شروع به تخلیه ماشین نمودند. پاسداران مزدور برای پوشانیدن جنایت تروریستی خود عوامفریبانه داد میزدند که هیچ اتفاقی نیفتاده و ماشین شخصی میماند. آنها بلافاصله پلاک ماشین را کهنه و مملسی را که در داخل آن بود، خارج می کنند. اما مسئله روشن بود و این ماشین متعلق به مزدوران رژیم بود و مشخصات آن چنین بود: سورلت ایمپالای امریکائی، رنگ ریتونی، پلاک - ۲۸۶۷۲ تهران - پ. ۲۰ در

آری! رژیم خیانتکار جمهوری اسلامی برای خاموش کردن مدعی اعتراض دانشجویان انقلابی از هیچ جنایتی رویگردان نیست. پاسداران در همان موقع که ماشین را تخلیه میکردند اقدام به دستگیری افرادی مینمودند که پاسداران را مجرم میدانستند. پاسداران میگفتند اینها

"ما یعدما ز" و "عدا انقلاب" هستند و بلافاصله آنان را در ماشینهای خود می انداختند و در کمیته می بردند.

در طی این نظامیها، پاسداران مرجع ده ها تن از نظامیها را دستگیر کرده، ده ها تن از آنان را مجروح نموده و بخواب خود نظامیها را "سرکوب" نمودند. اما سرکاری این نظامیهاست محکمی بود بردها را رژیم حاکم و مزدوران کسین برکزاری این نظامیان داد که کمونیستها را از سلاحها و اسلحه ها و چاقو و زنجیرها و لانتراها، عملیات تروریستی کمیته چپ و از دستگیری و ضرب و شتم نمی فرساید کمونیستها با این نظامیها محکمی نیز بردها را با و کوبان و ریزش می نمودند و نشان دادند که همچنان و تا به آخر فدا ریسنه طبقه کارگر و انقلاب میماند.

به مناسبت این راهپیمایی، توسط کمیته ها هنکی قطعنامه ای صادر گشته بود که ما در زیر متن کامل آن را می آوریم. لازم به تذکر است که این قطعنامه قبل از خروج راهکارگر تهیه شده بود و پس از خروج از کمیته ها هنکی اسم "راه کارگر" از زیر قطعنامه حذف می گردد:

قطعنامه مراسم ۲۳ دی

هم میهنان انقلابی، دانشجویان و دانش آموزان، کارگران و زحمتکشان!

امروز که در آستانه دومین سالگرد مبارزاتی دانشکاهها هستیم، ما را ز تعطیل دانشکاهها توسط حکومت جمهوری اسلامی میگذرد و دانشکاهها عرصه تاخت و تاز ضد انقلاب قرار گرفته است. مبارزات انقلابی دانشجویان همراه با مبارزات توده های زحمتکش اوج بیشتری می یابد و یک بار دیگر نشان می دهد که سرکوب و کشتار اول اردیبهشت، تفسیر و اخراج ضد مردمی عناصر تروریستهای انقلابی از دانشکاهها و تهنه تعطیل کشتار این سنگرهای آزادی و آگاهی انقلابی، هیچکدام در به بند کشیدن جنبش انقلابی دانشجویان توفیقی نخواهند یافت.

اکنون یک بار دیگر جنبش دانشجویی در راه کسرتن بیوند با جنبش کارگران و زحمتکشان کام بر میدارد و نشان میدهد که حکومت جمهوری اسلامی در تحقق بخشیدن به انگیزه های اساسی خود از سرکوب دانشجویان تا کام مانده است. حکومت که از بیان آشکارا مخالفت خود با سرکوب دانشگاهها همواره وحشت داشته و دارد، نابودی فرهنگ استعماری و انجام انقلاب فرهنگی را بهانه ای برای سرکوب جنبش پرتوان دانشجویان قرار داده است اما کمیت که از خود نبرد با کسانیکه در طول دو سال حاکمیتشان سیستم منحط و ارتجاعی آموزش و پرورش آریا مبری را برین

نبرده، بلکه آنرا ترمیم و با رسانی کرده و به خدمت گرفته اند میخواستند دعای نابودی فرهنگ استعماری را داشته باشند؟

آیا کسانی که همان کتب پوسیده و کهنه را با اندک تغییراتی در مراکز آموزشی، به "آموزش" گذاشته اند میخواستند خواهان قطع فرهنگ استعماری در دانشکاهها باشند؟

نتیجه ۶ ماهه کار "ستاد انقلاب فرهنگی" و "جهاد زندگی" روشنی نشان میدهد که طرح های بی محتوا و سرهم بندی شده حاصل "بررسی و ارزیابی های مکتبی - علمی" قریبی بیش نیست. اما امروز خطری نیز مبارزه انقلابی برای بازگشتی دانشکاهها را تهدید میکند. آزادی خواهان دروغین، بنی صدر و لیبرالها با اتکاء به ورگسنگی سیاستهای حزب جمهوری اسلامی بر آنند که خود را بر جمدار مبارزه در راه مبارزاتی دانشکاهها قلمداد کنند، اینان که به تریبیست متخصص در خدمت به بازسازی نظام سرمایه داری وابسته می اندیشند بی شک خواهند کوشید تا مبارزه انقلابی دانشجویان را منور و وسی - اعتبار را زنده و خود نقش بر جمدار را ایفا کنند. رشد هر چه بیشتر مبارزه انقلابی و انشاء لیبرالها این است یا سخ ما به لیبرالها

بربستر آنچه گفته شد امروز در این راهپیمایی ما با صدای بلند اعلام میکنیم:

- ۱ - حکومت جمهوری اسلامی دانشکاهها را تعطیل کرده است تا از کسرتن بیوند جنبش دانشجویی با جنبش توده ای جلوگیری نماید. وظیفه انقلابی و دانشجویی است که در فضای این مبارزات جمهوری اسلامی نقش رزنده خویش را ایفا کند.
- ۲ - خواست برحق بازگشتی انقلابی دانشکاهها این خواست میلیونها توده زحمتکش است با تحقق یابد. آن چه تضمین عملی برای اجرای چنین خواستی است کسرتن هر چه بیشتر مبارزه انقلابی دانشجویان و انگه هر چه بیشتر آن به جنبش توده ها
- ۳ - ما قاطعانه تحلل "جهاد دانشکاه" را بین وسیله سرکوب و تفسیه استادان و دانشجویان منرفی و انقلابی را خواستاریم. بی ریزی نظام آموزشی نوین تهنه عهد این ارکان ارتجاعی بلکه بر عهده توده دانشجویان و استادان است.
- ۴ - زندانیان سیاسی که در میان آنان دانشجویان این فرزندان مبارز خلق حضور چشمگیری دارند در معرض شکنجه و ضرور و عدا م قرار دارند و اینهمه در حالی است که رژیم به سا دگی جا سومان فسد خلقی و آمریکا شی را آزاد میکند، ما با صدای بلند اعلام میکنیم تمام دانشجویان و دانشکاهیان مبارزی که در دفاع از دستاوردهای قیام به بند کشیده شده اند و تمامی زندانیان سیاسی انقلابی باید آزاد شوند.
- ۵ - تفسیر و اخراج عناصر انقلابی از دانشکاهها و مدارس و ادارات همچنان ادامه دارد. مقابله با این سیاست ضد انقلابی بر عهده دانشجویان انقلابی و توده های زحمتکش است.
- ۶ - در ضمن اعلام بیوند عمیق جنبش دانشجویی و جنبش

اخبار جنگ

از بکت کمکهای رژیم! به آوارگان،
کودکان جنگ زده در اهواز
مجبور به گدائی میشوند

اهواز ۵/۱۰/۵۹ عده‌ای از مردم در یکی از خیابانهای حصرآباد در حوزة حریجه ۴ ساله‌ای که کوبه میگرد جمع شده بودند و با صداهای متناثر صحبت میکردند. ابتدا تصور میکردم کودک والدين خود را گم کرده، یکی از زنان رحمتکس محل کوبه کسان جنین سیکت؛ "این طفلک با خانواده‌اش مثل سفید جنگ رده‌ها از خمپه‌ها اینجا آمده و در مدرسه کلاس ۳ حصرآباد منورل کرده اند. پدرش بهر مشرب میگردند اما نه خانه‌شان را به اهواز رسیا وردولتی برانرا ما بست خمپاره گشته میشود. خانواده آنها گدایان آوارخانه را درست میدهند به دلیل فقرند و نداشتن بیوتاک و غذا ناچار گدائی میشوند و ما در کودک ناچار این طفل را به خیابان فرستاده‌ها گدائی کنند و مردم متغول جمع آوری کمک برای آنها هستند."

این صحنه غمناک و صحنه‌های زیبا در نظیر آن سندی کوبائی است برافشای ماهیت خد مردمی رژیم جمهوری اسلامی و سلیفات عوا مفریانه - این در رابطه با کمک به آوارگان .

کودکان آوارها از بکت بیتیم نوازیهای رژیم حاکمی مستغنی" برای سیر کردن شکم خود و خانواده‌شان مجبورند بیت تکدی بسوی مردم دراز کنند و رژیم و قیقا نه‌با نشان دادن صحنه‌های بیتیم نوازی های رجائی نخست وزیر مرتجع خود صحنه‌های شیوع آوارها زبده‌های "فرج خاثن را تکرا مینماید.

به نقل از "فریاد آوارگان ۱۰"
(کمیته خوزستان)

صیادان زحمتکش بیاری آوارگان جنگ شتافتند

در اثر جنگ نا عادلانه‌ای که رژیم فاشیستی بعث عراق و رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی بخاطر اهداف ضد مردمی و ارتجاعی بر علیه توده‌های زحمتکش ایران و عراق بسراه انداخته‌اند، هزاران نفر از مردم زحمتکش آواره شده‌اند. مدتی است که حدود ۵۰۰۰ نفر از هم وطنان زحمتکش آوارها به انزلی آواره شده‌اند در شرایط بدی بسر می‌برند. صیادان زحمتکش انزلی مبلغ ۲۵ هزار تومان جمع آوری نموده و با خریداری ۲۵۰۰ عدد چراغ و غیره بسیاری آوارگان شتافتند و این در حالی است که

موظف مساندا رفوس بسیط بدینطی ماسی که سرک محور جیب خوج ارا هوار، در احیا رنداوند اکدا خودداری نماید.

فرماندهی در زمان لشکر در اهواز
آری اسگ دستک سلفا ب شهادت در راه پیش
و دفاع از رژیم جمهوری اسلامی، با افساد ن
سحاب ارجیره بلسردمداران رژیم، اسیری
سدا ردوسریاران نیمه‌سده اندک آنها و سرباران
تراضی سبنا سنا طر سربا به داران دو کشور ایران و
عراقی گشته‌سده و یکدیگر را می‌کشد و بهین جهت
حاضر نیستند در این جنگ ارتجاعی شرکت کنند.
حاصله‌سده از "خبرنا جنگ" ۱۳
(کمیته خوزستان)

منقضیان ۵۶ به کردستان نمیروند

تعداد ۸۰۰ نفر از منقضی خدمت‌های سال ۵۶ که در تاریخ ۲۹/۹/۵۹ سراسر یک دوره با نرسده روز برای بخش آما ده بودند از رفتن به واحدهائی که سرکوب مبارزات خلق کرد در ابعده‌ها رنسد ما نندلستگر ۶۴ ارومیه و لنگر سندانج و... سرباز میزندند فرماندهان مزدور برای جلوگیری از مقاومت جمعی آنان، آنان را بدسته‌های دوتا سه نفری تقسیم کرده و به پدکانه‌های مختلف میفرستند.

بدین ترتیب توده‌های ارتش بتدریج در خوا هندیانت که نه‌سده رژیم زآنها بسرای کشتار خلق کردا ستفا ده میکند، بلکه در یک جنگ ارتجاعی با دولت ارتجاعی عراق نیز زآنها بعنوان گوشت دم‌توب سرما به داران استفاده میکند.

مسکن، حق مسلم آوارگان

امسال اولین بار انهای سبب زمستانی در حالی باریدن گرفت که بخش اعظم کارگران و زحمتکسان خوزستانی، در آوارگی ناشی از جنگ بین دو رژیم ضد خلقی ایران و عراق بسر میبرند. زحمتکسان جنگ رده هموار یکی از مهم‌ترین مشکلاتشان نداشتن مسکن مناسب بوده‌است آنان با مدتها مجبور بودند حتی در شهرهای سردسیری همچون بروجرد در کنار باده‌روها بدون بالابوس و بربراندا زسب را به صبح رسانند و با چوب آلونک‌هایی برای خود بسازند و در بیا با نه‌های خوزستان و... جا در برینند و در تمام مدت رژیم‌سده‌سده در راه‌ها مین مسکن برای آوارگان بقیه در صفحه ۲۶

رمانداران رژیم، سولهای جمع شده بسرای آوارگان را بدیانت میرسد! بسبب مانی صا دای رحمتکس با ردیکرایین وانست زسارا انیاب منگندکند زحمتکسان حاسان و انیسی سوده‌های رحمتکس و در اینجا آوارگان جنگ رده میباشند. در دورنج نودده‌های رحمتکس را سبنا کارگران و دیگر زحمتکسان دژ که بکشدند چرا که زندگی روزمره آنان بهم‌گردد خورده‌است و هم - بسکی طبقاتی آنها رهسپار می‌شود.
ستغل از "داد" را سنا راب "حوزه انزلی"
تا کمی تغییر ۵۹/۱۰/۱۰

هدیه آوارگان جنگ زده یا غارت خانه‌های جنگ زدگان!

در تاریخ ۱۳/۱۰/۵۹ با سدا ری که امریر خمپه بر گشته بود به همراه خود تعداد زیادی بتوی خارجی، چند سیط صوت، دو عیدد نالی کران قیمت و تعدادی وسایل دیگر آورده بود و میگفت که این وسایل را جنگ زدگانی که شهر را ترک کرده‌اند به او داده‌اند! جنگ زدگانی که بر سر گرفتن یک بتوهر روز با مزه دوران سباه در کسیر می‌نوند و فلاکت و بدبختیهای جنگ را بسنا از همه منحل میگردند، بطور شوا نسته‌اند این وسایل را با خود آورده و تازه به بسا داران ارتجاع هدیه کنند! آیا این غیرا غارت خانه‌های رحمتکسان در جنوب میباشد؟ یا این غیرا غارت وسایل ارسالی برای جنگ زده‌ها میباشد که مردم میفرستند؟ رژیم مزدوران آن بکدام ز غارت مردم غافل نیستند، حتی غارت جنگزدگان

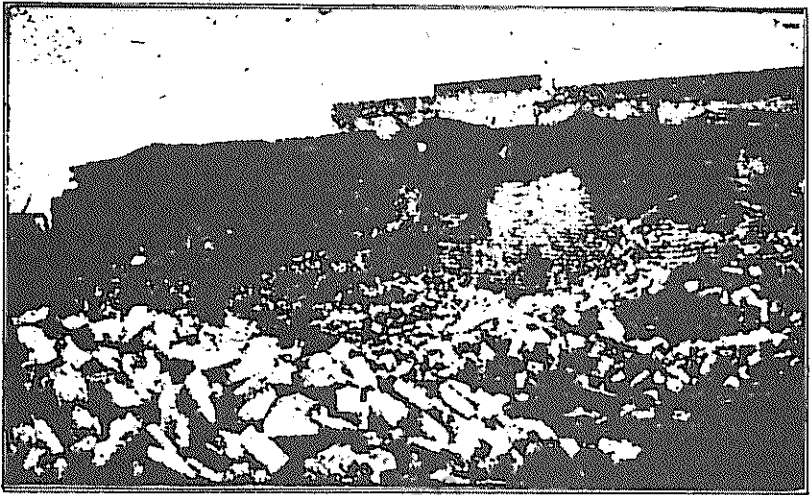
فرار سربازان از جبهه دهن کجی به عوا مفریهای رژیم

اهواز در روز سه‌شنبه ۵۹/۱۰/۲ در شرکت مسافربری لوان نورا علامه‌ای در بکت سبسه نظر مسافران وحی عا سران را جلب کرده‌بود. متن اعلامه چنین بود:
"از فرماندهی در زمان لشکر در اهواز سبسه شرکت مسافربری لوان نورا، موکدا اخطار می‌شود چون عده‌ای از درجه‌داران و سربازان ارحبیه شک خارج و دیگر با زسب میگردند، لذا آن شرکت

جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده‌های ایران و عراق

شهرک "امام خمینی" بدست دولت امام خمینی ویران شد!

گزارشی از تخریب آلودگی‌های زحمتکشان در تهران یازم
"اینجا را صد امام حسین بیچارگان نکردند، است شهرداری خراب کرده است"
سخن یک زحمتکش بنقل از کیهان ۲۳ دی



آلودگی‌های بیش از ۱۵۰ خانوار را ویران می -
سازد. پس از آنجا متخریب آلودگی‌ها، هالی محل
بدرج جمع شده و بظرف شهرداری حرکت میکنند
آنها در طول راه سا رسیده اند: "جمهوری اسلامی
کا خلاف میکند، دولت مستضعفان خانه خراب
میکند" در طول راه همسایه‌های رئیس با سداران
منطقه بالباس تخمی افراد فعال را سا نایبی
کرده و پس از رسیدن زحمتکشان بی مسکن به شهر
- داری، به سداران دستور دستگیری افراد
سا نایبی شده را میدهد، آنروز زحمتکشان بی -
مسکن در آنجا هجوم سداران متفرق میشوند،
بین آن ۲۰ نفر از آنها دستگیر میشوند که بفرار
۱۰- ۸ نفر، بقیه تا کنون در زندان بسر میبرند
دوشنبه ۵۹/۱۰/۲۲: در اینروز حدود ۱۰۰۰ نفر
از زحمتکشان بی مسکن به طرف هفت حوض نارمک
را هیما بی کرده و با شهردا و منطقه صحبت شونده
و میگویند که چرا چنین ظلمی را در حق آنها کرده
- اند؟ شهردا همچون دیگر جیره خواران رژیم
طبق کوال همیشه با وعده بویج و عوا مفریانه
آنها را دست بسر کرده و رسیدگی به تخریب خانه‌ها
را به ساعت ۹ صبح فردا موکول میکند.

سه شنبه ۵۹/۱۰/۲۳: در این روز زحمتکشان
خانه خراب شده از ساعت ۸ صبح در محل حاضر
شدند و زیاده از آلودگی نشانیهای خاک سفید
نیز با این تصور که امروز هالی شهرک خراب شده
"امام خمینی" قصداً هیما بی دارنده کنگ
آنها آمده بودند. مردم زحمتکش از این اقدامات،
قد مردمی رژیم بدت ابراز تنفر میکردند عده‌ای
میگفتند "با بشهرداری و بولدورها پیش را سا
کوکتل مولوتف آتش بزیم" عده‌ای دیگر: "اگر
مقدور با شدمی رویم کردستان و همرا کرده با
دولت می جنگیم" یکی از زحمتکشان میگفت:
"حدود ۲۰ ساله که کارگرم، اهل اردبیل، مستاجر
در یک زیرزمین نمناک... شما مدار و ندارم را
فروختم فرس، گوشواره و انگشترهای زخم، ضبط -
صوت و همرا تمام پس‌اندا زده شد ۴۰ هزار تومان،
آجروکل، فرغون، بیل و کلنگ خریدم بیه کارگرو
معما ریول دادم خودم بوجه ما سیر شدیم آب
بیا رو خاک بیا رو آجر بیا، خانه را تمام کرده
بودم فقط مانده بود در و پنجره که شهرداری همه
را خراب کرد حالا جواب زن و بچه ما را چطور بدیم؟"
دیگری میگفت: "ما دوبرا دریم من تازه از سر -
بازی آمده و در یک کارخانه کار میکنم وقتی از
سرای آمدن ما مردگرم با ۲ هزار تومان بول
تصمیم به ساخن آلودگی گرفتم و شروع به فرض و
- فوله کردم از دوست و آشنا، حدود ۱۵ هزار
تومان تا حالا خرج کرده ام لاقیل دلم خوش بود
که صاحب خانه شده ما و زنده ام همی آرم خانه و
بواس بواش قرض ما میدهم حالا چه کار با بدکنم؟
با این خرج کران بدهکاریم را چگونه بدیم،
فکر میکنم سال نتوانم زنده بیا رم

همانطور که خشم طبیعت میتوانند شهری را
ویران کنند و بول و وره‌های رژیم جمهوری اسلامی
نیز میتوانند شهری را با خاک یکسان کنند -
براستی که در نگاه اول به آلودگی‌های زحمتکشان
بی خانمان شده تهران یازم، آدم چنین فکری -
کرد که در این گوشه از تهران زلزله آمده است
از حدود دو ماه پیش عده‌ای از زحمتکشان بی خانه
منوجه زمینی در محدوده تهران یازم شده و پس از
تقسیم آن بین خود او ختمی دادن قطعاتی از آن
برای حمام، مدرسه، مسجد، مصالح ساختمانی
خریده و شروع به ساختن آلودگی‌های برای خود
میکند طی این مدت با سداران و ماموران
با رها این زحمتکشان را مورد آزار و اذیت قرار
داده و بصورتی مختلف آنها را تهدید میکنند
به این عنوان که در این مکان خانه درست نکنید
حرام است و خلاف شرع... اما در مقابل هربار
یورش با سداران، زحمتکشان بی مسکن بویژه
زنان آنها بدت مقاومت میکنند و مزدوران رژیم
پس از تیراندازی هوایی... به عقب نشینی
مجبور میشوند.

روزیکشنبه ۵۹/۱۰/۲۱
با سداران ساعت ۵ صبح فلکه چهارم تهران یازم
با دانسکا هکارا حاضر کرده و رفت و آمد بسیار
وسا و راه در دو طرف خیابان منبوع میکنند، سر
- هر کوجه نیز عده‌ای با سدار و سرباز مستقر شده
و از خروج مردم از خانه‌ها بیسان جلوگیری میکنند
از ساعت ۷/۵ صبح شروع به ویران کردن
آلودگی میکنند، آنروز رژیم جمهوری اسلامی

همانگونه تنها در تهران هزاران نفر از
زحمتکشان ما در آلودگی و بی‌گوله‌هایی که نمی-
توان اسم "محل زندگی" بر آنها گذاشت زندگی
میکند، رژیم جمهوری اسلامی که با بوق‌های
تبلیغاتی تیش در هر گوی ویران از "حمایت از
مستضعفین" دم میزند سنا به ما هیت مدخلقی
خود نه تنها در حل مسئله مسکن برای ای -
زحمتکشان گامی برنداشده، بلکه تلاش آنها را
برای یافتن سرینا هی برای خانواده‌های خود
بدت سرکوب کرده است، مسازات زحمتکشان
بی مسکن بر علیه رژیم‌های مدخلقی سا بیسه
طولانی دارد، بعنوان نمونه مسازات کسرتده
آنها در سال ۵۶ را میتوان نام برد که در تاریخ
مسازات کارگران و زحمتکشان ما جای مهمی
را اشغال میکند، مسازاتی که آغاز جنبش
توده‌های توده‌های قیام پر سگوه بیمن ۵۷ انجا مید (۱)
بی مسکنی از جمله عوارض نظام فلاکت سار
سرما به داری وابسته برای زحمتکشان ما است
نظامی که هم اکنون رژیم جمهوری اسلامی حافظ
و با سداران میباند، آنچه سخا و بندگرا رشی
است از ویران کردن آلودگی‌های زحمتکشان
تهران یازم و مسازات آنها بر علیه رژیم
جمهوری اسلامی، که توسط یکی از رفقای
ما تهیه شده است:

(۱) - رجوع شونده کما با مبارزات زحمتکشان
خارج از محدوده، سال ۱۳۵۶ "از انتشارات سازمان
پیکار در راه آزادی طبقه کارگر."

نهان، مسکن، آزادی



خلق ها و مسئله ملی

بقیه از صفحه ۴۰۰ تجزیه طلبی

خلق کرد است یا خواست و اراده حزب دمکرات و دارودسته های ارتجاعی وابسته رزککاری ، نقشبندی ، صنارامادی ها ؟ برای روشن شدن این مسئله اول باید ببینیم که این سیاست تجزیه طلبانه که رنگ و لعاب "خودمختاری" و "آزادی خلق کرد" بخود گرفته ، اولاً زیر پرچم ویا انکاء به منافع کدام طبقه بوده چه اهداف و خواسته هائی را دنبال میکند ؟ ثانیاً در روند خود چه زیانهای برای جنبش مقاومت خلق کرد و در مجموع جنبش خلقهای ایران بر علیه ارتجاع و امپریالیسم دربر خواهد داشت ؟

تجزیه طلبی : ناسیونالیسم بورژوازی بر علیه جنبش خلق کرد

ناسیونالیسم بورژوازی کردا را مسدود و سرنوشته جنبش مقاومت را از دیدگاه تا میسین منافع تنگ نظرانه و ضد انقلابی بورژوازیسی آریزایی میکند ، این سیاست بنا به ما هیئت بورژوازی خود در روند خود خواستهای برجستگی و عادلانه خلق کرد و کلیه دستاوردهای مبارزاتی آن را زیر پا گذاشته و جنبش خلق کرد را و جلوه المعامله سازش خود را رژیمهای ارتجاعی برای برآوردن خواسته های محدود و حقیر خود قرار میدهد ، اکنون جلوه بارز جنبش سیاسی ، در کلیه حرکات و عملکردهای حزب دمکرات عیان شده است ، سیاست تجزیه طلبی این حزب نتیجه ناکاربر سیاستهای ضد انقلابی و سازشکارانه او میباشد ، چه حزب دمکرات در طی دو سال جنبش مقاومت ، وقتی بر سر کسب امتیازات محدود از رژیم جمهوری اسلامی ، نتوانست بجا طرح دت و رشد مبارزه خلق کرد بیا زنی برسد ، اکنون برچشم تجزیه طلبی را علم کرده و جنبش مقاومت را ابزار سازش خود با رژیم ارتجاعی و ضد خلقی عراق قرار داده است ، شرکت حزب دمکرات در درگیریهای مسلحانه خلق کرد بر علیه رژیم چاکم نیز به این معنی نیست که او خواهان رفع ستم مملکتی - طبقاتی از خلق کرد میباشد ، بلکه به این خاطر است که حزب دمکرات میخواهد از زنا ریسورژوازی حاکم بر خود گاسته و میدان وسیعتری جهت تامین منافع طبقاتی بورژوازی کرد ، فئودالیسم و مالکین و زمینهای مناسی جهت یکسازگی در کردستان و تامین منافع سلطه طلبانه خود کسب کند ، چه تفاد این حزب با رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی از مقوله تفادهای درون - بورژوازی بوده و بهیچوجه از آن مضمونی برخوردار نیست که زحمتکشان ستم دیده کردستان را به نسیسرد مسلحانه با رژیم چاکم واداشته است ، در حقیقت این ناسیونالیسم تنگ نظرانه حزب دمکرات است که و راه تعارض با بورژوازی و دولست چاکم واداشته است ، نه منافع و اساسی ترسین

خواستهای توده های زحمتکش خلق کرد ، اما مسلماً اینکه حزب دمکرات با شما بیلات تجزیه طلبانه بورژوازی خود نتواند جنبش مقاومت خلق کرد را به انحراف کشیده و در سطره قدرت خود تسرار دهد ، به کیفیت مبارزه طبقاتی در کردستان رانندنیروهای انقلابی بویژه کمونیستها و کسب رهبری جنبش خلق کرد توسط آنها بستگی دارد .

تجزیه طلبی : تخریب وحدت مبارزاتی خلفها و شکست جنبش مقاومت

بدرستی دهها بار تا کید بر روی این مسله ضروری است که بگوئیم بیژوری جنبش مقاومت خلق کرد در ریز و همبستگی خلق کرد با خلقهای سراسر ایران و بیروزی طبقه کارگر و زحمتکشان ایران در سرنوشتی ارتجاع حاکم و کسب قدرت سیاسی است ، لنسین آموگزار کبیر زحمتکشان میگوید : " اگر برانداختن ستمگری ملی در یک جامعه سرمایه داری امکان پذیر باشد ، این فقط هنگامی است که در کشور نظام جمهوری دمکراتیک بیگیری ، حکمفرما باشد . " (قطعنامه دربار مسله ملی) .

نظام جمهوری دمکراتیک بیگیری نظامی است که تنها و تنها طبقه کارگر قدرت برپای آن سراسر دارد ، این واقعیت بمنابها ملی است که باید همواره مورد توجه و تا کید سازمانهای انقلابی خلق کرد و بویژه کمونیستها در هر گام از مبارزه شان قرار بگیرد ، حال آیا میتوان اعتقاد داشت که در شرایط حاکمیت رژیم ارتجاعی و ضد خلقی مثل رژیم جمهوری اسلامی ، جنبش مقاومت خلق کرد بطور مجرد بتواند به پیروزی کامل و تامین خود مختاری واقعی دست یابد ؟ مسلماً خیر ، اما این پاسخ هرگز نمیتواند تا فی ادا به سر ختانه جنبش مقاومت و شرکت فعال کمونیستها و نیروهای انقلابی در آن گردد ، اینکه جنبش مقاومت خلق کرد بطور مجرد از جنبش خلقهای سراسر ایران نمیتواند به پیروزی کامل و تامین خواسته های خلق کرد برسد به دو علت اساسی است :

الف - جنبش مقاومت خلق کرد اگر مجزا از مبارزه و حمایت طبقه کارگر و زحمتکشان و خلق های تحت ستم سراسر ایران ادا مینماید ، سرکوب آن برای بورژوازی بمراتب آسانتر خواهد بود . ب - جنبش مقاومت خلق کرد جزئی از جنبش دموکراتیک - فدا مپریالیستی خلقهای سراسر ایران بوده و مبارزه طبقاتی - ملی خلق کرد بخشی از مبارزات طبقاتی کارگران و زحمتکشان بر علیه ارتجاع و امپریالیسم میباشد . بنا بر این پیروزی انقلاب توده ها به رهبری طبقه کارگر بر علیه رژیم چاکم در برگیرنده پیروزی خلق کرد نیز میباشد .

در هر دو مورد فوق ، ادا به جنبش مقاومت مستلزم وحدت مبارزاتی خلق کرد با خلقهای سراسر ایران و به تبع آن پیوند خلق کرد با کارگران و زحمتکشان سراسر ایران میباشد ، آنچه که میتواند مانع از تلاش برای ایجاد جنبش

وحدتی بین خلقها گشته و اتحاد طبقاتی کارگران و زحمتکشان ستم دیده ایران را تخریب کند تجزیه طلبی بورژوا - ناسیونالیستی است که در خدمت بورژوازی ، مالکین و فئودالیهای کردستان میباشد ، به علاوه با توجه به مضمون این حرکت تجزیه طلبانه و ماهیت طبقاتی رهبری آن از یک طرف و عقب ماندگی مفرط اقتصادی کردستان از طرف دیگر ، کردستان خواهناخواه به رژیمهای مرتجعی نظیر بعثت عراق وابسته خواهد شد .

به موازات رد و نفی انقلابی تجزیه طلبی از طرف کمونیستها ، بورژوازی حاکم ، رویزیو - نیستها ، خروشجفی و سه جفانی ، مرتجعین و تمامی خائنین به خلق ، در بر خورد به جنبش مقاومت همواره تلاش کرده و میکنند تا جنبش بقا و مت خلق کرد را از مضمون انقلابی طبقاتی - ملی آن خالی کرده و با برچسبایی نظیر "تجزیه طلبی" و "فدا انقلابی" ، کشتار زحمتکشان ستم دیده کردستان را عوام فریبانه توجیه کنند ، دشمنان خلق کرد در هر رنگ و لباس سیاسی دارای اهداف مشترکی هستند و آن سرکوب جنبش ، تامین منافع بورژوازی حاکم و حفظ بازاریهای سرمایه داران و شدا و ما ستمنا زحمتکشان کردستان توسط بورژوازی ، ارتجاع و امپریالیسم میباشد ، بنا بر این اطلاق "تجزیه طلبی" ، به خواسته های عادلانه خلق کرد از طرف بورژوازی حاکم ایران و نوکران آن امری عادی بوده و سیاستی است که دولتهای مرتجع سرمایه داری در طول تاریخ مپسار زه طبقاتی همواره در قبال جنبشهای ملی اتخاذ کرده اند

سیاست کمونیستها

در قبال تجزیه طلبی در کردستان

نیروهای کمونیستی در هر گام از حرکت خود با بدگرایش ضد انقلابی تجزیه طلبی را افشا کرده و به توده های خلق کرد توضیح دهندگسه تجزیه طلبی به معنای رهایی از انقیاد ستم ملی - طبقاتی امپریالیسم و ارتجاع نیست بلکه توطئه ایست که زحمتکشان کرد را در زیر پرده استعمار و ستم سرمایه داران ، فئودالیسم و مالکین بزرگ کردستان و ارتجاع و امپریالیسم نگه میدارد ، کمونیستها با دیده زحمتکشان کردستان توضیح دهند ، بیروزی جنبش مقاومت در سایه پیوند دادن آن با مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران و اتحاد آنها با طبقه کارگر و مبارزه حول برنا مه جدی خلق طبقه کارگر حاصل میشود ، نه در جدایی و دوری آنها از زحمتکشان کرد با دیده شدن آنها و تنها رهبری طبقه کارگر و کمونیستها بر این انقلاب توده ها و حاکمیت آنهاست که حق شعبین سرنوشته را به ارمان خواهد آورد کمونیستها وظیفه دارند ضمن افشای سازشکارانه و سیاستهای ضد انقلابی بورژوازی ناسیونالیست کرد ، زحمتکشان کردستان را به این حقیقت آگاه نمائند که شرکت بورژوازی ناسیونالیست در جنبش نه برای تامین اساسی ترین خواسته های

اکبر پرورش: خائنی از حزب جمهوری اسلامی

پس از قیام میهن ما و روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی، بسیاری از فرصت طلبان و خائنان، کوشیدند مردمنا آکا را فریب دهند و جای خود را در حکومت محکم ترسازند. حزب جمهوری اسلامی با استفاده از احساسات مذهبی توده های نا آکا و بیگانه ریزان نیرنگهای گوناگون سابق خائنان نه بسیاری از اعضا و همکاران خود را از دید توده ها مخفی کرد و در انتخابات آنها را از صندوق بیرون آورد.

- یکی از این خائنین آقای اکبر پرورش است.** او از ابتدای تأسیس حزب جمهوری اسلامی از اعضای فعال و موثر آن بوده و حزب برای آنکه این فرد خائن را بیش توده های مبارز معرفی کند شگردهای تبلیغاتی متعددی منجمد - "محا کمه عامل دستگیری استاد پرورش" را برآورد. (روزنامه جمهوری اسلامی ۵ خرداد ۵۸)
- اکبر پرورش نا مزد حزب جمهوری اسلامی در مجلس خیرگان بود (جمهوری اسلامی ۵۸/۴/۲۸)
 - اکبر پرورش هم اکنون نماینده اصفهان در مجلس شورای اسلامی هم هست.
 - اکبر پرورش معاون رئیس مجلس شورای اسلامی و نماینده منتخب این مجلس در شورای عالی دفاع نیز می باشد.

آیت الله خمینی در توصیف نمایندگان مجلس که پرورش هم یکی از آنهاست گفته است: "اینها عماره انقلاب مردم ایران هستند". ورجاشی هم از اینگونه افراد بعنوان "نسل ۱۷ شهریور" یا دگر چندان سطر بعد خواهد دید آقای پرورش که با صلاح از نسل ۱۷ شهریور است درست ۳ روز پس از آن کشتار عام چه مینوشته است. به این سندان فشاگرانه نگاه کنید. در تاریخ ۲۵ شهریور ۵۷ آقای اکبر پرورش در زندان اصفهان است و فقط حدود یک ماه از دستگیری او می گذرد. ببینید چگونه سردر لشکرناچی فرماندار نظامی اصفهان، لایه میکند و ما هیت خائنان خود را تمام و کمال بروز میدهد.

زندانیان شهریاری اصفهان تاریخ ۱۳۵۷/۶/۲۰ از زندانیان شهریاری اصفهان نام: اکبر پرورش ناچهر هسین.....

تیمما معظم سر لشکرناچی فرماندار محترم نظامی اصفهان و حومه پس از طی مراتب ادب، من انسان خادمی هستم که امیدوارم خائس معرفی نشوم و خدمتگزاری هستم که امیدوارم خیا متکرر قلمدا دستگردم در مورد آنچه که فعلا بر اساس آن گرفتارم ظاهرآ مساله محض و تجمیع افراد در منزل آیت الله خادمی است. با بسد بگویم از کیفیت تکوین و پیدایش آن بی اطلاع بودم و آنجا که اطلاع یافتم، شدیداً آگاه شدم با این وصف دوسه روزی گذشته بود که از طرف آقای خادمی بمن تلفن شد که به منزل ما بسیار باها توکار دارم و بمن با اعتبار آشنا شوی و ارادتی که از دیرباز با ایشان داشتم به منزل ایشان رفتم و خانه را برای جمعیت و آقای خادمی را بنا راحت یافتم. بهر جهت ایشان به من گفتند که چسبون

ولایتی شیرینانی
تاریخ ۱۳۵۷/۶/۲۰ از زندانیان شهریاری اصفهان
نام: اکبر پرورش
تیمما معظم سر لشکرناچی فرماندار محترم ناچهر هسین.....

بسم الله الرحمن الرحیم
من از آن افرادی هستم که امیدوارم خائس معرفی نشوم و خدمتگزاری هستم که امیدوارم خیا متکرر قلمدا دستگردم در مورد آنچه که فعلا بر اساس آن گرفتارم ظاهرآ مساله محض و تجمیع افراد در منزل آیت الله خادمی است. با بسد بگویم از کیفیت تکوین و پیدایش آن بی اطلاع بودم و آنجا که اطلاع یافتم، شدیداً آگاه شدم با این وصف دوسه روزی گذشته بود که از طرف آقای خادمی بمن تلفن شد که به منزل ما بسیار باها توکار دارم و بمن با اعتبار آشنا شوی و ارادتی که از دیرباز با ایشان داشتم به منزل ایشان رفتم و خانه را برای جمعیت و آقای خادمی را بنا راحت یافتم. بهر جهت ایشان به من گفتند که چسبون

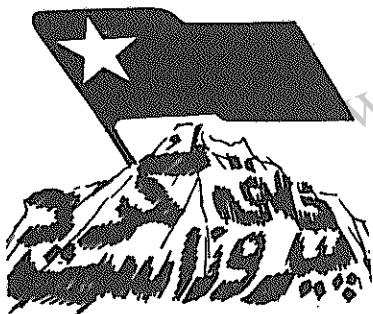
دادم که هرگاه سفرهای گسترده میشود و فضایی ایجاد میکرد این مارکسیستها و غرض ورزان هستند که خود را جا میزنند و بفتح افکار و نوا بلات ضد اسلامی خود سوءاستفاده میکنند. بهر جهت پس از این برنا ما خارج شدم تا اینکه با ردیگر بسوسله تلفن آقای مهندس میرمحمدما دققی به آنجا رفتم و آقای مهندس پیشنها دگردند که چند نفر از روحانیون با تیمما رئیس ساواک تماس

عده ای از مغرضین، بعضی از نشریات مفره وضد اسد می یا نشریاتی که مربوط به ما نیست، به در و دیوار منزل ما زده اند و میترسم در موقع بر داشتن آنها درگیری ایجاد شود و لذا چون شما با اعتبار سخنانیهای مذهبی و شغل فرهنگیتان نفوذ انقلابی دارید بین نشریات را از رد و دیوار بردارید و من هم چنین کردم و برای افراد حاضر سخنانی هم گفتم که مواظب باشید افراد مفسر ض و آلوده بهر برداری نکنند و مخصوصاً تذکر

بقیه از صفحه ۱۸ تجزیه طلبی...

خلق کرد بلکه در جهت منافع حقیر و تنگ نظرانه بورژوازی و ضد انقلابی خودش میباید مبارزه کمونیستها با ناسیونالیسم بورژوازی و تجزیه طلبی هرگز نباید نافی مبارزه آنها بر ضد رویزیونیستها و خائنین به خلق که آنها نیز تحت عنوان مبارزه با "تجزیه طلبی" به تخطئه مبارزات خلق مشغولند، باشد. کمونیستها با بد تفاهت دیدگا و موضع انقلابی خود را با موضع ضد خلقی و ارتجاعی رژیم و نوکران رویزیونیست آن در قبال تجزیه طلبی برای توده خلق کسر دستگا فتنه آنها با یدبا شرکت فعال در جنبش مقاومت خلق کرد و جانفشانی در راه آنها را میباید این خلق قهرمان نشان دهند که تنها و تنها آنها حامی طبقه کارگر است که میتواند آنها را بیسی خلقهای تحت ستم را تضمین نماید کمونیستها ضمن مبارزه و افشای بیگبیر و قاطعانه ناسیونالیسم بورژوازی و تجزیه طلبی، باید همواره این رهنمودگرا را به یسین راهنمای عملی تبلیغ و ترویج خود در کردستان و سراسر ایران قرار دهند که: "نمای کاملاً حقوق ملتها، حقیقتاً در تعیین سرنوشت خویش بهمیختسین کارگران کلیه ملتها اینست آن برنا مملی که ما رکیسم به کارگران می آموزد"

(در باره حق ملل در تعیین سرنوشت خویش)



رژیمی که برخلاف ادعاهای "ضدامپریالیستی" و برخلاف این ادعا که "حکومت مستضعفین" است به بازاری نظام سرمایه داری وابسته مشغول میباید، رژیمی که انقلاب توده های زحمتکش ما را که انقلابی دموکراتیک و ضد امپریالیستی است با ناکامی روبرو ساخته است و با تمام قوا به سرکوب انقلابیون و کمونیستها سرگرم است، جاره ای ندارد جز اینکه کسانی مانند آقای پرورش را "عمار انقلاب ملت" و "نماینده مردم" و "قانونگذار" معرفی نماید. رژیم، رژیم سرمایه داری وابسته و ضد کارگران و زحمتکشان است باید هم از کسانی مثل آقای پرورش کمک بگیرد. اما رژیم مال آقای پرورش است، قهر انقلابی توده ها پاسخ این خائنان را خواهد داد.

مرک برای امپریالیسم و ارتجاع داخلی علیه لیسرا لیا، علیه حزب جمهوری اسلامی زنده شده بسا دیکتاتور توده ها سازمان بیگار در راه آزادی طبقه کارگر

درک میکنید؟

آقای پرورش نثریات انقلابی علیه شاه و اربابان امریکا شش را که توده ها به در دیوار زده بودند از دیوار بر میدارد (ببینید آیا او خادم به رژیم شاه بوده یا به انقلاب توده ها؟)

پرورش میگوید مردم را علیه کمونیستها بشورا ندو آنها را مغرض و سواستفاده می معرفی می نماید. در صورتیکه برای ما رکیستها افتخاری بزرگ است که همیشه در صف توده ها، در را دیکتاتورترین موضع گیری های سیاسی و خنثی کننده توطئه های سازشکاران میباشند. دشمنی آقای پرورش و امثال او نسبت به کمونیستها خود سنده حقانیتی برای کمونیستهاست.

آقای پرورش برده فریب از چهره یک مکتبی دیگر، یک وزیر دولت رجائی (که او هم "انزسل ۱۷ شهریور" است) نیز بر میدارد. پرورش تا می ار مهندس میر محمدما دق میبرد! او هم اکنون وزیر کار است که فقط خائنانی مثل حزب توده می توانند از او حمایت کنند. (که کرده اند)

میر محمدما دق و پرورش برای خاموش کردن صدای توده های انقلابی توطئه میچینند و با چند نفر از روحانیون با "تیمسار رئیس ساواک" به جستجوی "راه حل" بر میآیند. (واقعاً ننگ بر شما باد ای همکاران ساواک و ای باوران رژیم شاه! وای دشمنان مردم!)

برای سومین بار آقای پرورش بدرخواست آیت الله خادمی عامل اخراج مردم از خانه خادمی و شکستن تخمن و انصاف آنها میگردد (آیا ملاحظه میکنید که ناآگاهی توده ها چگونه موجب پشاه بردن آنان به خانه فریبکاران و دشمنان نفاق بداری مثل آیت الله خادمی میشود؟)

آقای پرورش در بیان "غلط کردن ما به خود گوئی یا تکبیر و منکر و روبرو شده است تمسک م معتقدات خود را روی کاغذ میریزد. فقط یکماه با زداشت، این ست عنصران و سازشکاران را چگونه بیجزمیاورد!

اوبانما وجودش به نظام شاهنشاهی که جزیره لاینفک قانون اساسی است ارج میگذارد. (آیا متوجه شدید که کسی که ۳۵ سال پیش انریا مکل نظام شاهنشاهی و وابسته به امپریالیسم را زیر سوال میبردند و در راه او زکونی آن مبارزه مرگ و زندگی می نمودند چرا امروز "امریکائی" معرفی میشوند؟ آیا متوجه شدید چرا آیت الله خمینی کمونیستها و نیروهای انقلابی را همدست ساواکها قلمداد مینماید؟)

آقای پرورش، این مکتبی دوآتشه، ناکید میکند که در تمام گفته ها و نوشته هایش برخلاف "این اصل و این فکر" (نظام شاهنشاهی) کامی بر نداشت است.

او وفاداری خود به "مقام منبع سلطنت و قانون اساسی را مورد تکیه مجدد قرار میدهد و "توفیقات" سر لشکرناجی قاتل هزاران تن از مردم زحمتکش اصغیان را خواستار میشود. این مثنی است نمونه خورا! بی جهت نیست که اسناد را پیوسته می سوزانند!

بگیرند و راه حلی بیابند. با زمین این پیشنها را جالب دیدم و قرار شد که آقایان شامبی و بدری در معیت آقای میر محمد (مادقی) با تیمسار محترم رئیس ساواک تماس بگیرند و دیگر نمی دانم نتیجه مذاکرات آنان چه شود و با رسوم روز چهره بود که سحرگاه از منزل ایشان به من تلفن زدند که لازم است بیای و افراد را از منزل ایشان بیرون کنی و بلافاصله آقای طالقانی بمن تلفن زدند که افرادی در منزل آقای خادمی هستند که لازم است بروی با آنها صحبت کنی و آنها را از منزل آقای خادمی خارج نمایی زیرا من با جناب سرهنگ... (ناخوانا) و جناب آقای دکتر... (ناخوانا) فرمائید مرا محترم تماس گرفته ام که آنها تا من داده اند که دوساعت دیگر از منزل آقای خادمی خارج شوند و بجهت من بر میروم و با خواهش و تمنا و بیانی تا من آنها را خارج نمودم و خود خارج شدم و در راه هم بستم این بود ماجرائی که اتفاق افتاد و من به تمسک مقدسات نقش خود را خدمت میبینم و نمی دانم چرا با لاج بریکما است یا زداشت شده ام و اما در مورد افکارم بگذارید چند سطر هم قلم بزنم و آن اینکه من با تمام وجودم به نظام شاهنشاهی که جز ولایتنک قانون اساسی است ارج می نهم و در تمام گفته ها و نوشته هایم برخلاف این اصل و این فکر کامی ننشاده ام. بهر جهت با دیگر وفاداری خود را به مقام منبع سلطنت و قانون اساسی اعلام داشته و از خداوند بزرگ توفیقات آن مقام محترم را در راه تحقق آرمانهای حیاتی جامعه ایران خواستارم.

با تقدیم احترام کبیر پرورش (امضا)

رونوشت جهت اطلاع و اقدام مقتضی بسزد ریاست محترم دادگا به تجدید نظر ارسال میگردد.

"غلط کردم" نامه آقای پرورش، امپریالیستی مکتبی که نه کار بر راست از نکات قابل توجه:

اوبه سر لشکرناجی، این جلاله خلق، معظّم، خطاب میکند.

او "خدمت به رژیم شاهنشاهی" را خدمت می شمارد و مبارزه علیه آنها "خیانست" میدانند.

او اعتراف میکند که از تجمع و تخمن مسردم مبارز شدیداً اکراه داشته است.

او آیت الله خادمی را هم ضامن افشا میکند و اظهار میدارد که ایشان از تجمع مردم "ناراحت" بوده است. (آیا ملاحظه میکنید کسانی که قیام سیل آسای توده ها را از برکت نفس روحانیت میدانند چقدر فریبکار و دروغگو هستند؟)

آقای پرورش میگوید که آیت الله خادمی، مبارزان و انقلابیون را مغرض و نثریات آنان را مضاره قلمداد کرده است ولی از ترس مردم چرات نمیگردد و برود آنها را از روی دیوار بکنند و پاره کند.

آیت الله خادمی آدمی مثل پرورش را در بین مردم "دارای نفوذ انقلابی" میدانسته است. (آیا معنی انقلابی بودن این حضرات را خوب

پیروز باد جنگ خالق در السالوادور

مبارزات قهرمانانه خلق السالوادور در راه سرنگونی ارتجاع اوج بیسابقه‌ای گرفته است. این مبارزات مسلحانه در هفته‌های اخیر بسیار رشد یافته و رژیم نظامی وابسته به امپریالیسم آمریکا را در آستانه سقوط کامل قرار داده است. پس از سقوط دولت مزدورنرال "کارلوس هرمیدتورویرو" رهبر "حزب آنتی ملی" امپریالیسم آمریکا برای به انحراف کشاندن جنبش توده‌ای، در ۱۵ اکتبر ۱۹۷۹ یک شورای دولتی مرکب از ۲ نظامی و ۳ غیرنظامی برسر کار آورد. آمریکا کوشید تا با تعویض مزدوران خود و انجام برخی اصلاحات عوام‌فریبانه مانند لغو حکومت نظامی تبلیغات بروی حقوق بشر و دروغپردازی در باره انتخابات و تقسیم زمین، جنبش توده‌ای را به تسلیم‌کننده و نیروه‌های انقلابی را سرکوب کند، اما جنبش انقلابی مردم السالوادور این توطئه‌ها را خنثی نموده و نظامیان مزدور را وادار نمود تا به هدف‌های واقعی خود اعتراف نمایند. بنحوی که یکی از ژنرال‌های حاکم مطرح ساخت: برای حل مشکلات السالوادور باید ۲۵ هزار نفر را در این کشور از میان برد.

اما توده‌های خلق تسلیم نشدند. آنان که می‌بینند رژیم حاکم بطور همه‌جا نیش زنی می‌زند امپریالیسم آمریکا حمایت می‌کند، آنان که میدانند منتهی سرمایه‌دار و زمین‌دار وابسته، انحصار تولید و تجارت بنیه، کاکائو، شکر، روغن - خرما، فسفات، دامداری و قهوه که مهمترین صادرات السالوادور میباشند را در دست خود داشته و فقر و فلاکت توده‌ها را دامن می‌زنند، آنان که می‌بینند امپریالیست‌های خونخوار آمریکا می‌بشندیدترین وجه به غارت کشور دست زده و رژیم موجود را همچنان مسلح میکنند تا مبارزین را آزادی و استقلال را بخون بکشد، آری توده‌ها نمی‌توانند این همه جور و دست‌های بیندندیمتیا کنند. دست از مبارزه بکشند، آنان برخاسته اند تا رژیم تبهکار را سرنگون ساخته و قدرت توده‌ای را مستقر نمایند. آنان میدانند که راه توده‌بودی حکومت وابسته به آمریکا فقط در طی یک مبارزه توده‌ای و مسلحانه امکان پذیر است. به همین خاطر در هفته گذشته انقلابیون مسلح، حملات نظامی خود را به شهرها گسترده ساخته و توده‌های خلق اعتمایات سیاسی خود را بنحویسابقه‌ای افزایش داده اند. در حال حاضر دولت حاکم به حالت فلج درآمده است و برای بقای خود تقاضای کمک بیشتری از ربا بان آمریکا می‌کند. خود نموده است در همان رابطه آمریکا قرار است ۲۰ میلیون دلار کمک نظامی به رژیم السالوادور بکند که از این مبلغ تا بحال ۵ میلیون دلار داده است. این وام جهت خرید سلاح‌های جدید و مرگبارتر



برای گستران انقلابیون و توده‌های مبارز است. علاوه بر آن با توجه به احتمال سقوط فوری رژیم حاکم، احتمال است که آمریکا به دخالت نظامی دست بزند. امپریالیسم نکی که منافع خود را در خطر جدی می‌بیند، پیش از هر زمان دیگر در صدد برآمده است که بطور همه‌جا نیش انقلاب توده‌های السالوادور را سرکوب نماید، اما انقلاب مردم بطور حتم ارتجاع حاکم و ربا بان را در زیر گام‌های خود نابود خواهد ساخت.

مبارزات دانش آموزان در آفریقای جنوبی

در آفریقای جنوبی (آزانیای) همپسای مبارزات مسلحانه انقلابیون آزانیایی، مبارزات کارگران و زحمتکشان و در هفته اخیر مبارزات گسترده دانش آموزان همچنان ادامه دارد. در این کشور بورژوازی سفید پوست که اقلیت جمعیت یعنی ۴/۴ میلیون نفر را تشکیل میدهد، ۱۸ میلیون سیاه پوست حکومت کرده و شدیدترین و وحشیانه‌ترین سیاست‌های نژادی را علیه توده‌های زحمتکش سیاه پوست اعمال می‌نماید. یکی از موارد بارز این سیاست نژادی سیاست حاکم بر آموزش و پرورش این کشور است. بعنوان نمونه مخارج تحصیل یک دانش آموز سفید پوست در سال ۹۴۱ دلار میباشد، در حالی که برای یک دانش آموز سیاه پوست ۹۳ دلار است. در اعتراض به همین سیاست آموزشی استعماری است که در هفته قبل هزاران دانش آموز سیاه پوست دست به مبارزه و تظاهرات زدند. آنان خواستار لغو امتیازات نژادی در زمینه آموزش شده و همچنین آزادی رهبران دستگیر شده دانش آموزان را مطرح ساختند. در این مبارزه صدها مدرسه تعطیل کشیده شد و دانش آموزان انقلابی به خیا با تظاهرات ریختند. پلیس فاشیستی با گاز اشک آور و بمباران بمباران و تیراندازی راکت، زخمی و دستگیر نمود. مبارزات دانش آموزان هم‌اکنون نیز ادامه دارد. این مبارزات گوشه‌ای از مبارزات خلق آزانیای در جهت سرنگونی حکومت نژادپرستان و قطع نفوذ امپریالیست‌ها میباشد. زنده بماند انقلاب مسلحانه خلق آزانیای در راه دموکراسی و استقلال واقعی!

اعتصاب کارگران در فلسطین اشغال شده

در هفته گذشته ۵۰۰ کارگر فلسطینی صنایع نساجی اسرائیل دست به اعتصاب و تظاهرات زدند. کارگران فلسطینی که شدیداً تحت استثمار قرار دارند و تبعیضات نژادی بسیاری در مورد آنان اجرا میشود، دست به اعتصاب زدند تا دولت صهیونیستی را وادار به افزایش حقوق خود نمایند. علاوه بر کارکنان شرکت هواپیمایی "الغال" دست به اعتصاب زده و خواستار افزایش حقوق خود شدند. این مبارزات یکبار دیگر نشان میدهد که در برابر دولت صهیونیستی اسرائیل و امپریالیسم آمریکا، توده‌های مبارزین توده‌های زحمتکش فلسطینی دارای اشتراک منافع می‌باشند. رژیم ارتجاعی اسرائیل دشمن مشترکی است که با ید توسط توده‌های فلسطینی و دیگر مبارزین راه آزادی سرنگون شود.

لهستان: بحران اقتصادی و سفر و اسبابه واتیکان

در حالیکه بحران اقتصادی همچنان به وخامت میگراید، بحران سیاسی نیز بطرز گفتمانی - انگیزی حدت میباید. در حال حاضر لهستان ۲۴ میلیارد دلار به با نکداریان امپریالیست غرب بدهکار است و مهمترین تکه سر رسید ۱۲ میلیارد دلار از قروض لهستان در ۱۹۸۱ - ۱۹۸۲ میباشد. اما دولت رویزیونیستی لهستان فاقد توانائی لازم جهت پرداخت این سرسید بوده و به همین منظور تقاضای وام‌های جدیدی نموده است. به تاخیر دولت ارتجاعی لهستان سه میلیارد دلار وام از امپریالیسم آمریکا تقاضا کرده است. علاوه بر رویزیونیست‌ها و امپریالیست‌ها سه میلیارد دلار از آلمان غربی و ۳۲۵ میلیون دلار از بازار مشترک اروپا درخواست نموده اند. گفته‌ها تدک بحران کشاورزی لهستان، دولت را بر آن داشته تا جهت دریافت ۵۴ میلیون دلار گوشت گاو، غلات و محمولات لبنی به قیمت ۱۰ درصد کمتر از نرخ روز زمین المملی تقاضای به‌جا معافیت نماید. اروپا را تهدید. اگرچه اخیراً بانک دولتی "نارودنی" مکتوجهت دادن ۲۵ میلیون دلار وام به لهستان موافقت خود را اعلام کرده، ولی آنچه‌ها نژادپرستان است اینست که بورژوازی لهستان با این وام‌های امپریالیستی نمیتواند خود را از بحران عمیق سرمایه‌داری حاکم بر کشور نجات دهد. بویسژه آنکه بحران مبارزاتی همچنان ادامه دارد. طبقه کارگر و دهقانان لهستان که شدیداً تحت استثمار و ستم قرار دارند، همچنان در راه خواست

های بحق خودمبارزه میکنند. اما متاسفانه از آنجا که فاقه قدیم رهبری کمونیستی میباشند نتوانسته اند مبارزات عادلانه خود را در جهت تحقق یک انقلاب به پیش ببرند.

در حال حاضر لیبرالها در رهبری جنبش کارگری دارای نفوذ زیادی میباشند. اینان میکوشند تا با سوار شدن بر جنبش کارگری به اهداف طبقاتی خود برسند و در واقع تضاد اینان با بورژوازی رویزیونیستهای حاکم از مقوله تضادهای درون بورژوازی بوده و لیبرالها بنا به ماهیت خود هیچوجه طرفدار انقلاب و بیروزی طبقه کارگر لیسنان نمیباشند. اینان طرفدار امپریالیسم غرب میباشند و چنانچه به قدرت برسند خواهند کوشش در سطح سوسیال امپریالیسم را به نفع نزدیکی با جهان امپریالیستی غرب بیاورند. سیاستهای "لش والسا" رهبران اتحادیه مستقل کارگری، در محدود کردن جنبش کارگری به خواستههای صنعتی - سیاسی بیا نگرانگه لیبرالها می کوشند تا از ایجاد صف مستقل برولتا ربا و مستگیری جنبش بسوی یک انقلاب سوسیالیستی جلوگیری نموده و این جنبش را در جهت اهداف نیروهای بورژوازی غیر حاکم سوق دهند. فقدان آگاهی سوسیالیستی در میان کارگران و نفوذ افکار مذهبی در میان

آنها (که این خودشان دیگری از خاستگاه رویزیونیستهاست) خود زمینه مساعدی است تا لیبرالها و محافل بورژوازی مخالف دولت نفوذ خود را اعمال نمایند و از رضایت های بحق کارگران در جهت اهداف طبقاتی خود استفاده کنند. بدین ترتیب می بینیم که در مقابل کمونیستهای لیسنانی و کارگران آگاه وظایف سنگینی قرار دارند. آنان باید بدینست بورژوازی - لیبرالها را افشا کنند و طبقه کارگر را از زیر رهبری اینان بیرون بیاورند. زیرا اینان از نظر ماهیت خود بر ضد برولتا ربا هستند و در حقیقت اینان متحدین "ورسای ها" و علییه کموناردها میباشند. "لش والسا" به وایتگان و ملاحظات امپریالیسم، اینان نماینده کلیتای جهان امپریالیستی، بیا نگر این حقیقت روشن است.

آری "لش والسا" نیز در نتیجه سفر میکنند که اخیراً به دفاع از امپریالیسم آمریکا، جنبشهای آزادیبخش و انقلابی آمریکای لاتین را محکوم کرده است.

اعتصاب ملوانان در انگلیس

روز دوشنبه ۲۲ دی ماه ملوانان انگلیسی اعتصاب ۲۴ ساعته ای را آغاز کردند این اعتصاب

بخش عظیمی از کشتیرانی انگلستان در قاره اروپا و ناوگان تجاری این کشور را فلج نمود اتحادیه کشتیرانی انگلیسی که فراخوان این اعتصاب را دادخواست ۱۶٪ افزایش دستمزد هفتگی پایا و افزایش اضافه کاری کارکنان کشتی ها و بنا در کرد دید در حال حاضر دستمزد پانزده هفتگی ۶۴ پوند میباشند. بحران اقتصادی در انگلستان پس از پیش محرومیت زندگی کارگران و توده های زحمتکش را افزایش داده و آنان را به مبارزه گسترده نری میکانند.

اعتصاب گسترده دانشجویان فرانسه

۱۲۰۰۰ دانشجوی دانشگاه های استراسبورگ، لیسون و تولوز در اعتصاب بر میروند. اعتصاب این دانشجویان در اعتراض به "فرم تحصیلی" دولت امپریالیستی فرانسه که تحصیل دانشجویان را اشتغال پس از تحصیل را محدود میکند به صورت گرفته است و دولت بحران زده فرانسه را با مشکل دیگری روبرو ساخته است.

بودیادداشت کرده و به شهرداری تحویل دادند تا شهرداری در مورد اینکه آنها صاحب خانه هستند یا خیر تحقیق کند. بنا به ندگان پس از مراجعه به شهرداری با این وعده که شنبه ۲۷/۱۰/۵۹ جواب داده خواهد شد (۱) با زگشتند. شاه مزدور به بیانه نداشتن "جواز قانونی" و بیانداشتن "پروانه کسب" خانه های زحمتکشان را خراب کرده و آنان را به خاک و خون میکشاند رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی هم که در دفاع از سیستم سرمایه داری وابسته جای پای رژیم شاه خاکن گذاشته است خانه های زحمتکشان خارج از محدوده را به همان بیانه های شاهنشاهی بر سرشان خراب کرد

توده های زحمتکش در تجربیات روزمره خود هر چه بیشتر به ما هیت رژیم جمهوری اسلامی می میرند و می بینند رژیم که در حرف دم از مستضعفین میزند و وعده میدهد، در عمل نه تنها از سر آوردن کوچکترین خواسته توده های معنی تهیه مسکن خودداری میکند بلکه در جانی هم که توده ها خود آستین ها را بالا زده و سرینا می میسازند، رژیم آنها را خراب میکند، اما رژیم جمهوری اسلامی نمیداند که با خراب کردن یک آجر از سرینا زحمتکشان یک قدم خود را به قبرستان تاریخ نزدیک میسازد و دور نیست روزی که توده های زحمتکش با بولدوزر مبارزه و انقلاب زحمتکشان ساختمان سازان و نزدیک رژیم جمهوری اسلامی را ویران سازند! نفرت بر - جنبش رژیم که دشمن توده های زحمتکش خلق ما میباشد!

ساعت ۱۲ ظهر که اهالی محل متفرق می شدند جوانی ضمن افشاکاری برای مردم توضیح میداد که بریدن یک درخت نه تنها چند صد تنه آره بلکه با تمام دندانه های آره ایگان پذیرا است این جوان ضمن تاکید بر اتحاد زحمتکشان بی مسکن میگفت هیچ کاری از جمله گرفتن حق خود از دولت بدون زور انجام نمیکرد. سپس او در مقابل سؤال یکی از اهالی محل که پرسید چه کارکنیم؟ گفت: "با بدهیها همسپیل و کلنگ و میله گردیدر باریم و به شهرداری حمله کنیم آنها با بدخسارانی که به ما بدبختی وارد کرده اند پس بدهند" همه اهالی حاضر در محل سخنان او را تأیید میکردند، همچنین یکی از جوانان محل میگفت: "تنها راه، راه زور است جناح لیبرال و جناح حزب جمهوری اسلامی همه دشمنان ما کارگران هستند" او ضمن اشاره به سخنان نهضت بلند شهران بارس میگفت: "جرا این دولت آن ساختما آنها را خراب نمیکند ما زحمتکشان و کارگران با بیدار زور حق خود را بگیریم."

اهالی زحمتکش محل بشدت خشمگین بوده و منتظر بودند که یک ماشین یا سداران از آنجا بگذرد تا شکمپا سداران را بیاورند، چند نفر از زنها نیز بشدت گریه میکردند.

روز چهارشنبه ۲۴/۱۰/۵۹: نمایندگان زحمتکشان بی مسکن به شهرداری مراجعه کردند تا تکلیف خود را روشن کنند آنها پس از بازگشت، با ما می آنها می که آونکهاشان خراب شده

بقیة از صفحه ۱۷ شهرت...
برادر همزین ۲۰ بجهت ردا و هم خیلی بدکار است.
زحمتکش دیگری دیگران چنین همدردی می کرد: "والله برادر من زیاد خرج نکرده بودم فقط دویسه هزار تومان آجر آورده بودم که همانطور سر جایش است ولی دلم برای دیگران میسوزد که عده ای از آنها حتی لباس زن خود را فروخته بودند تا سرینا هی درست کنند که شهرداری بدبخت - شان کرد."
زحمتکشان بی مسکن تهران بارس آنروز پس از مدتی صحبت سه ساعتی با این خرسود انتخاب کرده و به شهرداری فرستادند یکی از نمایندگان مذکور پس از بازگشت گفت: "در شهر - داری به شهرتانی و پاسداران بی سیم زده و گفته اند که عده ای با جوب و جماعت به شهرداری حمله خواهند کرد ما مقامات شهرداری وقتی با ما روبرو شدند خیلی خوشحال شدند و گفتند فردا ساعت ۸ صبح بیا بیدتا مذاکره کنیم. پس این نماینده که آدم سازگار بود از زحمتکشان بی مسکن با خواهش و تمنا میخواست که راهیما بی نکتند سخنان نماینده مذکور با عکس العملهای متفاوتی روبرو شد عده ای بدترستی بر راهیما بی تاکید داشتند و میگفتند: "ما هم مثل تاکسیرانان با بیدار راهیما بی حقمان را بگیریم، عده دیگر میگفتند: "سرویم به جاران و حرفمان را بگوش اما میرسانیم ما گروهی با سخ دادند خود ما مستور داده تا اینجا را خراب کنند."



سخنی با رفقا!

رفقا! او حکیری مجدد جنس سوده ای ،
را دیکا لیزه بدن مجا هدی ، سنده جنک بیس
لیبترالیا و حرب جمهوری و ... برابط مسا عدی
را برای کسترش تبلیغات وسیج توده ها
بوجود آورده است .

همه و غایع دلالت بر کسری دم افزون جنس بودای
دارد ، با نیرو برد اضا کیری با ستر کسند اس که این خود در
شده کسیر ریم دریا سخکوئی بد خوا سهای توده ها و
افزایس بار ماسی آنان و فر و یخن توه م آنها و هم جنس
اضا کیری های مکرر کومینتها و دیگر انقلابیون بدیدار کسند اسه
لیکن هما نظور که صفوف جنبش انقلابی
فترده تر کشته و را دیکا لیم در حال کسترش است
در همان حال خائنین اکثربیت
فدائی ، نیز به کمک خدا انقلاب شتافته و وظیفه
جلوگیری از فرورویختن توه توده ها را بعهده
گرفته است ، این نوکران بورژوازی که بدین از
خود بورژوازی کمر همت به حفظ نظم خدا انقلابی
موجود بسته اند ، از آنجا که قشر و سنفکشان
بورژوازی محسوب میگردند ، بمراتب از نظر
ذهنی بیشتر از خود کما کمت در یخن سموم
ایدئولوژیک خدا انقلابی یخن ایفا میکنند ، این
دشمنان جنس کومینستی و جنبش خلق بایوستن
به روی کومینستها ی سوده ای حکومت را دمی
تا ز نفس سر کرده اند ، اینان اکنون با توجه به
یا یکا ها اجتماعی که در یخنی ثی از روشنگران
واقفان رخده بورژوازی دارند و وسیع دست بسه
تبلیغات خدا انقلابی برای دفاع از کما کمت
و منفرد نمودن انقلابیون و کومینستها زده اند
در این میان لبه تیز حمله خود را متوجه
مجاهدین خلق نموده اند ، چه آنها با ممانات جویی
که در قبال لیبرالها دارند ، نقطه ضعفی بدست
آنان داده اند تا بتوان سنده نگای آن مجاهدین
را مورد حمله خدا انقلابی خود قرار دهند در عین حال
نفس مورس مجاهدین در جنس خلق ، دلیل دیگری است
که روی کومینستها را به هجوم علیه مجاهدین واداسد است .

رویز کومینستها مندا سنده که کربتوان سنده
استفاده رتا بیکیریهای مجا هدی ، اینان را
به صف خدا انقلاب بگنا بند (که نمیسوا بند) آنگاه
با توجه به نمود وسیع مجا هدی در درون جنس
خلق ، عظیمترین ضربات را به جنبش وارد آورده اند!
در جنس شرا بطی وظیفه کلیه رفقا است که
در سخت های در کسریین دوستان مجا هدی
رویز کومینستها فعلا نه شرکت کرده و اولاً نه دفاع
از مجا هدی بپردازند تا با روی کومینستها رتا
نما قدرت افشا نما بیند تا لیا کرا ییات لیبرالی
مجا هدی را نیز توضیح داده و دموکرا تیسیم
دوستان مجا هدی ارتقاء داده و دست آخربا
افسای ما هست هر دو جناح خدا انقلاب حکومت
ضرب و طرح آلترنا تیا انقلابی بطور عموم
آلترنا تیا کومینستی ، بطور خاص را توضیح دهند
و ارسایست بیکسرا نه کومینستی دفاع نما بند!
بیرو رتا سدا!



عده ای از رفقا ، ضمن ارسال نامه قطع
خبرنا به جنک اعتراض نموده اند و سوا آوردن
نمونه های ارتنا سرتان در کا رخا نه و ... خوا ستر
توضیح علل قطع خبرنا مده اند ، آنگاه در
خواستها ندر همدوی در ایسنا ربه آنها بدیم .
رفقا! همانطور که قبلا نیز توضیح دادیم ، اکنون
بسی از گذشته ها ما از جنک ، با برآمدن او و کیری
مجدد مبارزه طیفائی ، جنک برای توده های
میمنان به مسئله ای فرعی تبدیل شده است
از ابروما که با حاسنت جنک و محور گشتن این
مسئله در نزد توده ها در آغاز جنک رویو بودیم ،
بنا بر وظیفه کومینستی خود کسترش هر چه بیشتر
تبلیغ و ترویج علیه جنک ارتجاعی را بر عهده
داشتم و انتنا ر خبرنا مه مرکزی جنک نیز در این
را نطه بود ، در عین حال ما با توجه به او و کیری
مجدد مبارزه طیفائی میبایست صفحات بیستری
را به مسائل سیاسی و مبارزه طبقاتی اختصاص
می دادیم ، از اینرو نظریه اینکه خبرنا به جنک
خورستان بطور مرتب انتنا رمی یا بدنه سده ای
آواره از اسنارات کما کمتها صفیان و فریبنا د
آوارگان از انتنارات کما کمت خورستان نیز
منتشر میشود ، تصمیم گرفتیم انتنا ر تشریح
مرکزی خبرنا به جنک را متوقف کرده و تنها ۲
صفحه از بیکار را به انعکاس مسئله جنک و بویزه
آوارگان اختصاص بدیم

این از توضیح علل قطع خبرنا مه ما در
موردنا شیران و رهنمودی که در باره چگونگی
افسای جنک کتونی و مبارزات مردم خوا سته
بودید باید بگوئیم : اولاً خبرنا به جنک خورستان
و فریبنا د آوارگان را میتوان تیندن کسیر سنا شد و در
منطقه خود یخن نما شید ، نا نیا حتی فترده اخبار
جنک که در خود بیکار درج میگردد ، قابل تکسیر
است از اینرو میسوا شید ۲ صفحه از اخبار جنک
بیکار را تکسیر کرده و بسیمز ان وسیع یخن کنید .
بیرو رتا سدا!

رفقای دانشجویان هواداران ما در خارج
از کشور (در انگلستان) : ترجمه سمیه بیکار ۲۳
در باره جنک ایران و عراق ، جندی بیس رسید
موقعیت رفقای خارج کشور را ، منجمله در ترجمه
و سرتا رتا رمان به ربا نهی خارجی و سنا سندن
صی و مواض سارمان به جنس کومینستی سندن
الطالی خوا ساریم .

رفقا و دانشجویان هواداران ما در خارج کشور :
کزارسی که از مبارزات دانشجویی سوده ای در
یونان نتیجه گرفته بودید جندی بیس رسید .
منا سنا نه چون وقت آن گذشته بود موقع به خاب
آن ندیم ، در سراطی که امکان ارسال سریع
اخبار و کرا رتا ت سدا خل کسور سنا ند ، ترجمه ها
کزارسی های را فرسید که به مناسبت خاصه
مربوط سنا سندر صورت دیر رسیدن سیر فاسل
جاب سنا د .

با درودهای کومینستی

رفیق مسعود الف ، دو کرا رسی مربوط به
مبارزات کارگران جنوب را که فرستاده سودی
رسید ، با درودهای گرم منتظر کرا رسیهای دیگر
شما هستیم .

رفقای دیگری که برایمان نامه ارسال کرده اند
تا مبارزات هوا زح ، کاز شهرری - ت ، الف
ار شیرا زح ، مکانیک جاده ها وه - شرق تهران -
بیک هسته کارگری از کمیته شرق تهران - ج ،
الف - دانش آموزی از شیراز - خلیل کارگر
تراشکار - کارگر - مازقزوین - رضا - د -
رفقای اصفهان - ع ، بیسمرگه - Ms - ک ، الف
ار شیرا ز - الف سنا از رشت - م - ب - مهنا ز

رفقا ، اعضا و هواداران!

از آنجا که مدتهاست سعی داشته ایم برای
آرمسا زمان و همچنین عنوان تشریح بیکار آرم
مناسی سبیه کنیم در این رابطه رفقا تا کنون
ایده ها و طرحهای مختلفی ارائه نموده اند ، ولی
در مجموع این طرحها انطور که با بدمراسع
سازمان را منعکس نمیکند ، لذا از رفقا خوا هانیم
هر چه زودتر طرحها و ایده ها سنا را در مورد تهیه
آرمسا زمان و همچنین عنوان تشریح برای ما
بفرستند .

موفق باشید

نقدها از صفحه ۱۵ نظرات

دانش آموزی سرکوب مبارزات انقلابی دانش آموزان را از
سوی رژیم جمهوری اسلامی و از کانهائیس ، انجمن اسلامی و
امور تربیتی ، محکوم نموده و حمایت قاطع خود را از مبارز -
ات انقلابی دانش آموزان اعلام میکنیم .

۷ - در شرایط کنونی افسا اقدامات جمهوری
اسلامی از یک سو از سوی دیگر لزوم بیس بسرد
مبارزه بیرونی برای بارکنا ثی انقلابی
دا شنگاه ، ضرورت اتحاد عمل دانشجویان انقلابی
را بیس از بیس روشن ساخته است ، ما خوا هسیم
کوسید که حرکت کتونی خویش را سنا و مخصسده
و هر چه بیرونی تشریح بیس سروبم .

کمیته برکرا ری مراسم ۲۳ دی :

دانشجویان و دانش آموزان هواداران ما
رزمندگان دانشجویان پیشکام
سارمان دانشجویان و دانش آموزان بیکار



بقیه از صفحه ۳ چگونه...

عکس‌العملی امپریالیستهای غربی و سوء استفاده‌ها نشان که به منظور رقابت با سوسیال امپریالیسم از یکطرف و لوث کردن سوسیالیسم و کمونیسم از طرف دیگر صورت گرفته است، سعی میکنند ما هیت کارگری و اما لیت اهداف توده‌های کارگر لیسیتان را مورد در دید قرار دهند. آنها بیشتر ما نه مینویسند: "تجربه ۶۳ ساله سوسیالیسم در چین از یکطرف و واقعیت‌های روزمره نظام جهانی سرمایه‌داری که هر روز مهر محکوم می‌سازد تا زهای برای این نظام مگویند، از طرف دیگر دست و پا ل آنها (منظور امپریالیستهای غربی است - بیکار) را در خود ستایشی مبالغه آمیز به بود." (کار روزیونیستی ۸۷) در حالیکه واقعیت اینست که امپریالیستهای غربی کنندگی "نظام جهانی سرمایه‌داری"، بی‌علت سرمایه‌داری شدن نظام کشورهای اروپای شرقی و نتیجتاً نمی‌سازد بردن این کشورها نیز از این کندگی مسمی، نتوانستند به تبلیغات گسترده‌ای بر ضد سوسیالیسم و در جهت تظہیر خود، بر آه اندازند و مسب اصلی اینهم، روزیونیستهای خروشی و در راس آنها دار و دسته سوسیال امپریالیست خاکم بر شوروی میباشند، در صورتیکه در زمانیکه شوروی یک کشور سوسیالیستی و پرچمدار انقلابات بی‌ولتاریایی جهان بود، زمانیکه سوسیالیسم در بسیاری از کشورهای دیگر چین برقرار بود آری در آن زمان که هنوز روزیونیستهای خاش نتوانسته بودند قدرت را در این کشورها بدست گیرند، بر راستی که امپریالیستها و تمام مسمی مرتجعین جهان را با رای لجن پراکنی بر علیه آرمان کبیر طبعه‌ها کارگرو سوسیالیسم، با ما حال تا حدی که چگونه امپریالیستهای غربی از روی کسار آمدن بورژوا - روزیونیستها در کشورهای سوسیالیستی به وجود آمده و با خیسال آسوده به سببهای بر علیه کمونیسم میبردند، البته که از سوی روزیونیستها نیز در اینکسار یاری میشوند!

روزیونیستهای اکثریت ادعا میکنند که "بحران فعلی لیسیتان بطور ما هوی بسا بحرانهای جوامع سرمایه‌داری فرق دارد." (کار روزیونیستی ۸۸) و برای "اثبات" ادعای خود به انواع و اقسام مار و مقایسه متوسل میگردند (۲) و سرانجام سعی دارند با طرح چند انتقاد بیکی نظیر: غلبه "تولید خرد پر کسار و رزی" و "عدم بی طرفت سنداوم دمکراسی سوسیالیستی" و "اصل قضیه را ما ستیالی کنند، آنها حتی خیلی راحت از روی بدی ۲۰ میلیار دلاری لیسیتان به امپریالیستهای غربی، میگذرند. و اصلاً به روی خود نمی-

آورند که چرا یک دولت به اصطلاح "سوسیالیستی" که فاقد عناصر با بد در آن اثری از استعمار و رگاری سرمایه‌داریان نشاند، به چنین افلاسی دچار شده که برای تهیه مواد غذایی خود به گرفتن چینس و ماهیایی با بهره‌های کلان، از امپریالیستهای غربی مجبور باشد. این مسائل فساد و کندگی سیستم سرمایه‌داری دولتی را بروشنی بنمایش میگذارد.

اما اوج بی‌ترمی روزیونیستها زمان نیست که خصومت خویشی را با طبقه کارگر آشکار میکنند، کارگران لیسیتان را با خاطر "شیوه‌شان که پیاپی رزه بر علیه دولت بورژوا - روزیونیستی این کشور است، سرزنش کرده و می‌نویسند: "چنین شیوه‌ای در برخورد به مسائل، شایسته کارگر آگاه به منافع طبقاتی خود نیست" و کارگران "اعتماسی با شیوه عمل خود به تنها جبهه نیروهای انقلاب در سطح جهان را تقویت نمودند، بلکه به میندای فرا هم آوردند که امپریالیسم و رتاج خیانسی با دستاویز قرار دادن آن به تبلیغات علیه این نیروها و وجدشان برداختند." (کار روزیونیستی ۸۹)

روزیونیستهای اکثریت بدین ترتیب نه تنها بورژوازی خاکم بر لیسیتان را تظہیر میکنند بلکه مبارزه کارگران را نفی کرده و آنرا در خدمت امپریالیسم جلوه میدهند! شیوه عمل کارگران لیسیتان اگر چه بی‌علت محروم بودن آنها از یک رهبری کمونیستی، انحرافات مهمی داشت (مثلاً امکان بهره برداری دادن به لیبرال‌ها و مرتجعین وابسته به امپریالیستهای غربی)، ولی از آنجا شیکد این جنبش مبتنی بر حرکتی نو ده‌ای با خواستهای عمدتاً مشرقی بود، نمیتوان علل آنرا که حادث شدن تضادهای سرمایه‌داری دولتی لیسیتان میباشند، انکار نمود. کاری که روزیونیستهای اکثریت سعی در انجامش دارند حال آنکه در اینجا بوضوح مشخص میشود که در نبرد طبقاتی بین طبقه کارگر و بورژوازی جهانی بین انقلاب و ضد انقلاب، بین خلق و ضد خلق جا بجا و روزیونیستها کجا است؟ آنها در کنار تمامی خاشین به توده‌ها و انقلاب، در صف مرتجعین و امپریالیستها قرار دارند. روزیونیستهای اکثریت تحلیل خود را به همین جا ختم میکنند آنها کمونیستها (این پیگیرترین و آشتی‌نا - بدبیرترین دشمنان سرمایه‌داری) را مورد حمله قرار میدهند که گویا "با ذره بین دنبال چنین خوادشی در سایر کشورهای سوسیالیستی نمیگردند!؟

بر راستی که هرگاه قضایای بیدیهی هندسی ما هم با منافع روزیونیستها در تضاد افتد، آنرا انکار خواهند کرد! آیا انحطاط و کندگی جوامع تحت حاکمیت روزیونیستها بقدر کافی واضح نیست که روزیونیستهای اکثریت آنرا نمی - بینند؟ امروز هر کسی بخواد ندکی در مورد جامعه امپریالیستی روسیه واقعا ریش مطالعه کند، علیرغم تمامی تبلیغات عوام فریبانه‌شان

و جلوگیری از درزاخار در روشی در این کشورها بخارج، بسادگی خواهد توانست دلایل و مدارک کافی در تانند ما هیت سرمایه‌داری این جوامع و انکاسات آن (بحرانها، بیکاری، تورم، سرکوبی توده‌ها و...)، بیابد.

روزیونیستها ادعا میکنند که کارگران مبارز و واعتماد کننده لیسیتان، "عقب مانده - ترین توده‌ها نبوده اند! حال آنکه اولاً گسترش مبارزات بقدری بوده است که تقریباً تمام طبقه کارگر لیسیتان در جنبش اخیر این کشور شرکت داشته‌اند، بنا بر این از پیشرو عقب مانده رانامل میگردند، تا نبا اگر اعتبار خواست شده‌های عقب مانده کارگری بوده، بی‌خواست بیشتر و این طبقه چه بوده و چگونه انکاس یافته است؟ تا لثا، این چگونه سوسیالیسمی است که بعد از ۳۵ سال هنوز کارگرا نش "عقب مانده" هستند؟ روزیونیستهای فدا شنی خواهند توانست جواب این سئوالا را بدهند چرا که با سخ آنها چیزی جز عوام فریبی آنها را بر ملا نخواهد کرد.

جنبش عظیم کارگران لیسیتان اگر چه در شرایط فقدان رهبری کمونیستی دچار انحرافات مهمی بود، ولی با رد دیگر بوضوح نشان داد که سوسیال امپریالیسم شوروی واقعا رشا مروزه تنها برخلاف ادعای روزیونیستها "نمونه زنده سوسیالیسم" و "منبع الهام" کارگران و زحمتکشان جهان نیستند، بلکه درکنسار امپریالیستهای غربی به استعمار و غارت طبقه کارگر و خلقهای ستم دیده جهان میپردازند و به همراه ایسان نیز در جاریوسیدگی تاریخی و احتقار گردیده‌اند، دبیرخواه بوده‌اند زمانی که بر حرم سرخ کمونیسم به اهتزاز در آید و طبقه کارگر چین و خلقهای تحت ستم را بر علیه امپریالیسم جهانی به مبارزه طوفان آسای خویش برخیزند. مبارزه ای که جز با بودی سرمایه‌داریان و تمام مسمی شوکرانسان (از جمله روزیونیستهای خاش) نتیجه‌ای نخواهد داشت!

- (۱) - به شماره‌های ۸۴ و ۸۵ بیکار رجوع کنید
- (۲) - مثلاً طبق همین آمار بیش از ۸۰٪ زمینهای زیر کشت در مالکیت خصوصی دهقانان است کهسه "مزارع بزرگتر از ۷ هکتار بیش از نصف زمینهای تحت مالکیت خصوصی را تشکیل میدهد و ۱٪ این زمینها را مزارع بزرگتر از بیست هکتار تشکیل میدهد." (همانجا) و این در شرایطی است که کسار و رزی کماکان در لیسیتان نقش تعیین کننده ای در اقتصاد دارد. روزیونیستهای اکثریت خود اعتراف میکنند که: "اقدامات بنیادی به ویژه در جهت بهبود کسار و رزی و کسار تیویزه کردن و مکانیزه کردن آن انجام نگرفت." (کار ۸۹) بر راستی چرا در جامعه سوسیالیستی "ادعای روزیونیستها نیا بدیدار زمانها را با بی اقتصاد ای اقدامات بنیادی "مورت گیرد؟

روزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم



جنبش کارگری

بقیه از صفحه ۴ گزارشی...

علاوه بر این کسانیکه به آبادان میروند باید تعهدنا مه ای بپرکنند این تعهدنا مه طوری تنظیم شده است که کارکنان با پرکردن آن گویا از شرکت نفت میخواهند آنرا را بطور موقت سرکار برگردانند و بدین ترتیب بطور غیر مستقیم قبول میکنند از زمانیکه آبادان خارج شده اند، در واقع اخراج گردیده اند! همچنین طبق این تعهدنا مه ها کارکنان متعهد میشوند که در آینده هرگونه تصمیمی که وزارت نفت برایشان بگیرد قبول خواهند کرد بدین ترتیب آنان این اختیار را با زانسته، اخراج ویا جریمه حقوقی نمایند. در پایان اجتماع قطعنا مه ای خواننده شد که به تائید تمامی کارکنان رسیدن آن بدین شرح است:

"ما ضمن پیگیری اجرای قطعنا مه ۸ ماده ای نمایندگان شورای سراسری درتههران، اعلام میکنیم:

۱ - ضمن محکوم نمودن هرگونه تفرقه، جدائی تبعیض میان کارگران رسمی و زیرپوشش، خواهان برخورداری کارگران زیرپوشش و رسمی از مزایای یکسان هستیم.

۲ - بعلت آوارگی و نداشتن سرپناه بویژه در فصل زمستان خواهان اقدام فوری و جدی در مورد تهیه مسکن برای کارگران جنگزده هستیم.

۳ - با توجه به تورم و گرانی و طبق مصوب شورای مزدخواهان استفاده از خواب ویا روجیره هستیم

۴ - ما خواهان اجرای مقررات بازنشستگی برطبق فرمول موجود برای همکارانمان در مناطق غیر جنگی هستیم و محول کردن پرداخت با دهن ما بقدرابه شرایط مناسب و پرداخت مستمری بصورت علی الحساب را محکوم میکنیم.

۵ - اعزامی رویه کارکنان به آبادان آنهم بدین شکل که هیچگونه امنیت جانی ندارند را محکوم کرده و وزارت نفت را مسئول عواقب آن میدانیم.

۶ - ما تعهدنا مه ای را که "سازیرسنل بالانگاه آبادان و خدمات" در مقابل همکاران ما در آبادان فرامیهند و مفهومی جرضیت با سرنوشت و آینده کارکنان ندارد، شدیداً محکوم میکنیم.

۷ - ما ضمن محکوم کردن برخورد های شمشیری و دیگر مسئولین ستاد جنگ زدگان با نمایندگان خواستار برخورد جدی و مسئولانه در جهت پاسخ گوئی به نمایندگان خود میباشیم.

"شورای هماهنگی کارکنان جنگزده مستقر درماهشهر"

هنگامقرائت قطعنا مه فوق، چندتن از هواداران روزیونیستهای اکثریت که از روحیه انقلابی کارکنان وحشت کرده بودند سعی کردند تا مانع خواندن قطعنا مه شوند، اما کارکنان با هشیاری خود مانع آنها موطئه آنان شده و با طرد آنان مشت محکمی بردها ن خائنین به طبقه کارگزرزددند.

روحیه بالای کارکنان و همبستگی آنان با یکدیگر، بیانگر شد آگاهی آنان بوده که بدستی موجدات وحشت مرتجعین گردیده بود. کارکنان انقلابی در پایان برای آنکه توطئه رژیم مبنی بر برپا کننده کردن آنها را خنثی کرده باشند، اعلام کردند که بعد از این هر هفته دوشنبه ها برای تبادل نظر و تصمیم گیری در همان محل اجتماع خواهند کرد.

اجتماع کارکنان

جنگ زده صنعت نفت در شیراز

روز ۵۹/۱۰/۹ اجتماع مشابه اجتماع ما شهردر شیراز برگزار میشود که خواه استهای کارکنان جنگزده آنجا کم و بیش شبیه خواه استهای کارکنان جنگزده ما شهروما بر کارکنان جنگ زده صنعت نفت بود، در این اجتماع که خا نوداه های کارکنان نیز حضور داشتند، نمایندگان کارکنان به افشای برخوردهای فذکارگسری دولت در جواب خواه استهای برحق آنان، پرداختند و گزارش تحسن و گروگانگیری نمایندگان کارکنان جنگزده صنعت نفت درتهران (رجوع کنید به پیکار ۸۹) را به اطلاع حاضرین رساندند.

دفن مردگان

منبع درآمدی برای جمهوری اسلامی

"آستان قدس رضوی" سالانه میلیونها تومان درآمدا رده که از طریق "نایب التولیه" منتخب آیت الله خمینی خرج میشود، یکی از منابع درآمد "آستان قدس" از طریق دفن اجساد در "حن" حرم میباشد. رژیم جمهوری اسلامی پس از قیام بهمن "نرخ" دفن را تا ۴۰ هزار تومان با شین آورده بودند تا ترسندگان که تنه با مشتریان چنین قبرهای گرانی هستند از "فیض" بیشتری برخوردار شوند. سردمداران جمهوری اسلامی که دیدند دنیا بیدار این منبع درآمد بیره کافی نبرد اخیرا شرح دفن در حرم را به ۴۰ هزار تومان رسانیده اند. البته این نرخ هر قدر به حرم نزدیک تر شویم گران تر میشود. از نظر رژیم جمهوری اسلامی "اجرا خرو" نیز با یدنصیب کسان ش شود که در "این دنیا" نیز از زنا ه و آسایش کافی برخوردارند. طبیعی است که رژیم جمهوری اسلامی بنا به ما هیش این بولها را در خدمت منافع طبقاتی اش میگیرد و سردمداران رژیم بخصوص روحانیت که این درآمد ها را در اختیار دارند برای این بولها کیسه گشادی دوخته اند.

اجتماع رانندگان شخصی

در مقابل شهرداری

روز ۱۳ دیماه با نصد نفر از رانندگان شخصی که پروانه کار در خطوط شهری را گرفته اند و در جلوی شهرداری تجمع کردند، این رانندگان روزانه ۱۵ لیتر بنزین ۳۰ ریالی دریافت میکنند و مجبورند ما هیانه ۶۰۰ تومان به شهرداری بپردازند. آنها با اجتماعان خواستار لغو عوارض ۶۰۰ تومان و عرضه بنزین ارزانتر بودند که معاون شهرداری بجای پاسخ مثبتی مطابق معمول سردمداران رژیم شروع به فحاشی کرده و آنها را فذا نقلاب خواند. این اجتماع ساعت طول کشید و با افشگری های رانندگان توام بود.

بقیه از صفحه ۲ تظاهرات...

با ساران عبارت بود از: پلاک تهران - ۳۸۶۷۴ رنگ زیتونی، مدل ماشین شورلت ۴۰۰ آمریکا آری سیا ه با ساران مسئول مستقیم این جنایت است. اما نه شکنجه زندان، نه ترور و نه تیرباران همانطور که در زمان شاه خائنین دیدیم نمیتواند مانع مبارزات دانشجویان انقلابی گردد.

زحمتکشان!

از مبارزات برحق فرزندان راستینتان برای بازگشائی دانشگاه حمایت کنید. دانشگاه این سنگر آزادی به همت توده ها، گشوده با یکرودد.



بقیه از صفحه ۲۹ مصاحبه

بسته نگه داشتن دانشگاه و همچنین عامل خنثی کننده "کلیه تلاشهای گذشته نیروهای مردمی و انقلابی در جهت حل انقلابی مسأله دانشگاه" دانسته است.

البته اگر این موضعگیری را بحساب موضوع دوستان مجاهد بگذاریم (که با دید بگذاریم) باید گفت این اولین بار نیست که از سوی آنها، نیروهای راستین کمونیستی و از جمله ما زمان ما متهم به چپ روی، سکتا ریسم و آنرا ریشم میشوند آنها همواره در برخوردشان با اساسی ترین مسائل جامعه و جنبش، تبدیل ماهیت طبقاتی و درک خرده بورژواژیشان از این مسائل، دچار ناپیگیری بسیار زیاد شده اند که از جمله اند برخورد به هیأت حاکمه و قدرت سیاسی، برخورد با لیبرالها، برخورد با آیت الله خمینی و دیگر سردمداران جمهوری اسلامی، موضعگیری در قبال واقعیه سفارت، انتخابات مجلس شورا، مسأله شوراها، جنبش مقاومت خلق کرد، جنگ ایران و عراق و همکاری با نیروهای کمونیستی و دفاع از آنها... نحوه برخورد دوستان مجاهد و تا کتیک آنها در قبال بازگشائی دانشگاه، نیز بهیچوجه نمیتواند از مسأله فوق جدا باشد، تا کتیک آنها هرچه که باشد، یک مشخصه برجسته در آوان قرار گرفتن این تا کتیک در چارچوب مشروعیت رژیم جمهوری اسلامی است و تا زمانی که مجاهدین خود را از زندان این چارچوب خلاص نگینند، برخلاف آنچه مدعی هستند که در به "حل انقلابی مسأله دانشگاه" نبوده و نخواهند بود، از همین رو تصادفی نیست که مجاهدین این تا کتیک کمونیستها و اقدام آنها به راه هیمائی ۲۳ دی را اقدامی مضر بحال بازگشائی دانشگاه و خنثی کننده تلاشهای گذشته نیروهای مردمی و انقلابی بدانند و من بنویسه خود را دوستان مجاهد سوال

میکنم که برای توده های هوادار دمکرات و انقلابی خود و دیگر نیروهای انقلابی توضیح دهند که منظور از "تلاشهای گذشته نیروهای مردمی و انقلابی" که در اطلاعیه فوق آمده چیست؟ اگر منظور مقاومت در قبال تعطیلی دانشگاه و توطئه "انقلاب فرهنگی" است، که این مسأله ای است مربوط به نیروهای کمونیستی که چند روز متوالی در برابر یورش وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی مقاومت کردند و دشمنان ترسناک شجوهی آنان را بسته و برای مطمئن ساختن هیأت حاکمه اعلام کردند که بیا بپندوبینند که شما دست از پا خطا نکرده اید! و اگر منظور آنان از این تلاش چیز دیگری است که با دید گفت ما از آن بی اطلاع هستیم و بیا بدانند دوستان مجاهد خواهست که منظور خود را از این تلاش برای ما و دیگر نیروهای انقلابی و توده های مردمی بگویند.

نکته آخری که با یادافه کنیم این است که دوستان مجاهد، برای حفظ موضع انقلابی و دمکراتیک خود، بجای جزم زبندی باگرایشات عمیق لیبرالی خود در اساسی ترین مسائل جامعه و جنبش ننندارند. نشستن میان دو ضد لسی نمیتوانند و ما بیا بدوما بنویسه خود خواهست از آنیم که دوستان مجاهد در کنار نیروهای راستین جنبش کمونیستی و در مقابل لیبرالها و کسب هیأت حاکمه بنویسیم، امیدواریم که این خواست تحقق یابد.

توضیح و تصحیح:

در پیکار شماره ۸۹، صفحه ۲۲، عکسهای دور فیک شهید تفکری و فتوحی اشتباها با جابجا چاپ شده است.

همچنین سال شهادت در فیک صد بقره را شعی دیماه سال ۵۴ بوده که بدینوسیله تصحیح میگردد.

بقیه از صفحه ۵ حماسه
حزب دمکرات نیز بیاری اهالی روستا و پیشمرگان ما شتا فتند حدود ساعت ده و نیم صبح با سداران و جاشها پیشروی بطرف روستا را آغاز کرده و در ابتدای ده چند خانه را که نزدیک به تپه محصل استقرار خودشان بود با زرسی کردند. در اولین هنگام ما که با مورد حمله وسیع و همه جا نهم مردم و پیشمرگان قرار گرفته و با رانی از آتش و گلوله برسرا آنها با رسیدن گرفت. دشمن سرا سیمه و وحشت زده که شتظار چنین مقاومت جانانه ای را نداشت عقب نشینی نمود و دهها کشته و زخمی از خود بجای گذاشت خبر آغا زدرگیری در ایندر قاش بسرعت در تمام منطقه پیچید و اطلاعیه های مکرر را دیومها با دینیز باعت پخش هر چه بیشتر آن کردید. صدها نفر از زحمتکشان مسلح از روستاهای مناطق محال "شاوران" (شهر ویران)، "شامات" شلدوز "بسیوی ایندر قاش بحرکت درآمدند. تا بان دیگر اتحاد و یکپارچگی زحمتکشان را در برابر نیروهای سرکوبگر رژیم نشان دهند این مقاومت کم نظیر توده ای تا ساعت ۳/۵ بعد از ظهر ادامه یافت همزمان با این درگیریها یکستون ارتشی شامل ۳ فروند تانک و چند زره پوش و ۴۲ خود رو از رومیه به ما با اعزام شد. ۳ فروند هلیکوپتر جمهوری اسلامی بر فراز روستای ایندر قاش در پرواز بودند و منطقه را با راکت میکوبیدند.

دشمن سرانجام در مقابل مقاومت محدودیک پارچه مردم و پیشمرگان قبل از تاریک شدن هوا مجبور به عقب نشینی گردید. مقاومت قهرمانان روستا شیان ایندر قاش دوش به دوش پیشمرگان و شرکت وسیع زحمتکشان چندین منطقه در آن روحیه مبارزاتی مردم را بسیار بالا برده است و همه جا مردم با شوراها و هیجان از آن یاد میکنند (ضمیمه خبرنا مه ۱۰۲ کومله)

تحت فشار رگزاردن رژیم برای قطع فوری جنگ و تا مین زندگی و از جمله تا مین ممکن مناسبت لازم است و با یستی شوراها و اوقتی خویش را در هر محل تشکیل داده و با تمام با سا پرشوراها، شوراها و هماهنگی (سراسری) آوارگان جنگ را تشکیل دهند تا از این طریق بتوانند حقوق مسلم خود را از حلقوم رتجاع در آورند.

زحمتکشان آواره!

در حالیکه شما از نداشتن حداقل سرپناهی در غذا بیدور رژیم ضد خلقی با وجود اینکه همه هتل خوابگاهها، باشگاهها و ساختمانهای بزرگ سرما به داران وابسته دولتی، حاضر نیست به شما خانه بدهد تنها راه، اقدام مستقیم خود شما برای تصرف و مسأله این اماکن میباشد. شما با یستی بسا یک شتا سایی حساب شده متحده نه و هماهنگ دست به اشغال ساختمانهای بزرگ سرما بیداران و دولت و باشگاهها، هتلها و... بزنید تا از این در بدری در زیر برف و باران و سرمای طاقت فرسای زمستان نجات پیدا کنید.

بقتل با اختصار از "فریاد آوارگان" (کمیته خوزستان)

ندانند. آنان میداند که ما هیئت رژیم در بر وجود ما هشر، راهبر، بهیمن، اصغان، شیراز با جیرفت و جهرم نجف آباد و... هیچ فرقی نمیکند رژیم که دهها و صدها هتل و ساختمانهای بزرگ را (که در شهرهای مختلف در حال خاک خسوردن هستند)، حاضر نیست در اختیار آوارگان قرار دهد رژیم که در مقابل پیشنها آوارگان در نظران که در هتل رویال زندگی کنند، مطرح میکنند شما هتل را کثیف میکنند! مسلمانان در برابر جیرفت و... نیز مسکن و امکانات مناسبی برای آوارگان تدارک نخواهد دید.

و به همین دلیل است که توده های جنگ زده دیگر گول فریبکاریهای رژیم را نخورده و هیچگونه اعتمادی به وعده و وعیدهای توخالی او ندارند و متحدان شما میدهند: "ما به جیرفت نمی رویم"

بسیاری از آوارگان در مقابل فشار و تهدیدات پاسداران و ماموران رنگ و وارنگ رژیم متحده نه دست به مقاومت زده و در مقابل هیچ فشاری حاضر به تخلیه اماکن مسأله شده نگردیدند. آوارگان برای احقاق حقوق خویش و برای

بقیه از صفحه ۱۶ مسکن

هیچ قدمی برنداشت بلکه آنجا نیز که توده ها بدرستی دست به مسأله ها ساختنهای خالی زده بودند آنها را برای تخلیه این اماکن تحت فشار قرار داد. رژیم با قطع آب و برق بروی آوارگان با زکردن شیرکا زخوابگاه محل سکونت آنها، باز کردن آب زیر آنها، قطع جیره غذا و سوخت، انداختن اوباشان به جانشان و وارد آوردن انواع واقسام فشار به آنها سعی کرد زحمتکشان جنگ زده را از نداشتن سرپناهی که بپای خود دست و پا کرده بودند، محروم سازند و ملی مقاومت سرخسختان آوارگان و افشای این اعمال جنایت - کارانه در نزد سایر توده ها رژیم را بیش رسوا ساخته و مجبور به عقب نشینی کرده و لسی ارتجاع از در دیگری در آمده و سعی کرد بسا تبلیغات مزورانه در وصف محاسن اردوگاهها و جیرفت و... توده های جنگ زده را به تبعیدگاهها دسته جمعی بیا بانی "بکشا ندود آنجا به خیال خام خود و از چشم مردم هر بلانی خواست برسرا بیاورد. آری دیگر حنای رژیم برای آوارگان رنگی

مصاحبه پیکار و ۱۳ آبان با رفیق حسین روحانی،

عضو کادر رهبری سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر، درباره:

بازگشائی دانشگاه و راهپیمائی ۲۳ دی

توضیحی برای خوانندگان نشریه ما دارید؟
رفیق روحانی: سوال شما را باید به چند بخش نموده و به هر یک جداگانه پاسخ داد، در مورد اینکه برگزاری راهپیمائی روز ۲۳ دی، در ارتباط با چه تحلیلی از شرایط و وضعیت سیاسی کنونی است، قبلاً باید بگویم که کمونیستها از حرکت تاریخ و تحولات جامعه و سطح مبارزه طبقاتی توده‌ها، درک ما دی داشته و نه تنها تئوری، برنامها و استراتژی خود را مبتنی بر جنبه علمی این حرکت و تحولات، تعیین میکنند، بلکه در تعیین تاکتیک، شیوه مبارزه و اشکال مختلف سازماندهی جنبش نیز، حرکت خود را منطبق بر عینی وقایع قرار میدهند و با هرگونه حرکت چپ روانه و آنا رهیستی از یکسو و با هرگونه حرکت عقب مانده و دنباله‌روانه از سوی دیگر مسرزه بندی می نمایند. بعنوان مثال، تاکتیک کمونیستها در مبارزه با اشکال مختلف مبارزه استفاده از شیوه‌ها و اشکال مختلف سازماندهی جنبش توده‌ای، نحوه و میزان استفاده از شرایط و امکانات علمی، میزان عقب نشینی و یا تعرض و تنها چمدن قبایل سرکوب جنبش توده‌ای توسط دشمن و چگونگی استفاده از شعارهای ترویجی و یا تبلیغی و... در شرایط رکود و یا ثبات بودن سطح جنبش توده‌ای، با شرایط اعتلا انقلابی و رشد و گسترش جنبش توده‌ای و این هر دو با شرایط موقعیت انقلابی تفاوت میکند.

حال باید به این سوال پاسخ دهیم که ما در چه شرایطی از وضعیت دهگان فوق هستیم و وضعیت این است که جنبش دمکراتیک و فدا میریالیستی خلقهای ایران، علیرغم تمام قهرمانیها و جان فشا نیهای خود بدلیل نبود هدف مستقیم پرولتاریا و ضعف جنبش کارگری و کمونیستی نتوانست منجر به حاکمیت پرولتاریا و زحمتکشان گردد و بورژوازی لیبرال و خردمند بورژوازی مرفه سنتی توانستند با کمک مزدن بر امواج جنبش توده‌ای، آنرا از حرکت پیشرونده و توفنده خود با زداشته و آنرا به کجراه بکشانند و از این طریق سیستم سرمایه داری و بسته را از ضیافت کاری توده‌ها محفوظ بدارند. با اینکه جنبش انقلابی ما برخلاف آنچه که بعد از ۲۸ مرداد ایران ویا پس از فدا انقلاب استولینینی در ۱۹۵۷ در روسیه اتفاق افتاد، دچار رکود و توقف نگردید و علیرغم تمام قهرمانیها، توهامتی که برای توده‌ها نسبت به حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی بوجود آمد، از

آگاهی انقلابی بدست ارتجاع و دارودسته دانشجویان وابسته به آن گردد. طبیعی است که ارتجاع و در اینجا رژیم جمهوری اسلامی نیز بطور متقابل، بعنوان جزئی از برنامها سرکوب خود سعی دارد، بهترین ترتیب که شده بین سنگر و به قیمت خون تمامی شهدای خلق و شکنجه و زندانی شدن هزاران دانشجویان و کارگران و زحمتکشان مبارزان را زنگشده شده، از دست انقلابیون و کمونیستها با زپس گیرد، همایطور که کوشیده و میکوشد از اینجا دور شد تا زمانهای توده‌ای نظیر شوراها و واقعی کارگری و دانش آموزی و... نیز بشدت جلوگیری نماید. خود شما و دانشجویان رزمنده و قهرمان ما حملات مکرر رژیم جمهوری و ارگانهای سرکوب آنرا به دهانگاه و دفاع تر سیاسی دانشجویان کمونیست و انقلابی و بویژه در اول اردیبهشت امسال را با خفا طردا رید و طبیعتاً این وظیفه شما و دیگر همزمان شما و تعامی توده‌های تحت ستم بود که از این سنگر آزادی دفاع کنید که قهرمانان نیز دفاع کردید.

مکتبهای که با بدینجا روی آن تکیه کنیم، این است که با زنگشائی دانشگاه از دیدگاه ما برخلاف آنچه که لیبرالها و رویزیونیستها بر اساس آن حرکت میکنند، نه بخاطر ترس نیست بوروکراتها و تکنوکراتهای آما ده به خدمت برای بورژوازی، بلکه همایطور که گفتیم، بعنوان مرکز فعالیت علمی، سیاسی و آگاهگران و سنگر مبارزات فدا میریالیستی و فدا رتجاع کنونی دانشجویان انقلابی و یاری دهنده مبارزات دمکراتیک و فدا میریالیستی کارگران، زحمتکشان و خلقهای تحت ستم میباشند. این نکته‌ای است که شما باید در نشریه و چه در شمارها، آنرا برجسته نموده و برای توده‌های دانشجویی و زحمتکشان، آنرا توضیح دهید.

پیکار: همایطور که اطلاع دارید، رژیم جمهوری اسلامی و تمامی جناحهای حاکم از حزب جمهوری و لیبرالها، و همچنین رویزیونیستهای خائن "توده‌ای" و "اکثریتی"، اقدام سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار و دیگر تشکلات دانشجویی کمونیستی را در مورد راهپیمائی و تظاهرات ۲۳ دی، اقدامی در جهت ایجاد آشوب و تشنج و برآهاندن آخن جنگ داخلی قلمداد نمودند. سوال من از شما این است که این اقدام در رابطه با چه تحلیلی از شرایط و وضعیت سیاسی صورت گرفته و در این مورد در قبال آنها ما تارتجاع و همدستان آن چه

هموطنان مبارز! همایطور که اطلاع دارید روز ۲۳ دی سالروز بازگشائی دانشگاه بوده است دانشجویان و استادان رزمنده و توده‌های انقلابی خلق، راهپیمائی از سوی سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار و دیگر تشکلات دانشجویی کمونیستی (دانشجویان و دانش آموزان هوادار سازمان رزمندگان - دانشجویان پیشگام) تدارک و برگزارد کردید. با توجه به اهمیت سیاسی این راهپیمائی و نتایج که در برداشت، ما بر آن شدیم که با یکی از رفقای کارگر رهبری سازمان رفیق حسین روحانی که برای جنبش کمونیستی و انقلابی ما چهره برجسته و شناخته شده‌ای است، در این زمینه مصاحبه‌ای بعمل آوریم. آنچه در زیر میاید متن مصاحبه‌ای است که خبرنگاران ما با رفیق روحانی بعمل آورده‌اند.

تحریریه پیکار ۱۳ آبان

۱۳ آبان: رفیق روحانی، اولین سوال من درباره مسأله بازگشائی دانشگاه و ارتباط آن با جنبش انقلابی دانشجویی بطور خاص و با جنبش توده‌ای بطور عام است. در این مورد اگر توضیحی دارید به ما بدهید.

رفیق روحانی: جنبش انقلابی دانشجویی در میهن ما سابقه‌ای بس طولانی و پرافتخار دارد، این مبارزه قبل و پیش از آنکه جنبه منفی داشته باشد جنبه سیاسی داشته و همواره از زمان ابتدا تا بحال، بعنوان بخشی از جنبش دمکراتیک و فدا میریالیستی توده‌های تحت ستم ما و در پیوند دائمی و همیشگی با آن بوده است. متقابلاً این جنبش بدلیل خصلت انقلابی و دمکراتیک خود، همواره از حمایت و پشتیبانی وسیع زحمتکشان و خلقهای تحت ستم برخوردار بوده است. خود شما و رفقایان، بیش از من شاهد بوده و هستید که چه در دوران حکومت رژیم منگور و چه در مقطع قیام و دوره حاکمیت جمهوری اسلامی، چگونه دانشجویان انقلابی، مبارزات پر شور و گسترده‌ای را چه در عرصه جنبش دانشجویی و چه در پیوند آن با جنبش توده‌ای در من زده و میزنند و با همه ما شاهد بودیم که چگونه این مبارزات، از سوی زحمتکشان آگاه و انقلابی مورد حمایت و پشتیبانی قرار میگرفت.

و اما جنبش انقلابی دانشجویی، میبایست از تمامی امکانات و وسایلی که در اختیار دارد و از آنجمله دانشگاه بعنوان سنگری در برابر دشمن استفاده کند و تا آنجا که در توان دارد مانع از افتادن این سنگر آزادی و کانون

علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد پیکار توده‌ها

همان فردای قیام به این طرف، جنبش بوده ای درمثنی از اعتلای انقلابی قرار داشته است و هر روز که از عمر جمهوری اسلامی میگذرد و با فرو ریختن توم هر چه بیشتر توده ها، جنبش توده ای اوج بیشتری میگیرد و چشم انداز جنگ داخلی را که البته از هم اکنون در گوشه ای از ایران یعنی در کردستان قهرمان نیز جریان دارد، برای ما تصویر میکند.

در چنین شرایطی از وضعیت سیاسی و در چنین مثنی از اعتلای انقلابی است که باید تا کتیک ما در قبال دشمن، خصلت تعرضی داشته باشد نه ستانده ای، ما هم اکنون، بویژه پس از شروع جنگ ایران و عراق در شرایطی بسر میبریم که پیش از هر موقع دیگر رژیم را بحران سیاسی و اقتصادی فرا گرفته و فقر و فلاکت توده ها و نارضایتی آنها در حال افزایش است و به سرعت آنان را در مقابل رژیم جمهوری اسلامی قرار میدهد. در چنین شرایطی از رشد و گسترش جنبش توده ای و عجز رژیم زتامین خواستهای اساسی توده ها و ناتوانی وی در تثبیت قدرت سیاسی خود و سرکوب متمرکز جنبش توده ای، ایجاب میکند که توده ها و بویژه بیرولتا را هر چه وسیعتر و گسترده تر آگاهی انقلابی داده و جنبش مبارزاتی - آنان را از نظر شکل و مضمون ارتقاء داده باید آلترنا تیکو کمونیستی را وسیعاً بمیان توده ها برد و نه تنها آلترنا تیکوهای ارتجاعی حاکم، یعنی حزب جمهوری و لیبرالها و همدستان روئیزیونیست آنها، یعنی توده ایها و اکثریتی ها را برای توده ها افشا و طرد کرد، بلکه حتی ضروری است تا با جریانات دمکرات تا بیگیری چون مجاهدین که با درک انتقادی و دوا لیستی خود، میکوشند با اصلاح راه حل سومی را میان سرما یه داری و سوسیالیسم عرضه کنند، میسازد ایدئولوژیک نمود، در چنین شرایطی، کمونیستها و طبقه دارند، تعرض و کوشش خود را برای ایجاد حزب طبقه کارگر و کسب قدرت سیاسی در این مرحله صدچندان کنند و برخلاف دوران رکود که دوران عقب نشینی منظم است، بیشروری خود را شروع کرده و حملات و سرکوب دشمن را تحقیر و جو خفکان کنونی را بشکنند، راهیما سوسی و تظاهرات ۲۳ دی، نمونه ای از این قبیل است و باید این تاکتیک را در سایر عرصه ها و بویژه در عرصه جنبش کارگری بکار گرفت، ضرورت رهبری جنبش توده ای توسط کمونیستها، جنبش مساله ای را بشدت از کمونیستها طلب میکند و هر گونه برخورد انتقالی با آن، عقب ماندگی ما را در مقابل جنبش توده ای افزایش خواهد داد.

و اما در مورد ایجاد آشوب و تشنج و ایجاد جنگ داخلی که رژیم و روئیزیونیستها ما را بسندان متهم میکنند باید گفت که در این باره نیز رژیم این حربه را از ما می مرتجعین تاریخ و رژیم شاه به ارث برده است. رژیم شاه نیز کمونیستها و نیروهای انقلابی را که هدفی جز مبارزه با امپریالیسم و رژیم سرما یه داری و بسته

نداشتند "خرابکار" میخوانند. کمونیستها هیچگاه طرفدار جنگ نبوده و آشوب طلب نیستند، ایسن نیروهای ارتجاعی و رژیمهای سرمایه داری هستند که با استثمای رشدیدار و زحمتکشان و غارت هشی آنها، جنگ را بر آنها تحمیل می کنند، بیرولتا ریا و توده های تحت ستم در برابر دشمنان تا دندان مسلح خود هیچ چاره ای جز دست بردن به سلاح و جنگ با آنها ندارند، این کارگران بیکار و در دو اندیشک نیستند که آشوب طلب و جنگ طلبند، این رژیم جمهوری اسلامی است که با "عدل" سرما یه داری خود سبب بیکاری کارگران و خانه خرابی و دست آفرینش آنان میشود، این خلق رزمنده گرد نیست که خواهان جنگ داخلی است، بلکه این رژیم جمهوری اسلامی است که میخواهد تمام دستاوردها را که این خلق قهرمان در طول قیام بدست آورده بزرور سرتیبه پس بگیرد و با کشتار و سرکوب خلسق کرد، جنگ مقاومت را بر آنها تحمیل میکند. دانشجویان و دانش آموزان انقلابی آشوب طلب و خواهان جنگ داخلی نیستند، آنها خواستار با زکشی دانشگاه و آزادی فعالیت سیاسی این حق مسلم خود هستند، این رژیم جمهوری اسلامی است که با ممنوعیت هر گونه تحصن و تظاهرات و با یخون کشیدن تظاهرات آرام دانشجویان و دانش آموزان، جنگ را بر آنها تحمیل میکند و این درست در شرایطی است که رژیم جمهوری اسلامی در هر هفته و با هر روز راه - بیمائی ها و تظاهرات زیاده ای را با شرکت دادن توده های نا آگاه و بی عمل و مزدور و بیسازگار میاندازد. منطق رژیم جمهوری اسلامی در واقع چنین است: راه بیمائی و تظاهرات بسراسر طرفداران من آزاد و برای مخالفین من ممنوع و اگر مخالفین دست به اینکار بزنند، آشوب طلب و جنگ طلب هستند! اما مرتجعین این نکته اساسی را نمیخواهند درک کنند که توده ها مهره شطرنج نیستند و حاضر نیستند برای همیشه تن به بردگی و استثمای ربه دهند و از زمین روانها به مساله جنگ داخلی یعنی جنگ سرنوشت با دشمنان طبقاتی شان، بعنوان یک مساله اجتناب نپذیرند که از سوی دشمن به آنها تحمیل شده نگاه میکنند و از ایترونا گزیرند که خود را برای آن آماده کنند، آماده برای نابودی بورژوازی بصورت قهرآمیز و استقرار کمیت خودشان.

بعنوان آخرین نمونه همین راهیما شی ۲۳ دی را در نظر بگیرید. رژیم کوشید از همان ابتدا با تبلیغات دروغین و عوام فریبانه خود زمینه سرکوب خونین این تظاهرات را تحت عنوان اینکه کمونیستها میخواهند مسلحانه به دانشگاه حمله کنند و...، فرا هم سازد و آنها را تصور کند که به میدان آوردن پاسداران و عمال مزدور خود و با حمله و خشونت به راهیما یان، این تظاهرات را بخون کشید و تعدادی بسیار زیاد را دستگیر و روانه زندان ساخت. آری این است مفهوم آزادی و دمکراسی جمهوری اسلامی و این است مفهوم آنها را دروغین و وقیحانه این رژیم

کمونیستها در باره آشوب طلبی و برآه انداختن جنگ داخلی!

پیکار: رفیق روحانی، شما منظور که اطلاع در سید رژیم و قیام نه کوشید با "آمریکائی" خواندن سازمان پیکار و با طرح این مساله که سازمان ما و دیگر نیروهای کمونیستی میخواهد در شرایط جنگ ایران و عراق، جو آشوب و تشنج بوجود آورده و جنگ داخلی را در ما بزنند، کوشید تا جو تبلیغاتی وسیعی را بر علیه کمونیستها و بویژه سازمان ما در ما بزنند، میخواهم نظر شما را راجع به این تبلیغات، دلایل و تا شیر عملی آن بدانم.

رفیق روحانی: ترس و وحشت رژیم از این راه - بیمائی، مساله قابل پیش بینی ای نبود، اتفاقاً خدا بین ترس و وحشت رژیم جمهوری اسلامی و بدست و پا افتادن ارگانهای تبلیغاتی و سرکوب آن ولجن پراکنی ها و آنها را متوجه نشدند و سراپا دروغینی که به سازمان ما و دیگر گروه های کمونیستی نسبت داد، بیان نگار این است که تیر ما که ملا به هدف ما مبتکرده است، رژیم کوشید با متهم کردن سازمان ما و دیگر نیروهای کمونیستی به وابستگی به "شرق و غرب" و "امریکائی" خواندن ما و از تبلیغات و نفوذ انکارنا پذیر ما - رمان توده ها بگا هدونا نیما با وارد ساختن چنین اتهاماتی به ما زمینه را برای سرکوب و یخون کشیدن این راهیما شی و موجه جلوه دادن آن در نزد توده ها فراهم سازد و شایدهم از این طریق ما را از انجا چنین راه - بیمائی و تظاهرات با صلاح بترساند!

در مورد اصطلاح "امریکائی" خواندن سازمان ما باید گفت این اولین بار نیست که کمونیستها متهم به چنین چیزهایی میشوند. کمونیستها و تمامی نیروهای انقلابی در تاریخ، مورد اتهام سرما یه داری و نظامهای ارتجاعی بوده اند. چرا راه دور بریم، مگر همین رژیم شاه در طی سال های اخیر، ما و دیگر نیروهای انقلابی را که هدفی جز مبارزه با امپریالیسم و سیستم سرما یه داری و بسته و دفاع از منافع زحمتکشان نداشتیم، "خرابکار" و "وابسته به بیگانگان" نامیخوانند. ما هم منظور که از رژیم شاه انتظار داریم یا و کوشیدند که رژیم ما را از انجا چنین راه - بیمائی نیز که سردمداران آنرا لیبرالها و مرتجعینی چون بازرگان، بنی صدر و بهشتی و رفسنجانی و رجائی تشکیل میدهند، نباید انتظار بریزان را در این اباطیلی جزا بینها را داشت. این اباطیل شایسته خود آنها و شایسته کسانی است که در زمان رژیم شاه با کارخانه دار بودند و در اوج مبارزات توده ها، سعی داشتند لاشه یوسیده سلطنت را همچنان حفظ کنند و با داخل و خارج از کشور سردر آخور خود داشتند و با درارگانهای آموزشی و سرکوب رژیم آریا مهری کمر به خدمت بسته بودند و هم اکنون تمامی آنها به استثمای کارگران و زحمتکشان و با زسائی سیستم سرما یه داری و وابسته به امپریالیسم

اشغال دارند، این اتهامات و این لجن -
براکنی ها هیچگاه در من نیروهای رزمند و
انقلابیون جان برکفی را که هیچگاه ناندیشه
جدابدن از توده ها و منافع آنها را در نظر
نبروراندند، آلوده نخواهد ساخت. و این اتهامات
دشمن، خوددلیل و سند قاطعی است بر حقانیت
راه و آرمان والای آنها، بدون تردید توده ها
این باطل را بی پاسخ نخواهند گذاشت و در
جریان یک مبارزه قطعی و سرنوشته ساز رژیم
جمهوری اسلامی، این رژیم فاسد و منافع سیستم
سرمایه داری و وابسته را به زباله دانی تاریخ
خواهند انداخت.

پیگار: رفیق روحانی، بنظر شما دلایل تکیه
اطلی رژیم جمهوری اسلامی و تمامی ارگانهای
ارتجاع روی سازمان بیکار رولجن بر اکتسی
علیه آن چیست؟

رفیق روحانی: آنجا که کمونیستها مدافع
واقعی منافع طبقه کارگر و زحمتکشان و سرسخت
- ترین دشمنان بورژوازی و طبقات ارتجاعی
هستند، همواره مورد اتهام رژیمهای سرمایه
داری قرار دارند. رژیم جمهوری اسلامی نیز
بعضی دشمن کارگران و زحمتکشان و توده های
تحت ستم و بیچارگان رژیمهای سرمایه داری
همواره کینه و دشمنی آنکار خود را نسبت به
کمونیستها ابراز داشته و از همان ابتدا یکدم
از سرکوب و کشتار آنان غافل نشده است.
دشمنی و حملات بیابانه رژیم جمهوری اسلامی به
سازمان ما نیز در همین رابطه قابل توضیح است.
این واقعیتی است که سازمان ما با پشتوانه
ارزشمند مبارزات ۱۵ ساله خود و با توجه به
پتانسیل و ظرفیت انقلابی و مواضع پیشرو خود
تاکنون بیش از هر نیروی کمونیستی دیگر
توانسته است به افشای ماهیت رژیم جمهوری
اسلامی و مبارزه علیه آن بپردازد و با توجه به
امکانات و ظرفیت خود، بمیان توده ها رفته و به
آگاهی انقلابی آنان بپردازد و مبارزات آنان
را در عرصه های مختلف در اینجا و آنجا هدایت
نماید. این نقش بویژه پس از شروع جنگ ایران
و عراق و اتخاذ مواضع اصولی و پرولتری سازمان
در این زمینه و بردن آنها بمیسمان
زحمتکشان و مبارزه با نظرات و مشی های انحرافی
و رویزیونیستی در این مورد، بسیار زیستوری
داشته است، افزایش نا رضایی و فقر و فلاکت
توده ها و در همین رابطه و جگیری جنبش توده ای
و اتخاذ کتیکهای انقلابی و شعارهای مناسبی
که منافع زحمتکشان را منعکس میکرد و بویژه
فصلت تعرضی و تهاجمی این تاکتیکها و استقبال
سازمان، با تمامی ضعفها و کمبودهایش از رشد و
گسترش جنبش توده ای، تنها ما عواملی بودند که
سازمان را بیش از هر موقع دیگر برای توده ها
مطرح ساخت و این خود کافی بود که رژیم را در
موضع تدافعی قرار داده و وحشت زده و نگران
به لجن بر اکتسی علیه سازمان ما بپردازد.

آبان: ارزیابی شما از برگزاری این

راهیمانی و میزان موفقیت آن با توجه به
هدفهای مورد انتظار چیست؟

رفیق روحانی: ارگانهای تبلیغاتی رژیم،
سپاه پاسداران و کمیته مرکزی کوشیدند تا برای
توده ها اینطور وانمود سازند که گروههای مسلح
در نظر دارند به دانشگاهها حمله کنند. رژیم
جمهوری اسلامی با آرزوی توده ها دادن اهداف
برنامه را هیمائی ۲۳ دی، زمینه را برای تجمع
پاسداران و فعالانهای حزب الهی برای جلو
گیری از اجرای راهیمانی و سرکوب تظاهرات
فراهم ساخت و هما نظر که شا هدیه ویدای ابتدای
روز ۲۳ دی، دسته دسته پاسداران همراه لباس
شخصی و دیگر مزدوران و عمال جمهوری اسلامی
همراه با وسائل و اسلحه سرد و گرم جلوه دانشگاه
جمع شدند و با فحاشی به کمونیستها و سازمان
ما و دادن شعارهایی بتفخ آیت الله خمینی و
دیگر سردمداران رژیم جمهوری اسلامی، زمینه را
از هر جهت برای جلوگیری از برگزاری مراسم
راهیمانی فراهم ساختند. و واقعاً هم ارتجاع
انتظار داشت که با چنین تمهیداتی بتواند
سازمان را وادار به عقب نشینی نماید. اما در ساعت
مقرر برخلاف انتظار دشمن دهها هزار نفر از
دانشجویان و دانشآموزان انقلابی و زحمتکشان
آگاه و رزمنده در اطراف دانشگاه گرد آمدند و
بذون کوچکترین توجهی به اعلامیه منع تظاهرات
و تحمیل و زارت کشور و حملات حزب الهی ها، آماده
برگزاری راهیمانی بودند. اما علیرغم تغییر
برنامه که به طبع مشکلاتی را بدنبال داشت و
علیرغم تمامی تهدیدات دستگیری و سرکوب و
ضرب و شتم تمامی پاسداران و عمال ارتجاع،
راهیمانی با شرکت بیش از ۵ هزار تن از
هموطنان رزمنده و انقلابی ما صورت گرفت و این
خود با توجه به تمامی کوششها، تمهیدات،
تمهیدات و سرکوب دشمن در نوع خود موفقیت
بزرگی را برای نیروهای شرکت کننده و از جمله
سازمان دانشجویی و دانشآموزی ما بود و این
یکبار دیگر درستی تاکتیک ما را در برگزاری این
تظاهرات و نمونه های مشابه آن و جنبه تعرضی و
تهاجمی آنها و تحقیر هرگونه تهدید و سرکوب
دشمن به اثبات رساند، امری که با بدای جمع -
بست نقاط قوت و ضعف این راهیمانی و
تجربیات حاصله از آن در سایر موارد نیز از آن
سود جست.

آبان: رژیم جمهوری اسلامی و رویزیونی
- نیستها را از منظر مبارزه با لیبرالها و
دانشجویان مسلمان هوا دار ما هدین، ما را
آنان چیست و کتا ریست نامیدند، نظر شما در این
مورد چیست؟

رفیق روحانی: هما نظر که قبلاً گفتیم رژیم
جمهوری اسلامی بلافاصله پس از اعلام راهیمانی
روز ۲۳ دی از سوی سازمان دانشجویان و دانش
- آموزان بیکار و سازمانهای دانشجویی
کمونیستی کوشیدند تا تبلیغات سراپا دروغین
و اتهامات و قیحا نه و از آنجمله متهم کردن ما به
همکاری و پشتیبانی از لیبرالهای خائس

مضمون و اهداف این راهیمانی را در توده
توده ها و آرزوی توده ها و با ملاحظه ما را منزوی
سازد. در این مورد ما مندرسیاری از موارد دیگر،
رویزیونیستها نیز با هیات حاکمه همدا شدند و
اظهار داشته که این نیروها یعنی کمونیستها از
جنبه محافظ لیبرال حمایت میشوند. حال آنکه
مسئله همانند روز روشن است و توده ها خود
بدرستی میداند که ما لیبرالهای خائن را بخشی
از هیات حاکمه ارتجاعی دانسته و آنها را در
تمامی جنبات رژیم جمهوری اسلامی و از جمله
سرکوب خوسین جنبش انقلابی خلق کرد، کشتار
کارگران بیکار در رود و اندیمشک، اعلام
کمونیستها و انقلابیون، سرکوب و بخون کشیدن
دانشگاه در اردیبهشت ۵۹ و بستن آن شریک
میدانیم و از همین روشها ما نه مبارزه بر علیه یک
جناح، بلکه مبارزه علیه هر دو جناح حکومت و از
آنجمله لیبرالهاست. و شعار "علیه حزب جمهوری
علیه لیبرالها، روزه با دیکار توده ها" که بر
درودیا و زهر و در صفحات نشریات ما بطور
برجسته ای چشم میخورد جلوه ای از این واقعیت
میباشد و از همان نظر که در پاسخ به سوالات قبلی
شما اشاره کردم، موضع ما در قبال بازگشایی
دانشگاه نیز در اساس آنجمله مورد نظر لیبرالها
در این باره است تفاوت دارد. گویا با رزمین
مسئله، موضع گیری لیبرالها در قبال این
راهیمانی است. روزنامه میزان، ارگانیان
لیبرالهای مرتجع روز بعد از راهیمانی به
نقل از خبرگزاری پارس، طرح بازگشایی
دانشگاه را از سوی گروههای کمونیستی بیکار
توطئه خوانده و از همین گروهها بعنوان گروه
- های "چپ آمریکا" نام میبرد.

اما در باره رویزیونیستها با یدافه کنیم
که مسئله اینها فقط به لجن بر اکتسی و اتهامات
دروغین و تحریم و محکوم ساختن این تظاهرات از
سوی آنها محدود نشده. هما نظر که خود شما نیز
شا هدیدید، رویزیونیستها "توده ای" و "اکثریتی"
بطور فعال چه در تبلیغات علیه ما و چه همکاری
با پاسداران و عمال ارتجاع و رخنه میان صفوف
و برهم زدن آن و حملات به شرکت کنندگان در
تظاهرات، نقش خود را بعنوان نوکران بی مقدار
بورژوازی حاکم نشان دادند و این یکبار دیگر
نشان دهنده این است که رویزیونیستها و
دشمنان قسم خورده ما رگسیم. لنینیسم،
پرولتاریا و همداستان صمیمی بورژوازی هستند.
در باره موضع سازمان ما هدین، آنچه من
تا این لحظه از آن اطلاع دارم من اطلاعیه ای
است که از سوی "اتحادیه انجمنهای دانشجویان
مسلمان دانشگاهها و مدارس عالی" و وابسته به
ما هدین روز قبل از راهیمانی منتشر گردیده
در این اطلاعیه اقدام نیروهای شرکت کننده در
این تظاهرات، بعنوان یک "حرکت چپ روانه،
کتا ریستی و آنارشیستی" تلقی شده و نه تنها آن
را گامی در جهت بازگشایی دانشگاهها ندانسته
بلکه این حرکت را بهانه ای برای ارتجاع جهت

ملاحظات کوتاه

الفاتحه!

"مبارزه‌ها میریالیستی جمهوری اسلامی، انقلابی بزرگتر از انقلاب اول" و اینکه آمریکا هیچ غلطی نمیخواهد بکند، بالاخره مثل بالنی برپا دترکاید، مثل خانه‌ای برفی آب شود و به گرفتارن قطعاً تیدیکی نظامی و توبه و تکامل معنوی آمریکا! "انجام می‌دهد، توان تبلیغاتی ای که رژیم بر سر تصرف جا سوختن آمریکا برای اخذت هما نظور که نیروهای راستین کمونیستی معتقد بودند و یا زهما نظور که در اسناد افشاگری نشریه مجاهد در مورد جریان سفارت آمده است، مسرف داخلی "داشت برای آن بود که "قانون اساسی ولایت فقیه به تصویب برسد و جلوی اعتراضات گرفته شود!"

آن طبل تو خالی که "آزاد دهنش" بسیاری را خوش آمده بود و "زدبیکان بی بصر" را نیز از دیدن واقعیت جریان کور کرده بود، سرانجام بقول آقای رجائی به "قتضای موده" تبدیل شد که با ید هر چه زودتر از زرش رها شود و با بسط و با بسنگی را با آمریکا مجدداً مستحکم کرد و می بینیم که مساله را در رتبه حکیمت و قبول آمریکا! برای رها کردن قسمتی از پولهای بلوکه شده فیصله می‌دهند و در مجلس ترحیم مبارزه خدا میریالیستی شان فریاد "الفاتحه" را سر داده اند.

این تجربه یکبار دیگر در عمل به توده‌ها نشان داد که مبارزه بیگیرا نه و پیروز مندیسا امیریالیسم خونخوار رجائی که هر مدعی نیست "آنتی تزا" امیریالیسم، رهبری مبارزه بیوسیله طبقه کارگر است.

گناه‌ریز زنی، خرمن کوفتن

کای تو میخوای هدم مرد کهن

امضا با قلم یا تسبیح؟!*

رژیم جمهوری اسلامی روزی نیست که برای خود "افتخاری" دست و پا نکند طی چند هفته گذشته همزمان با سمینار "اشمه‌جمعه" و تبلیغاتی که برای روحانیت ولایت فقیه بپا کردند در بین ده‌ها دروغ بزرگ که برای فریب دادن توده‌های نا آگاه و شکرا کردند به این هم اشاره نمودند که "امضای هیچ روحانی پای قرارداد دهنی استعشاری نیست!"

رژیم میگوید روحانیت را پدیده‌ای غیر طبقه‌ای، "مقدس‌الهی" جایز ندکویی که در میان روحانیون کسانی که بیشترین خدمات را به طبقات استثماری رگرا کم نموده اند وجود نداشته اند و کویا با تائیدهای خود رژیم‌های فدخلقی، بزرگترین ضربات را به توده‌های

نگاهی به آمار برخی از اخراجیهای دانشسرای تربیت معلم سراسر کشور

توطئه‌های رژیم فدخلقی جمهوری اسلامی بر علیه معلمین مبارز همچنان ادامه دارد، اخراجیهای بی دربی آنان همراه با سرکوب جنبش او کگیرنده دانش آموزان انقلابی، بخشی از سیاست سرکوب رژیم را در مقابل جنبش دمکراتیک نشان میدهد. اما رژیم فدخلقی به خیال خام خود می‌پندارد که سرکوب هر چه بیشتر جنبش را خفه میکند، بر عکس معلمین انقلابی اخراجی همچنان به مبارزه خود ادامه داده و میکوشند تا مبارزه خود را به جنبش زحمتکشان پیوند دهند، آنان در برابر رژیم فدخلقی می ایستند و تسلیم نمیشوند، اما رژیم بخشی از توطئه‌ها انقلابی رژیم را در اخراج معلمینی که به جرم عقاید سیاسی اخراج شده اند نشان میدهد:

- دانشسرای راهنما شری رشت ۱، ۹۰ نفر اخراج
- دانشسرای راهنما شری تبریز، ۲۱۰ نفر اخراج
- دانشسرای راهنما شری تهران (دختران)، ۱۶۳ نفر اخراج
- دانشسرای راهنما شری تهران (پسران)، ۵۱۰ نفر اخراج
- دانشسرای راهنما شری شهری (دختر و پسر)، ۳۹۰ نفر اخراج
- دانشسرای راهنما شری همدان، ۶۵ نفر اخراج به جرم کرد بودن.
- دانشسرای راهنما شری سنجند، ۱۶۰ نفر اخراج.
- دانشسرای مقتداتین ورامین (دختران)، ۶۸ نفر اخراج
- دانشسرای مقتداتین مسایکان، ۸۰ نفر اخراج.
- دانشسرای مقتداتین دامغان، ۲۰ نفر اخراج.
- دانشسرای روستاشی "داران"، ۷۰ نفر اخراج.

"بغفل از خبرنامه" جمعی از معلمان اخراجی، با زینبسته جباری، ادامه بخدشت و... تهران و شهرستانها "با اندکی تغییر

چه کسانی از او با نشان پشتیبانی میکنند؟
اخیراً از طرف بی سیم‌های مشترک پلیس - ساپا در آن به کلیه ما مورین انتظامی دستور داده شده است که در صورت حمله "مردم" (یعنی جماعتداران و اوباشان) به تجمع نیروهای کمونیست و انقلابی و انقلابیونی که نشریه و اعلامیه بخش میکنند هیچ وجه دخالت نکنند و از "مهر" و "غضب" آنان جلوگیری ننمایند. همچنین دستور داده شده است پلیس ساپا یا ساری که مراجم قداران گردنشدی پیدا نشده و یا منحصات کامل به مقامات ما فوق معرفی میشوند.

کمکهای مالی دریافت شده

شماره	نام	مبلغ
۱	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۲	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۳	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۴	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۵	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۶	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۷	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۸	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۹	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۱۰	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۱۱	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۱۲	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۱۳	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۱۴	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۱۵	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۱۶	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۱۷	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۱۸	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۱۹	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۲۰	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۲۱	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۲۲	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۲۳	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۲۴	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۲۵	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۲۶	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۲۷	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۲۸	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۲۹	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۳۰	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۳۱	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۳۲	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۳۳	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۳۴	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۳۵	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۳۶	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۳۷	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۳۸	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۳۹	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۴۰	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۴۱	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۴۲	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۴۳	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۴۴	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۴۵	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۴۶	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۴۷	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۴۸	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۴۹	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۵۰	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۵۱	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۵۲	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۵۳	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۵۴	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۵۵	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۵۶	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۵۷	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۵۸	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۵۹	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۶۰	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۶۱	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۶۲	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۶۳	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۶۴	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۶۵	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۶۶	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۶۷	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۶۸	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۶۹	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۷۰	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۷۱	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۷۲	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۷۳	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۷۴	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۷۵	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۷۶	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۷۷	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۷۸	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۷۹	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۸۰	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۸۱	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۸۲	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۸۳	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۸۴	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۸۵	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۸۶	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۸۷	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۸۸	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۸۹	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۹۰	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۹۱	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۹۲	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۹۳	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۹۴	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۹۵	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۹۶	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۹۷	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۹۸	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۹۹	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
۱۰۰	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰

توضیح و توضیح:

اخباری که پیرامون سرکوب طلاب مبارز در رستم - رینگار ۸۲ و مبارزات آنان در رینگار ۸۶ آورده ایم انعکاس مثبتی از خود بجای گذاشته است. تنها یک نکته را ذکر فقیای هوادار ما در قم تذکر داده اند یعنی توضیح در اینجا ما در قم و آن اینکه نظر هراسی که جنسی پس در قم صورت گرفته بود و ما با ستاد دگرازش یک ربع نوشته بودیم که جنبه تودهای داشته (ساره ۸۶). جنین نبوده و وظایف اولی به تحریک لیبرالها بود و دومی به تحریک حزب جمهوری اسلامی



«ملاحظات کوتاه»

تمدیده و زحمتکش و اردنیا ورده اند! توجه کنید:
- علامه مجلسی یکی از بزرگترین علمای -
شیعه در مفید کتاب "زاد المعاد" حدودیک
صفحه کامل مداحی شاه سلطان حسین صفوی
را نموده است.

- میرزای قمی مجتهد بزرگ دوره قاجاریه
ناصراالدین شاه را کلاما تا شید میگردونه
ایراد می کند که به او میگرفت این بود که سبیل
شاه بلند است و موقع آب خوردن مگره است!
- میرزا محمد تقی شیرازی مجتهد بزرگ
نجف با سفرای انگلیس و آمریکا نامه های
دوستانه مینوشت و از آنها یاری میخواست،
- آیت الله خمینی در کتاب "گفتگوش" با
بارها تاکید میکند که هیچکدام از علما با
اساس سلطنت مخالف نبوده و نیست.

- آیت الله کاشانی که در رژیم جمهوری
اسلامی "بنقصر" سوکسه "داردهمراه" با
آیت الله بهبهانی واقعه نیمه سفته ۱۳۳۰
را موجب شد و شاه را طی تظاهراتی
فرمانی ملیت منانه از سفر به خارج باز -
داشت و سپس کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ را مورد
تائید قرار داد.

- آیت الله بیروجردی بزرگترین مرجع
تقلید زمان خود با زکشت شاه می از کودتای
واشیریک گفت و تا سال ۵۰ که زنده بود با در -
بار شاه روابط بسیار نزدیک داشت.

عمده مجتهدین معروف در سالهای گذشته
مردم را از مبارزه انقلابی علیه رژیم شاه بر حذر
می داشتند و خود به دعا گوئی مشغول بوده اند
حتی خود آیت الله خمینی هم که در تظاهرات
شاه قرار داشت دیدیم که در قیام ۲۲ بهمن چگونه
مانع از مبارزه مسلحانه توده ها برای درهم
شکستن دولت سرمایه داری وابسته به امپریا -
لیسم گردید.

اگر این اقدامات امضا و تائید رژیمهای
ضد خلقی گذشته و روابط آنها با استعمارگران و
امپریالیستها نیست، پس چیست؟

بدون شک و شوق الدوله ها، ترقی زاده ها،
امینی ها و انصاری ها و زاهدین خائن اندام
آیا امضا فقط با "قلم خود نویس" جرم است و با
نسیب، حلال؟! *

و اندن ارتجاع را ضروری میدانیم، به یقین
میتوان گفت، با تبلیغات کمونیستها و تظاهرات
نیروهای کمونیست در ۲۳ دی، رژیم جمهوری
اسلامی نزدیک توده های بیشتری رسوا شده و شمار
بازگشائی آنها در دستگاهها بعنوان گشایش سنگینی
برای آزادی و انقلاب توده ها ترک گشته است.



برداختند، اینک چه پاسخی دارند؟ رژیم -
گروگانگیری با صلاح چه ضربتی به امپریالیسم
زد؟ جز آنکه امروز دست امپریالیسم را با زمی -
گذارد تا علاوه بر گسترش روابطش با ایران
میلیاردها دلار ثروت ایران را نیز غارت کند؟
طبیعی است رژیمی که در طی این مدت با تمام
قوا به با زسی سیستم سرمایه داری وابسته و
سرکوب انقلابی و حفظ و جراث منافع امپریالیسم
برداخته است، امروز به این سازش تنگین و
خفت با ربا امپریالیسم بپردازد.
ولی آیا توده ها سازش رژیم با امپریالیسم
را بروی خواهند بخشود؟ و آیا تمام مدروغها و
وعددهای مبارزه "فدا امپریالیستی" را که به
توده ها میدادند بردوشان سوار شود و قدرتشان را
برای سرکوب انقلاب حفظ کند، فراموش خواهند
کرد؟ مبارزه طبقاتی جاری و روند گسترش یابنده
انقلاب بر علیه امپریالیسم و ارتجاع به این
سوالات پاسخ منفی میدهد.

استقبال دهها هزار نفر از این تظاهرات،

نشانه گسترش انقلاب

علیرغم تبلیغات ارتجاع، راهبیمانی ۲۳
دی اجرا گردید، منتها نه از جلوی دانشگاه بلکه
در خیابانهای اطراف دانشگاه، جمهوری و...
در این روزها طرفداران دانشگاه، از دهها هزار نفر
توده های انقلابی میهن موج میزد که بسیاری
پشتیبانی از مبارزات دانشجویان کمونیست
به طرفداران دانشگاه آمده بودند، این استقبال
پر شور توده ها از این تظاهرات و شرکت آنها در
تظاهرات اطراف خیابان دانشگاه، نشان میدهد
که علیرغم خرابکاری های رویزیونیستها، جنبش
انقلابی روز بروز نیرومندتر و نیرومتر میگردد،
طبیعی است مبارزه برای بازگشائی دانشگاهها
بعنوان جزئی از مبارزات دمکراتیک ضد
امپریالیستی در شکستن جوهرش روابط فکونی
تا شیر خود را بجای خواهد گذاشت و شرکت فعال
توده ها در این مبارزات در عقب راندن ارتجاع
و جلوگیری از شدت حملات ارتجاع به نیروهای
انقلابی موثر خواهد بود. هر چند که ارتجاع کوشید
با دروغ پردازی و تحریف، تظاهرات ۲۳ دی را
کم اهمیت جلوه دهد و قیامها را دعا کند که
مبارزات دانشجویان کمونیست را در "نطفه خفه
کرده" ویا "اینکه نیروهای انقلابی در جلوی
دانشگاه حضور نداشته" ویا "تعداد بسیار اندکی
بوده اند" ویا توده های حاضر در آنجا گوییم
طرفدار رژیم بوده اند! این یک دروغ آشکار
است شرکت توده های بسیار وسیعی را در این
مبارزات با یستی بعنوان یک پیروزی (با در
نظر گرفتن همه نکات مثبت و همه نقائص وضع -
هایی که در مجموع داشته است) ارزیابی نمود.
با توجه به شرایط اعتلا انقلابی موجود در جامعه ما
استفاده از تاکتیکهای مشابه، برای فشرده تر
کردن صف انقلاب و افشا، منفرد کردن و عقب -

بقیه از صفحه ۳۲ یادداشت

عالمی برای تحت فشار گذاشتن رژیم و کسب
استیازات بیشتر در جهت وابسته تر کردن رژیم
به خود استغاده نماید، شروطی که رژیم کمونیست
بخاطر سازش با امپریالیسم به آن تن میدهد نه
تنها با وعده های سال گذشته رژیم در مورد
گروگانها از زمین تا آسمان فاصله دارد، بلکه
ثروت هنگفتی از غارت زمینگشان ایران را در
اختیار آنها از زمین تا آسمان آمریکا قرار
میدهد تا بعنوان غرامت هر چند که میخواهد از
ثروت ایران برداشت کند و در واقع به امپریالیسم
امکان میدهد بخاطر گروگانگیری رژیم بساج
هنگفتی از ثروت های ایران بخود اختصاص دهد.
ما در همان هنگام که بسیاری از سازمانهای
سیاسی، انقلابی و حتی کمونیست برای واقعه
سفارت هورا میکشیدند، گفتیم که رژیم هرگز ضد
امپریالیست نبوده و نمیتواند باشد. اما آن
نیروهای که در آنزمان به فریب توده ها

بقیه از صفحه ۳۲ تظاهرات

بر لانه فساد خواندن دانشگاه "باور نداشته از
گشایش این سنگرزادی هواداری کرده و میکنند

با توجه به حساسیت توده ها به دانشگاه و حقانیت
مبارزات دانشجویان انقلابی، مطبوعا تا ارتجاع
ستونها و صفحات متعددی را با تیرهای درشت
صفحه اول به فدیت با نیروهای انقلابی و
بخصوص سازمانها اختصاص داده، تا شاید مبارزه
برای بازگشائی دانشگاه را لوث نمایند. در
این میان "مردم"، "گارا اکثریت"، "مبج آزادگان"
"جمهوری اسلامی"، "کیهان" و "اطلاعات"، (ارگانهای
حزب و رویزیونیستهای مرتجع طرفدار حزب)
"بازگشائی"، "انقلاب اسلامی" و "رنجبر" (رویزیو -
نیستهای مرتجع طرفدار لیبرالها) در فدیت با
نیروهای کمونیست و مبارزه انقلابی در جهت
بازگشائی دانشگاه همه مسافه برخاستند و
وقیحا نه تنها اینکه گاهی اوقات، در تظاهرات و
قدرتشان پای جناح رقیب را نیز میزدان می -
کشیدند، خائنانه توده های وفاداری (اکثریت)
برای مخدوش کردن مبارزات و فساد انقلاب و
حمایت از جناح حزب لیبرالها را در کنار
کمونیستها قرار دادند! ولیبرالها که از وحشت
مبارزه انقلابی دانشجویان کمونیست بسیاری
بازگشائی دانشگاه و برخورد میلیزیدند، ضمن حمله
شدید به کمونیستها و آمریکا شئی! خواندن آنها،
این "غشاشات" را محکوم کردند! و به "بسی
تدبیری" جناح رقیب که موجب یا به گرفتار
کمونیستها میشود، تا ختنه در هر حال تبلیغات
گسترده همه جناحهای رژیم رویزیونیستهای
حالی آنها در مقابل به نیروهای کمونیست و
بخصوص سازمانها نشان ضعف و زبونی آنها در
مقابل به شیخ را انقلابی گشایش دانشگاهها و
سنگرزادی بودنشان میداد که تبلیغات و
مبارزات ما به فدا ما مایه کرده است.

تظاهرات ۲۳ دی: دروغ پردازی و وحشت ارتجاع

هفته گذشته، با اعلان تظاهرات در جلوسوی دانشگاه تهران بنیاسات سالروز ۲۳ دی، ارتجاع وحشترده به واکنش برداخت، نیروهای ارتجاعی غیرغما همگونی و تظاهرها نشان متفق القول و متحد، بر علیه نیروهای کمونیست بپا خاستند، از "مردم" فروغان و اکثریتی ها تا حزبی ها و از لیبرالها گرفته تا دا رودستر رنجبران و اتحادیه رویزیونیستها یکمدا همگی کارزار تبلیغاتی بر علیه این مبارزه برحق بر راه انداختند، در این "سمپاشی" ها همانطور که شیوه تاریخی ارتجاع است، کمونیستها را که دلورا نه بدفاع از دانشگاه این سنگرزادی و آگاهی بپا خاسته و برای کثایش آن می رزمیدند، و قیام نه "چپهای افراطی"، "آمریکاشی"، "خدا انقلاب" و... خواندند! آنها با دروغ پردازی و تحریف کوشیدند، دعوت به تظاهرات افشاگرانه دانشجویان کمونیست را "هجوم گروههای مسلح برای اشغال دانشگاهها جلوه دهند! ما در اینجا قصد نداریم به ایستن ارا جیف که حضرات فوق بخوبی از شاه خاستن آموخته اند، پاسخ دهیم، چرا که توده ها روزی روزستان و دشمنان خویش و انقلابیون راستین از یکطرف و حزبیها، لیبرالها و رویزیونیستهای ارتجاعی از طرف دیگر را بیشتر و بهتر میشناسند بلکه تنها به توضیح وحشت ارتجاع از ایستن مبارزات و استقبال دهها هزار نفر از توده های انقلابی میهن و تاسیر این مبارزات در شکستن جوخقان کثونی، بسته میکنیم.

ارتجاع به دست و پامی افتد

علت اشکاس گسترده این مبارزات در صفوف ارتجاع وحشت و دروغ پردازی آنها را با یستی در نقطه ضعف اساسی رژیم در مورد دانشگاهها جستجو کرد، نطقهای آیت الله خمینی خطبه های نماز جمعه ویا و هکوشیهای مطبوعات و رادیو و تلویزیون ارتجاع در مورد دانشجویان کمونیست، هرگز نتوانست گشتا روسر کثوب دانشجویان انقلابی و تعطیلی دانشگاهها را توجیه نماید، توده ها مبارزات انقلابی دانشجویان کمونیست را بر علیه شاه خاستن و جان بازسیا و آکا هکر سیهای آنها را بخاطر داشتند و به همین خاطر همه به آن سنگرزادی نام نهاده بودند، توده ها، ترهات رهبران رژیم را مینسی

بقیه در صفحه ۳۱

یادداشتهای سیاسی هفته

می بخشد، بیباک تهر هیچ امتیازی نیست، چرا که تنها مناسبات ایران و آمریکا در زمینه معاملات اقتصادی به پیش از گروگانگیری باز میگردداند. با توجه به اینکه این مناسبات که تا مدت ها مناسبات اقتصادی رژیم شاه خاستن بود، جز بسود امپریالیسم عمل نمیکند، رژیم شرط ادا مناسبات اقتصادی با امپریالیسم را که در جهت تحکیم سرمایه داری وابسته است، می خواهد امتیازی به نفع توده ها بنامد، بدین ترتیب رژیم بسا آزادی گروگانها نه تنها امتیازی نگرفته بلکه مقادیر هنگفتی از ثروت ایران را بلکسه در حقیقت به انصاف امپریالیسم واگذا کرده که با حکمیت کشورنا لشی، هر قدر خواست از آن به جیب بزند، از این سازشکارانه تر و خاستنانه تر نمیشود، موقعیت امپریالیسم و تملطش بر بخش وسیعی از ثروت ایران پس از گروگانگیری بهتر از زمان پیش از گروگانگیری شده است، اکنون تصمیم گیری در مورد میلباردها دلار ثروت موجود ایران در بانه های امپریالیستی را در حقیقت به سیاستهای امپریالیسم آمریکا وا میگذارد، تا آنها را به جیب بزنند و بایستخوان بقیه در صفحه ۳۱

پذیرفتن اصل حکمیت: نهایت خفت و ذلت برای سازش با امپریالیسم

رژیم برای سازش با امپریالیسم روز بروز خفت بیشتری را می پذیرد، یادکنک "ضد امپریالیستی" رژیم اکنون دیگر ترکیده است و توده های مابعیان می بینند که رژیم چگونه با هزاران زاری و ذلت برای سازش و آشتی بسوی امپریالیسم می شتابد، تمام وعده و وعده های رژیم مبنی بر محاکمه گروگانها، محاکمه امپریالیسم آمریکا، گرفتن تمام ثروت شاه و بازگرداندن اموال و میلیاردها دلار پسرول ایران در بانه های امپریالیسم و... اکنون جسای خود را به رسوا ترین التماسها و خواهشها از امپریالیسم داده است، لایحه دو فوریتی، پذیرفتن اصل حکمیت در اختلافات مالی ایران و آمریکا که با اکثریت آراء در مجلس که تحت حاکمیت ارتجاع است به تصویب رسید، آنچنان خفت بار است که عملا حتی شروط سازشکارانه پیشین رژیم را در مورد گروگانها نیز بکناری میگذارد، در این لایحه که در ۲۴ دیما تصویب شد آمده است: "بدولت اجازه داده میشود، در مورد اختلافات مالی و حقوقی دولت جمهوری اسلامی ایران با دولت آمریکا از طریق داوری مرضی - الطرفین (یعنی انتخاب مشترک داوری که مورد رضایت طرفین باشد - پیکار) اقدام و اختلافات مذکور را حل و فصل نماید، چنانچه اینجاست که الجزایر پیش از تصویب این لایحه، حکمیت را پذیرفت و اعلام کرد که آمریکا نیز این حکمیت را پذیرفته و نزد الجزایر تعهد سپرده است (کیهان ۲۴ دی نقل از ماهیه ۲۳ دی، احمد عریضی - مسئول امور گروگانها) بدین ترتیب رژیم عملا دواصل از چهار اصل پیشین (یعنی اصل تحویل اموال و پولهای ایران در آمریکا و نیز اصل بازگرداندن اموال شاه) را که خود به انصاف از کافای ذلت با روسا سازشکارانه بود، بکناری می نهاند و در عوض می پذیرد که این مسائل از طریق "حکمیت" به تدریج حل و فصل گردد، بدین ترتیب رژیم در مورد آزادی گروگانها، تنها به یگقول! امپریالیسم که در امور ایران دخالت نکند، (اگر امپریالیسم قبول و قرا را را شود که دیگر امپریالیسم نیست!) و نیز تحریم اقتصادی را بشکند، گذشته از آنکه این شکستن تحریم اقتصاد می به وابسته تر شدن بیشتر رژیم به امپریالیسم انجامد و سرمایه داری وابسته را برای غارت و استثمار رزحمتکشان رنگ و جلا

به ابتکار رفقای ارمنی هوادار سازمان پیکار، این تقوم بمناسبت آغاز سال نو میلادی منتشر شد:

The poster features a map of Armenia at the top with the text "ՀԱՅԱՍՏԱՆԻ ԳԱՅՐՄԱՐԿԱԿՈՒՄՆԵՐԻ ՀԱՄԱՐՆԵՐԻ ԳՆԱՅՈՒՆՆԵՐԻ" (The Union of the Revolutionary Committees of Armenia). Below the map is a list of names, including "ՀԱՅՔԱՆՆԵՐԻ ԳՆԱՅՈՒՆՆԵՐԻ" and "ՀԱՅՔԱՆՆԵՐԻ ԳՆԱՅՈՒՆՆԵՐԻ". The poster is dated "1981" and "1980".

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست